

هو المحبوب

• آینه داران آفتاب:::

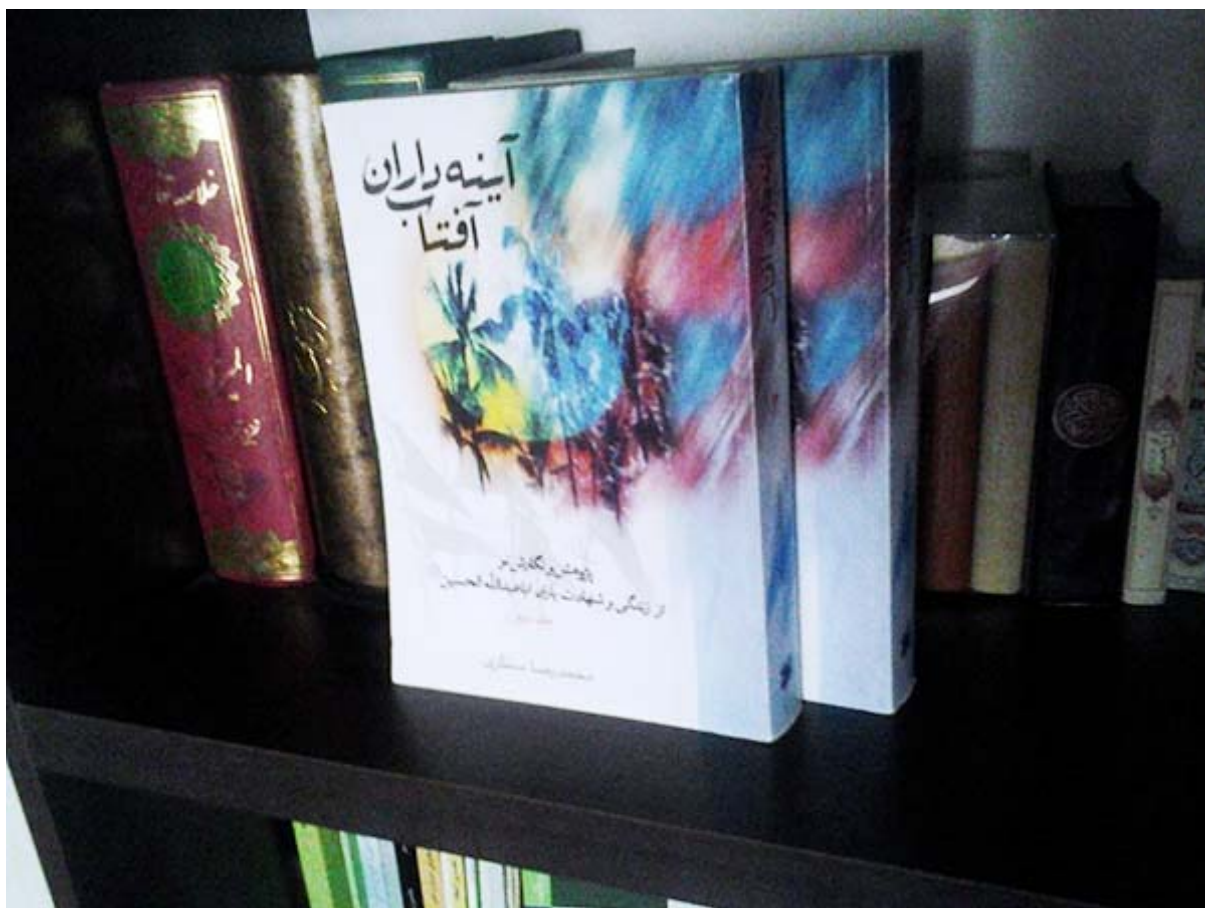
قبل از اولین سفر کربلا از تعدادی از اساتید توصیه خواستم. از جمله موارد قابل تأمل توصیه آقای دکتر یعقوب توکلی بود مبنی بر خواندن کتاب «دکتر محمدرضا سنگری» درباره معرفی یاران حضرت اباعبدالله(ع).

اینکه توجه و تفقه در زندگی یاران خون خدا چقدر مهم است خودش بحث مجزایی است؛ لیکن قطعاً کسانی که از بین آنهمه مدعی با امام عشق تا آخر ماندند چیزهایی در چنته داشتند که نبودشان در وجود هرکس ترس از نماندن در رکاب امام را با خود خواهد داشت.

دکتر سنگری عاشورا پژوهی است که قلم شیوایی در متون ادبی دارد و این امر در کنار توجه جدی به سندیت و همچنین ریز بینی و البته اخلاص ایشان باعث شده است که توجه جدی مجامع دینی و علمی ما به ایشان جلب شود و همین است که کسی چون دکتر توکلی را به معرفی آثارشان وا می دارد.



مجموعه دوجلدی «آینه داران آفتاب»، در «۱۴۷۰ صفحه» پژوهش و نگارش نو ایست از زندگی و شهادت یاران اباعبدالله الحسین(ع) که توسط «شرکت چاپ و نشر بین الملل» منتشر شده است.



در ۲۰۰ صفحه اول دکتر سنگری ضمن بررسی ویژگی های کلی اصحاب امام عشق، پیوند و رابطه امام با یاران و زیبا تر از همه سیرت، رفتار و شباهت صحابه ی دو انقلاب عاشورا و عصر ظهور پرداخته و سپس به شناخت و تقسیم بندی های اصحاب از نظر تیره و قبائل و حتی آنچه که در زیارت ناحیه مقدسه یا رحبیه آمده است پرداخته اند و بر اساس تمام سند های موجود آمار اصحاب امام را برشمرده اند.

آنگاه با بررسی تمامی منازل موجود از مکه تا کربلا، رفتارهای امام را در راستای اتفاق عظیم عاشورا و فراخواندن طوایف و افراد مطرح شده و نهایتاً تک تک یاران بر اساس زمان و نحوه شهادت از شروع اولیه جنگ تا جنگ های تن به تن و ... در کتاب آمده اند.

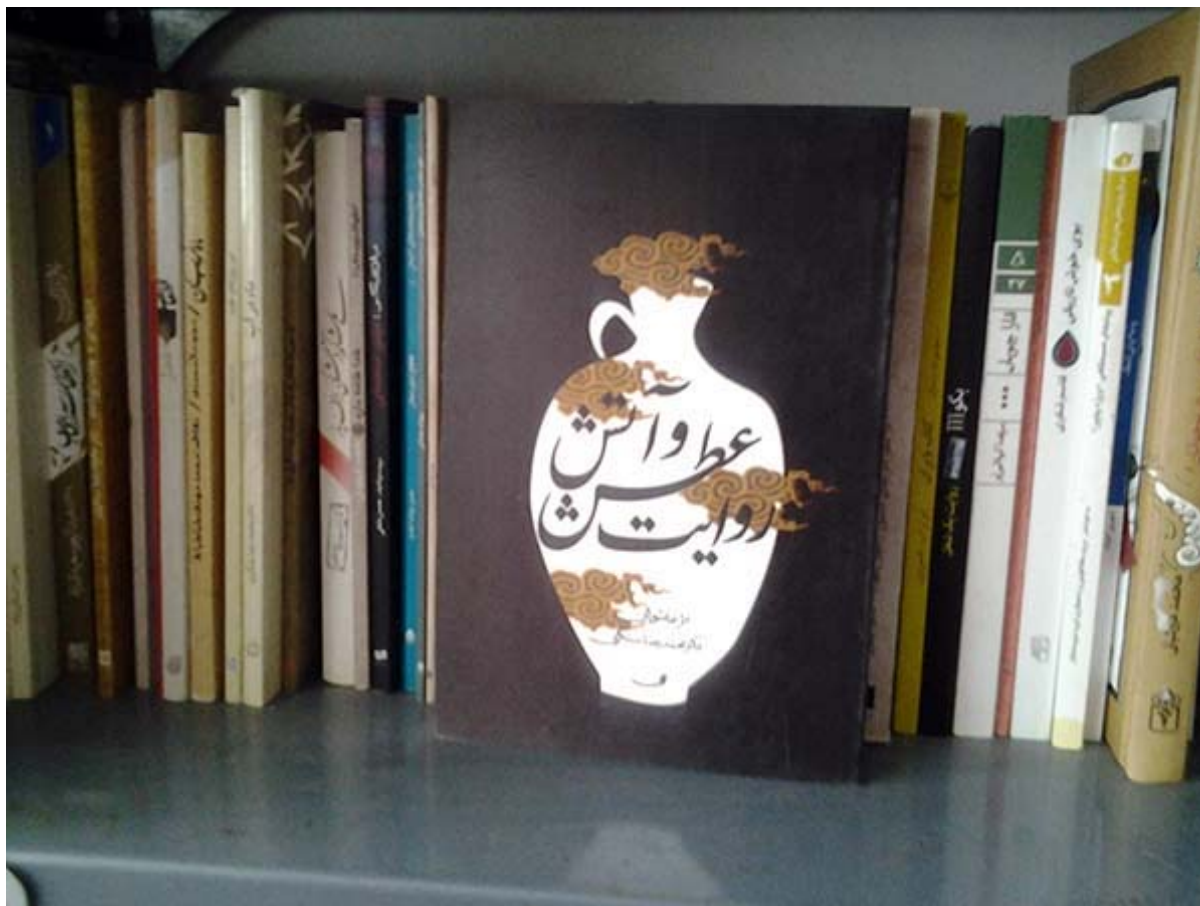
و این یعنی مقتلی جامع، سرشار از تعقل و احساس که خواندنش عقل را به غلیان و قلب را به فوران وا می دارد....

جالب است که در انتهای این کتاب ارزشمند، نام و نشانی ۳۸۶ منبعی را که دکتر از آنها استفاده نموده است را بر اساس حروف الفبا خواهید خواند که خود لیستی جامع از کتب مورد اطمینان عاشورا پژوهی خواهد بود.

فروشگاه: ۰۲۱۸۸۹۲۱۹۸۰ - ۰۲۱۸۸۹۰۳۸۴۳

www.intlpub.ir

• روایت عطش و آتش:::



دکتر سنگری به اختصار معرفی شد .

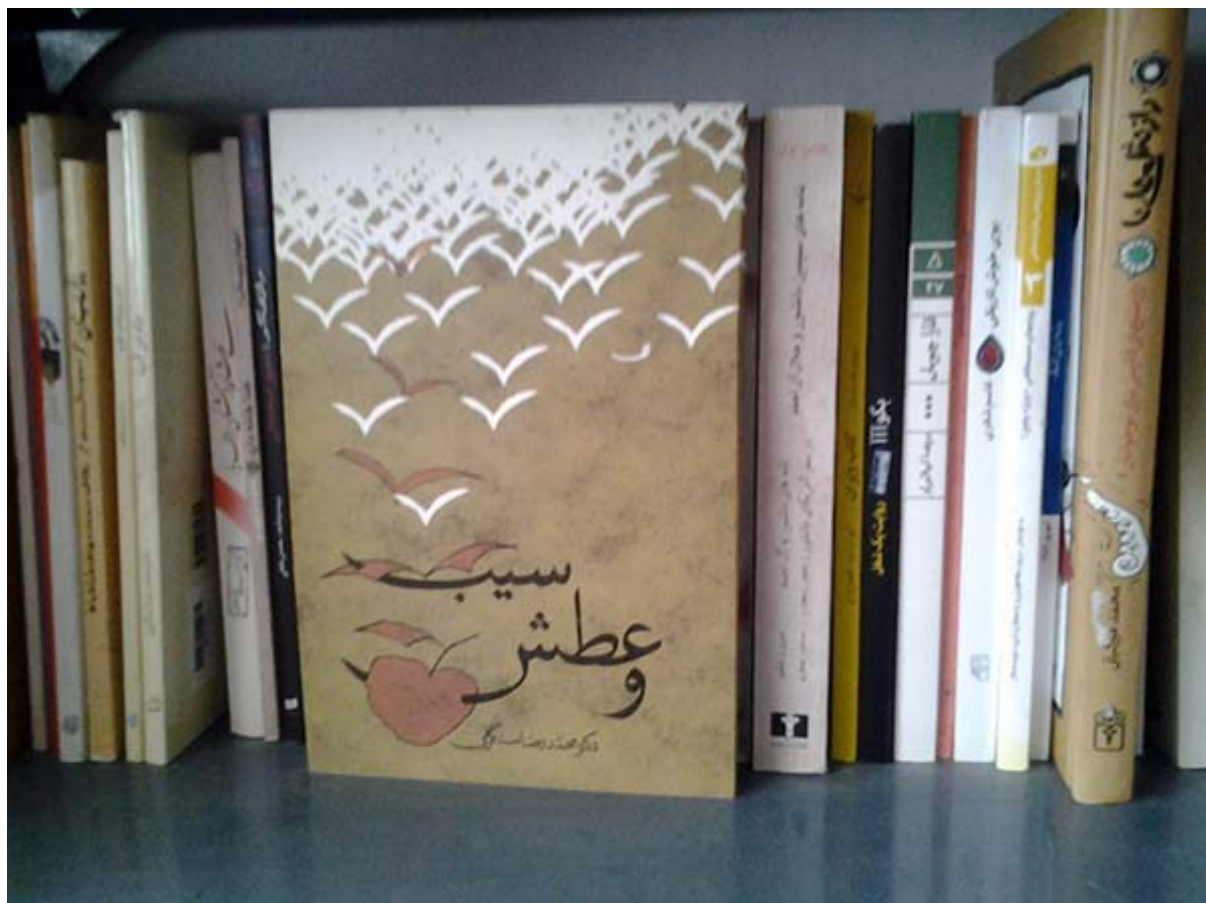
اما کتاب «روایت عطش و آتش» مجموعه نثر های عاشورایی دکتر است که توسط «نشر خورشید باران» در ۱۰۰ صفحه منتشر شده است.

سبک کتاب در بیشتر جاها شبیه شاهکار سید مهدی شجاعی ، یعنی «کشتی پهلو گرفته» است. یعنی پای حرفهای افراد مختلفی چون حضرت زینب (س) یا حضرت عباس(ع) و ... خواهی نشست و آنها متلکم هستند و تو شنونده. البته ردپای یک نویسنده ی مورخ را به خوبی در نوشتارها خواهی دید نه یک نویسنده ی ادبی نویسنده محض. به خصوص وقتی مثلا شرح حال «حمیده دختر مسلم بن عقیل» را می خوانی.

فروش: ۰۹۱۲۳۴۶۶۳۲۰

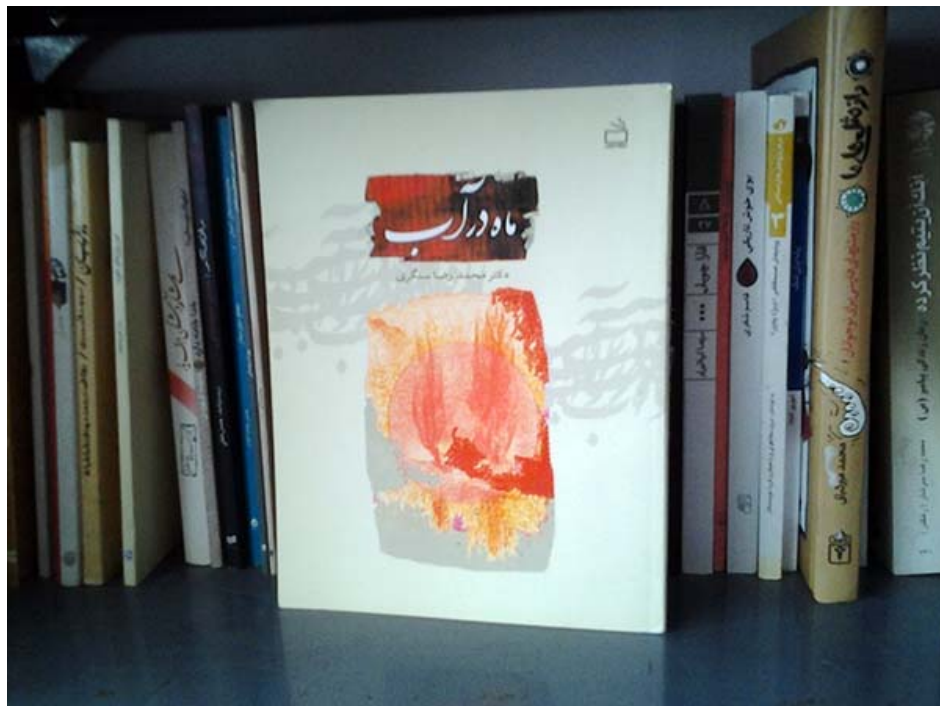
• سیب و عطش:::

و باز هم نثر عاشورایی دکتر سنگری. در همان سبک عطش و آتش و با همان نثر خورشید باران....



• ماه در آب:::

دکتر سنگری به جز نثر ادبی سنگین کتابهایی را برای نوجوانان و جوانان در باب عاشورا دارد. مثل «چهل روز عاشقانه» که کانون پرورش فکری کودکان منتشر کرده و موضوع اش اربعین است- که به موقع معرفی خواهد شد انشاالله- .
دیگر کتاب نوجوانان دکتر ، کتاب «ماه در آب» است که «انتشارات مدرسه» آن را منتشر کرده و موضوع آن حضرت سقا(ع) است.



حضرت عباس بن علی (ع) ، در نثری روایی ، ادبی و تاریخی برای نوجوانان خواندنی است...

«...عباس به آب نگرست. در آب ، حسین بود. موج ها در حرکت خویش ، حسین می نگاشتند. صدای موج ، حسین بود. به خویش برگشت و در خویش جز حسین ندید و ... حسین تشنه بود.

آب بنوش عباس!

آب خنک و زلال و گوارا با عباس سخن می گفت. دست رشید عباس در آب رفت. نوازش آب با دست های تشنه و جان تشنه تر چه میکند. قطره های عزیز از کف می چکد. آب را بالا آورد تا فضای دهان رسید. نسیم خنک آب چهره عباس را می نواخت.

ساقی بنوش، گوارایت باد.

باز در موج ها ولوله افتاد. حسین، حسین، حسین...»

• طلسم سنگ:::

«دهانت

اگرچه خسته و خاموش

رسول اولوالعزم تمام گفتنی هاست

و لبخندت

اگرچه تازیانه خورده و مجروح

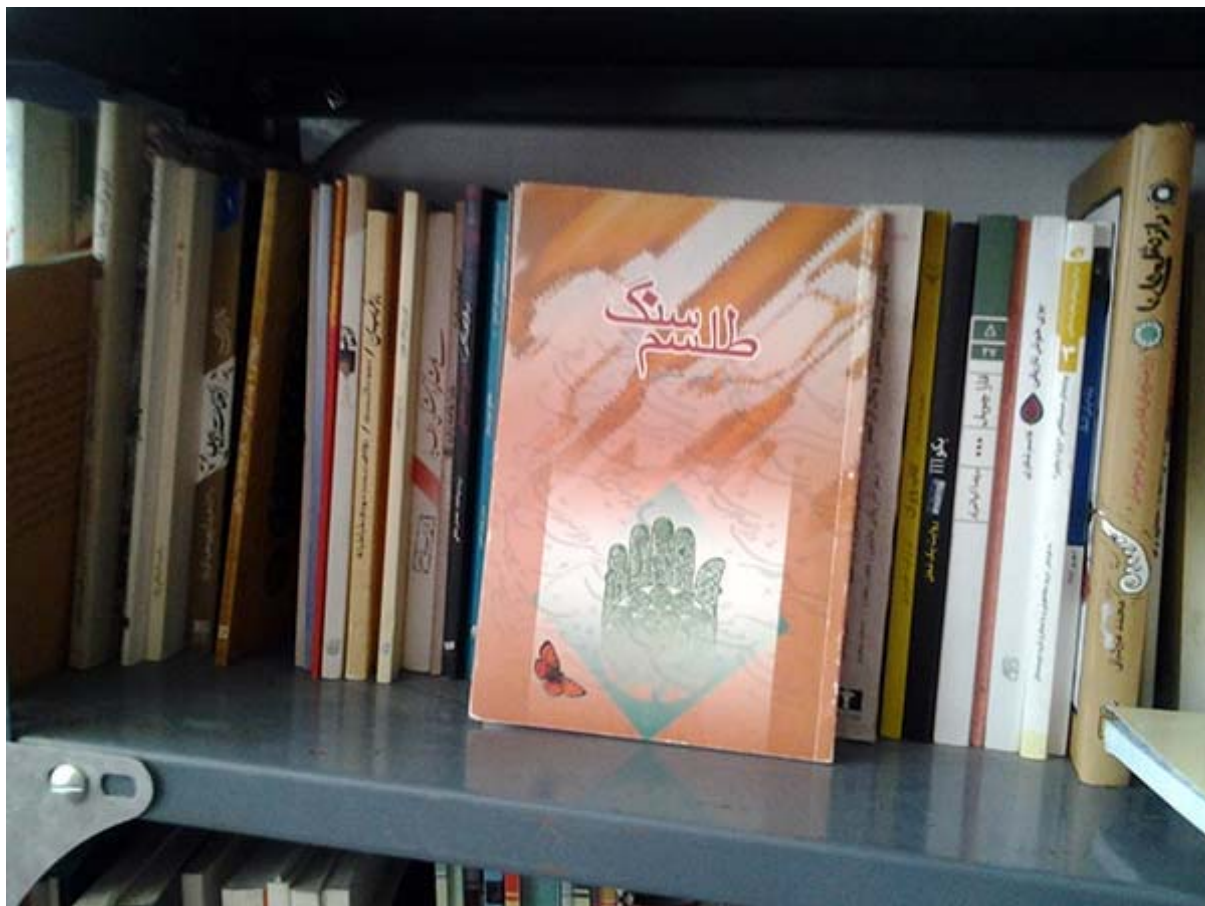
امام تمام شکفتنی ها....»

مرحوم دکتر «سید حسن حسینی» حضرت آقا «سید الشعراى انقلاب» نامیده اند. استادی به غایت هنرمند و واصل... گفتن از دکتر سید حسن حسینی وراى این قلم ناچیز است که شنیده ها نیز براىم ثقیل اند چه رسد به درک آنها....



«طلسم سنگ» نثر های عاشورایی سید است طى بیست سال. مقتلى خاص مملو از شعر دیگر شاعران که ظاهرش ۹۰ صفحه است و باطنش را خدا می داند...

این کتاب را «سوره مهر» منتشر کرده است...



http://www.sooremehr.ir/ و ۶۱۹۴۲-۰۲۱

«... بازماندگان با دو دشمن رو در رویند، اندوه رفتگان که عمیق است و شادی دشمنان که مثل حباب، سطحی و ناپایدار! یزیدیان این فاتحان بی شکوهترین رزمِ عالم، دسته دسته می کوشند تا شکستِ واقعی خویش را بزرگ کنند. هیاهوی شادمانی آنان مانند بُزدلانی است که در تاریکی قدم می زند و برای فرار از ترس و خوف، به صدای بلند زمزمه ای بر زبان می آورند...»

• گنجشک و جبرئیل:::

آقا رضای امیرخانی تعریف می کردند که وقتی سید حسن حسینی به رحمت خدا رفت موقع خاکسپاری وقتی جسم روانه قبر شده بود همسر سید دوان دوان آمد و کتاب گنجشک و جبرئیل را هم همراه جسم بی جان کرد. گفته بود وصیت خود سید است. خواسته بود این کتاب شفیعش باشد. در ادامه هم کلام حضرت آقا را نقل کرد. آقا گفته بودند طبق معمول وقت خواب کتابی را دست گرفتم برای خواندن. اینبار وقتی کتاب را شروع کردم به خواندن دیدم نمی شود خوابیده خواندش. نشستیم. کمی که گذشت دیدم نمی شود این کتاب را نشسته خواند؛ ایستادم و آن را خواندم. کتاب گنجشک و جبرئیل سید حسن حسینی را. نثر های عاشورایی سید را.

حالا خودتان بخوانید حدیث مفصل اش را...

سکوت

سنگین و پرهیاهو

درهم می شکست

گلوی شورشی تو

بر یال ذوالجناح باد

شتک می زد

علقمه _ سرخ و سیراب _

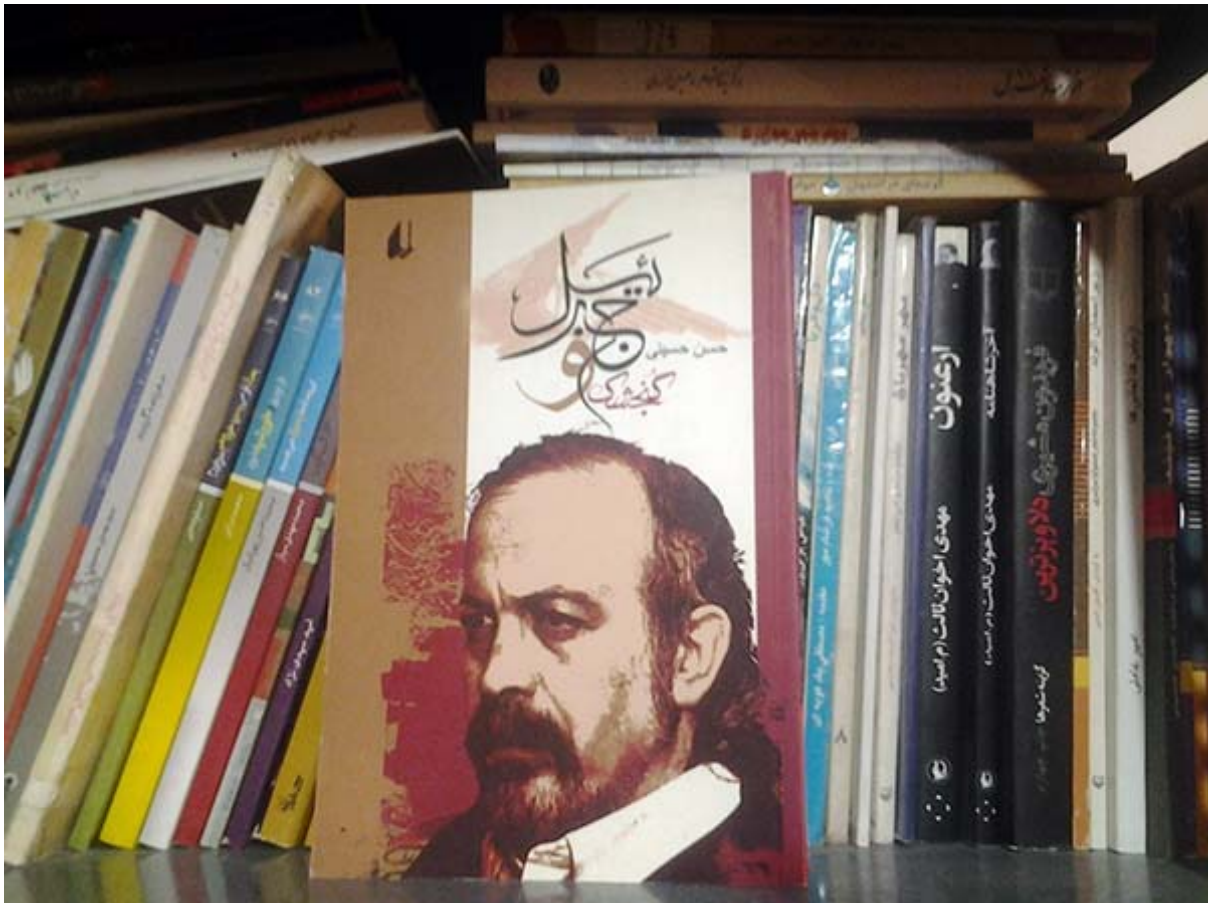
در زیر زانوان تو می غلتید

و خورشید

بر کوهان کوه های برهنه

به اسارت می رفت...

آری «گنجشک و جبرئیل» کتابی است شامل ۳۱ شعر نو عاشورایی از «سیدالشعراى انقلاب اسلامى» يعنى «دکتر سيد حسن حسینی» که انتشارات «افق» آن را منتشر کرده است.



روایت پانزدهم

پلک صبور می‌گشایی

چشم حماسه ها روشن میشود

کدام سر انگشت پنهانی

زخمه به تار صوتی تو می زند

که آهنگ خشم صبورت

عیش مغروران را منغص میکند

می دانیم تو نایب آن حنجره مشبکی

که به تاراج زوبین رفت

و دلت مهمانسرای داغهای رشید است

ای زن قرآن بخوان

تا مردانگی بماند

قرآن بخوان

به نیابت کل آن سی جزء

که با سرانگشت نیزه ورق خورد

قرآن بخوان

و تجوید تازه را

به تاریخ پیاموز

و ما را به روایت پانزدهم

معرفی کن

قرآن بخوان

تا طبل هلله از های و هو بیفتد

خیزران عاجزتر از آن است

که عصای دست شکسته های بزک شده باشد

- شاعران بیچاره

شاعران درمانده

شاعران مضطر -

با نامت چه کردند!

تاریخ زن آبرو می گیرد

وقتی پلک صبور میگشایی

و نام حماسی ات

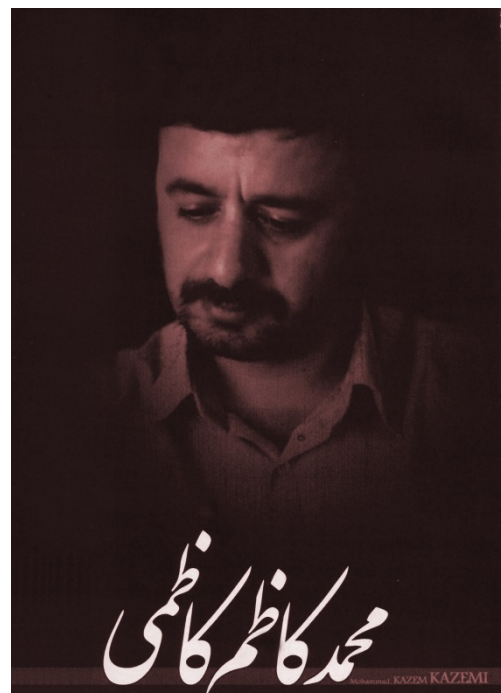
بر پیشانی دو جبهه نور می درخشد

زینب!

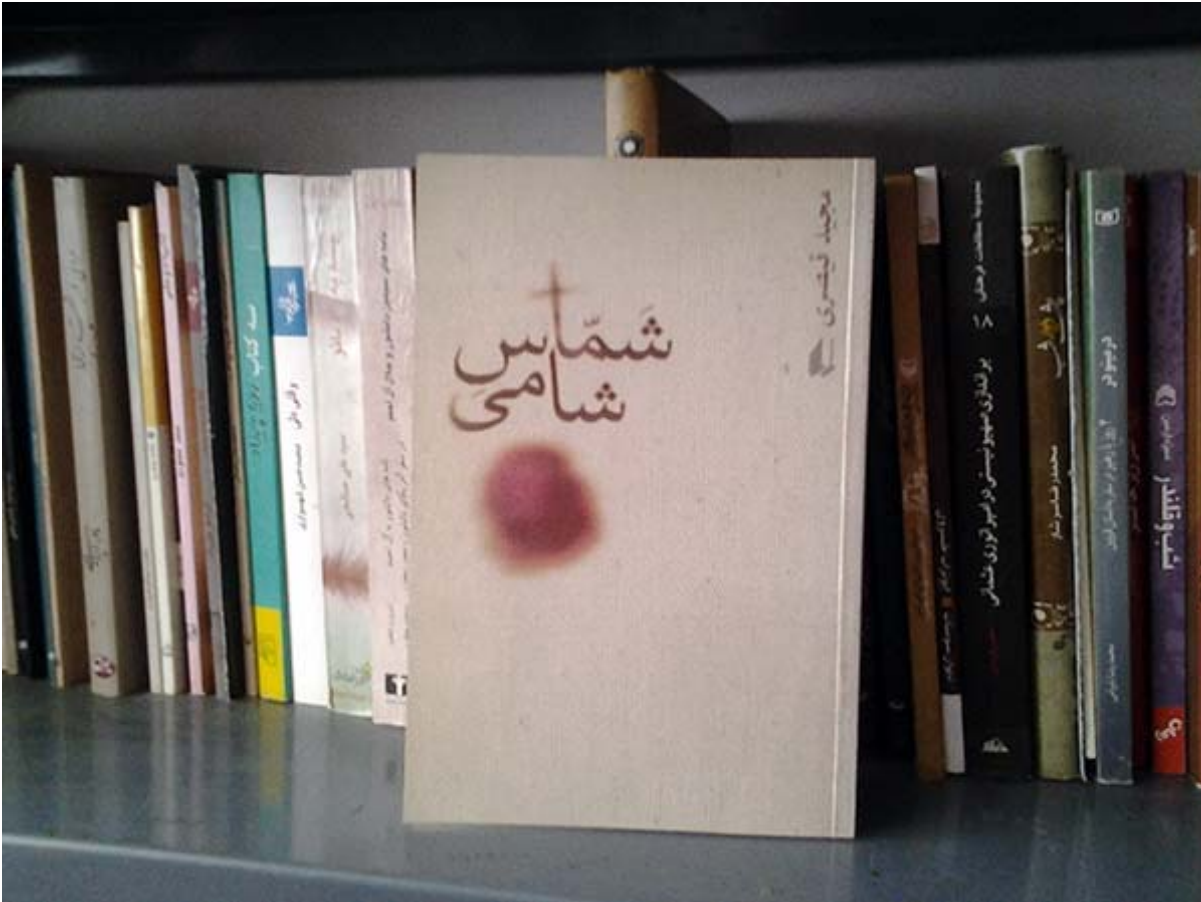
شماره تلفن: ۶۶۴۷۵۸۸۲ و <http://www.ofoqco.com>

راستی، استاد شاعر جناب محمد کاظم کاظمی، گنجشک و جبرئیل را «حادثه ای در شعر عاشورایی» میدانند...

<http://mkkazemi.persianblog.ir/post/136>



• شماس شامی :::



این دیگر نوبری است از کتاب های کمتر دیده شده....

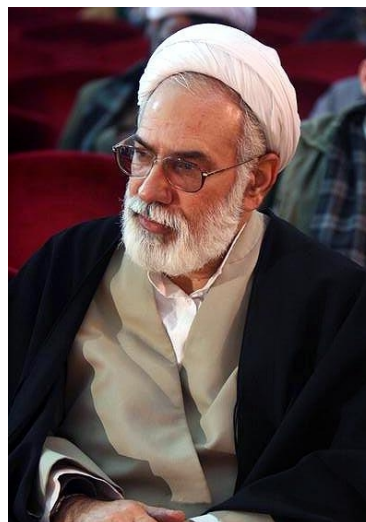
شماس شامی کتابی است از «مجید قیصری» که با نگاهی نو، با دستاویز «رمان» برای روایت «تاریخ» آمده است. به قول خودش: «داستان اگر اجازه ندارد تاریخ را تحریف کند، اما این توان و ظرفیت را دارد که تاریخ را از زاویه ای نو به روایت بنشیند.»



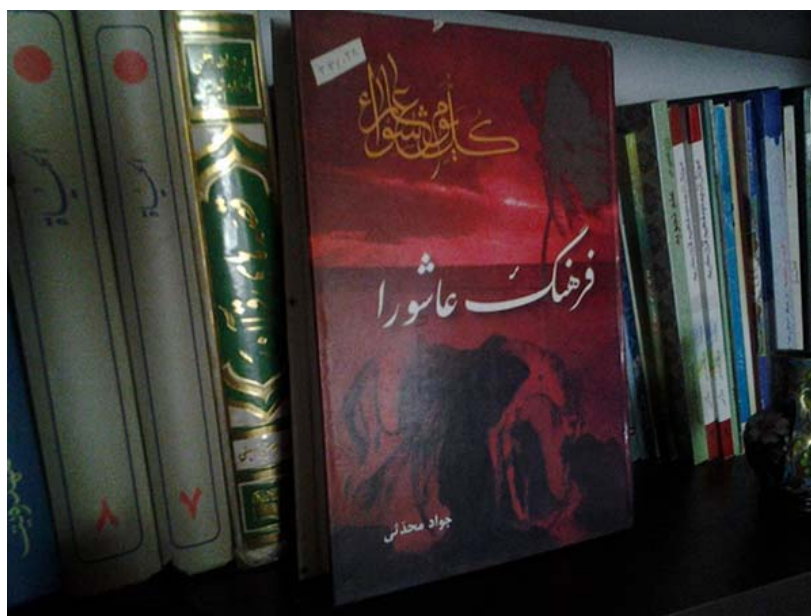
و رمان شماس شامی حکایت همان مرد مسیحی است که در شام بر مجلس خلیفه ی مسلمانان که فرزند نوه ی رسولشان را کشته اند و اهل بیتش را به اسارت آورده اند در هم ریخته است.

رمان ،حکایت سفیر روم است در شام... که نشر «افق» آن را منتشر کرده است...

• فرهنگ عاشورا:::



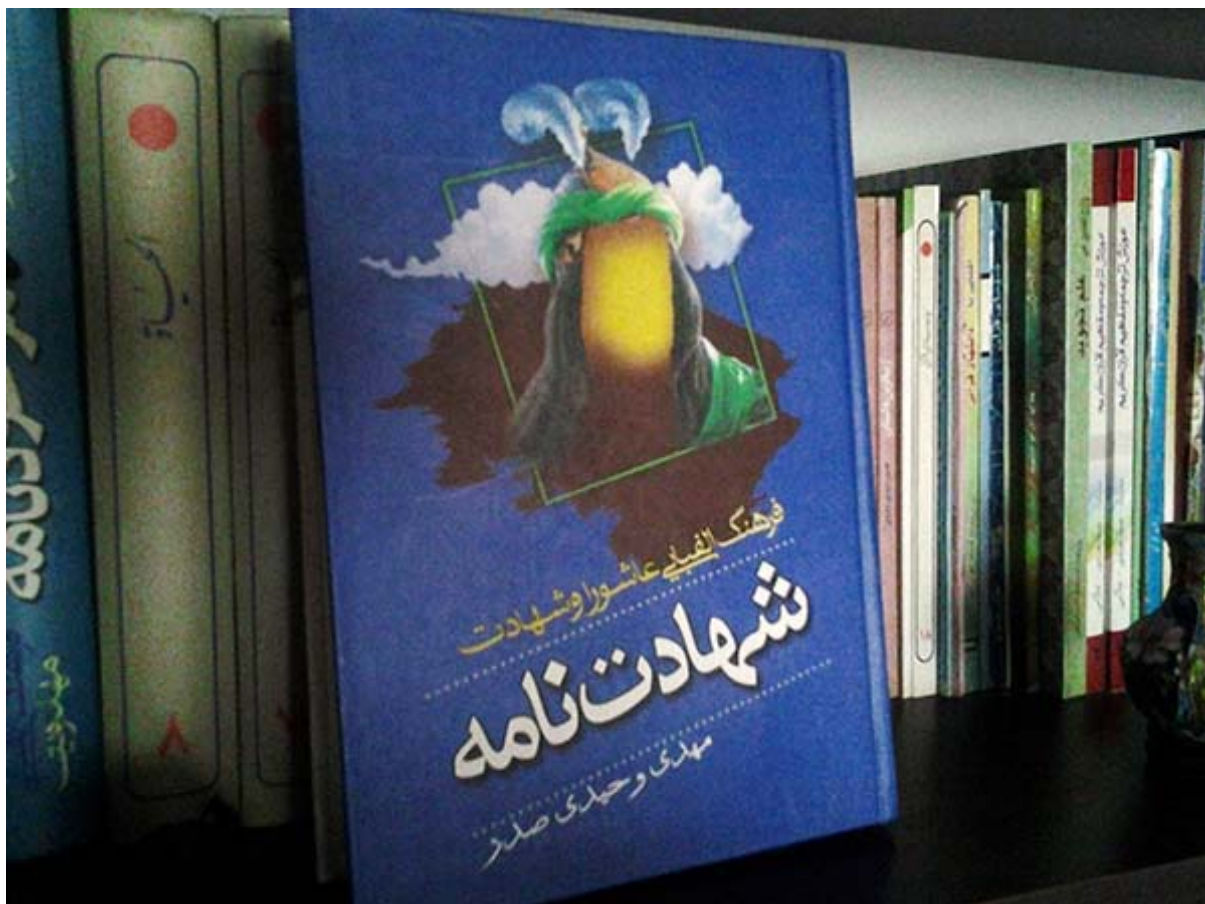
«حجت الاسلام جواد محدثی» <http://mohadesi.persianblog.ir/> از آن دسته پژوهشگران و نویسندگان بسیار بسیار پرکاری است که برای همه سن و همه مخاطبی و تقریباً در تمام حوزه های دینی و اجتماعی کتاب دارد. از کتاب های حجیم و سنگین تا کتاب های پالتویی و کم حجم و ساده برای نو جوانان. از داستان و متن ادبی تا مقاله و ...



کتاب فرهنگ عاشورا، فرهنگنامه ای است بر اساس لغات و کلمات مربوط به واقعه عاشورا بر اساس حروف الفبا برای استفاده تحقیقی و پژوهشی که در سال ۱۳۷۴ تدوین و توسط «نشر معروف منتشر شده است»

• شهادت نامه:::

درست ده سال بعد از تلاش حجت الاسلام و المسلمین محدثی ، «مهدی وحیدی صدر» در حرکتی مشابه کتاب «شهادت نامه» را با عنوان فرهنگ الفبایی عاشورا و شهادت را تدوین نموده و توسط انتشارات «مشهور» منتشر کرده اند.



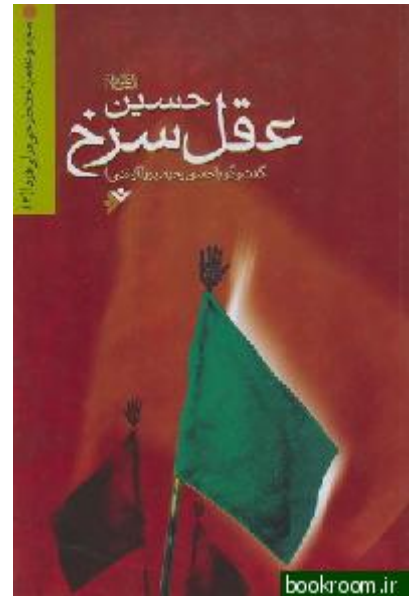
• حسین (ع) عقل سرخ:::

درباره استاد «حسن رحیم پور ازغدی» پیشتر کمی سخن گفته شد.



اما کتاب «حسین (ع) عقل سرخ» فی الواقع سخنرانی های استاد در محرم سال ۸۰ در شبکه اول سیما ست. عنوان کتاب برای متن اش بهترین معرفی است و البته این متن از کتاب:

«... این تاریخ دردناک اسلام است، روح اسلام، قربانی کالبدش شد و محتوایش پیش پای فرمایش شهید گشت و بنابراین، اسلام با سلاح رستم فرخزاد ایرانی یا هراکلیوس روم یا زبان شبهات کافرانه ابن ابی العوجاء و کفرگویی امثال او و نظریات جاثلیق، زمین گیر نشد؛ اسلام با روایات جعلی ابوهیره و ابودرداء، و با فتوای کعب الاحبار، ابوموسی اشعری و شریح قاضی کشته شد. سیدالشهدا در کربلا قربانی تحریف اسلام شد. این روند مسخ مذهب، تفکیک مذهب از حکومت، تفکیک اخلاق از سیاست، حذف «محتوا» و «حفظ شکل» بود که به مبهم و مجهول الهویه کردن اسلام، هزارقرائتی کردنش، تفسیر به رای قرآن، تحریف دین و منحط کردن اسلام انجامید و همین، هدف آنهاست؛ مه از صحنه روزگار برانداختن اسلام، که می دانند ممکن نیست. صفحه ۱۶»



این کتاب نیز ابتدا توسط انتشارات سروش منتشر می شد و اکنون چاپ بیست و هفتم این کتاب در ۱۱۲ صفحه توسط ناشر اختصاصی آثار استاد یعنی «طرح فردا» منتشر شده است.

جهت تهیه آثار استاد: ۰۹۱۵۹۱۳۰۱۶۸ و <http://rahimpour.ir>

البته اگر اهل خواندن کتاب دیجیتال هم باشید ، میتوانید متن کتاب ها را هم از سایت استاد دانلود کنید...

• حماسه عاشورا: ::::



قطعاً وقتی بخواهی کتاب های عاشورایی را نام ببری، از اولین کتابهایی که به زبان خواهی آورد کتاب «حماسه حسینی» استاد شهید «مرتضی مطهری» است. خواندن این اصرار از دو جهت ضروری است. اول اینکه استاد با نگاهی که به واقعه عاشورا دارد، در فضایی که پوشش زیبای واقعه عظیم عاشورا که برای آبیاری و طراوت فلسفه قیام اباعبدالله (ع) خود نمایی می کند ممکن است جای اصل و ریشه ی قیام را بگیرد به تبیین و احیاء فلسفه عاشورا و عزاداری سالار عشق پرداخته است و دوم اینکه نگاه سیر وار به آثار استاد شهید - فارغ از موضوعات خاص هر اثر- موجب نوعی نظم و نظام فکری برای مخاطب می شود.

لیکن از آنجا که آثار منتشر شده از استاد اغلب متن سخنرانی های ایشان بوده و همین موجب شده است تا به نحوی اضافات سخنرانی شفاهی در خواندن متن مکتوب خواننده را دچار توضیحات اضافه کند، احساس نیاز به بازآفرینی آثار استاد چه در ویراستاری متون و جذف زواید و چه جمع آوری موضوعی بر اساس اندیشه ها و آراء استاد حرکت های قابل توجهی از سور مراجع دینی و علمی موجب شده است.



«کانون اندیشه جوان» نیز با تکیه بر اساتید و سابقه علمی خود با نگاه به مخاطب جوان اقدام به تدوین مجموعه ای «چهل جلدی» بصورت موضوعی با عنوان «چلچراغ حکمت» نموده است. در این آثار کم حجم - ۱۲۰ صفحه - تلاش شده است تا هرچه ساده تر و مختصر تر به ارائه موضوعات مختلف بر اساس اندیشه های استاد پرداخته شود.

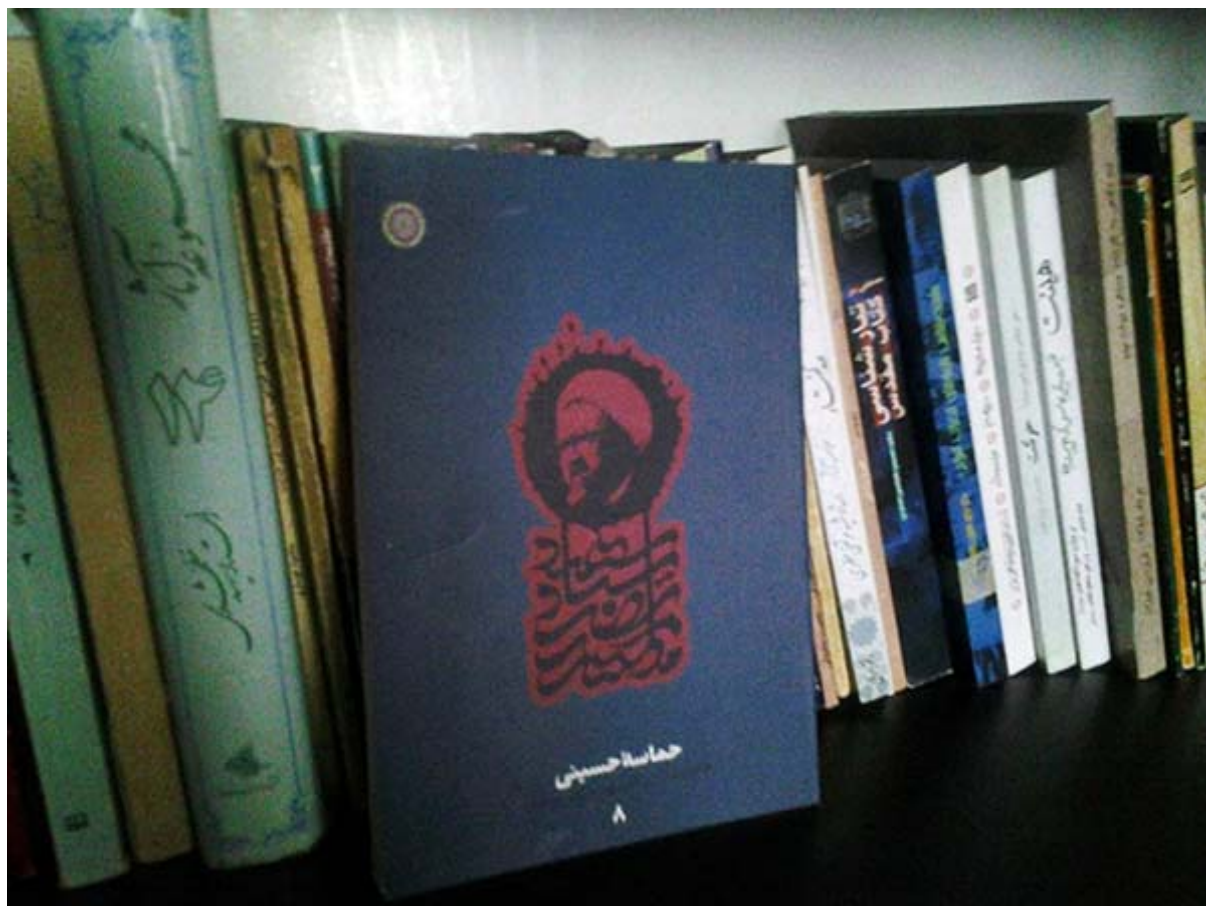
دفتر سی و سوم از مجموعه چلچراغ با عنوان «حماسه عاشورا» نگاه موضوعی به عاشورا در نگاه استاد شهید مطهری است.

شماره تماس: ۰۲۱۸۸۵۰۵۴۰۲ و www.canoon.org

جهت دریافت فایل آثار استاد <http://www.motahari.org/>

• حماسه حسینی:::

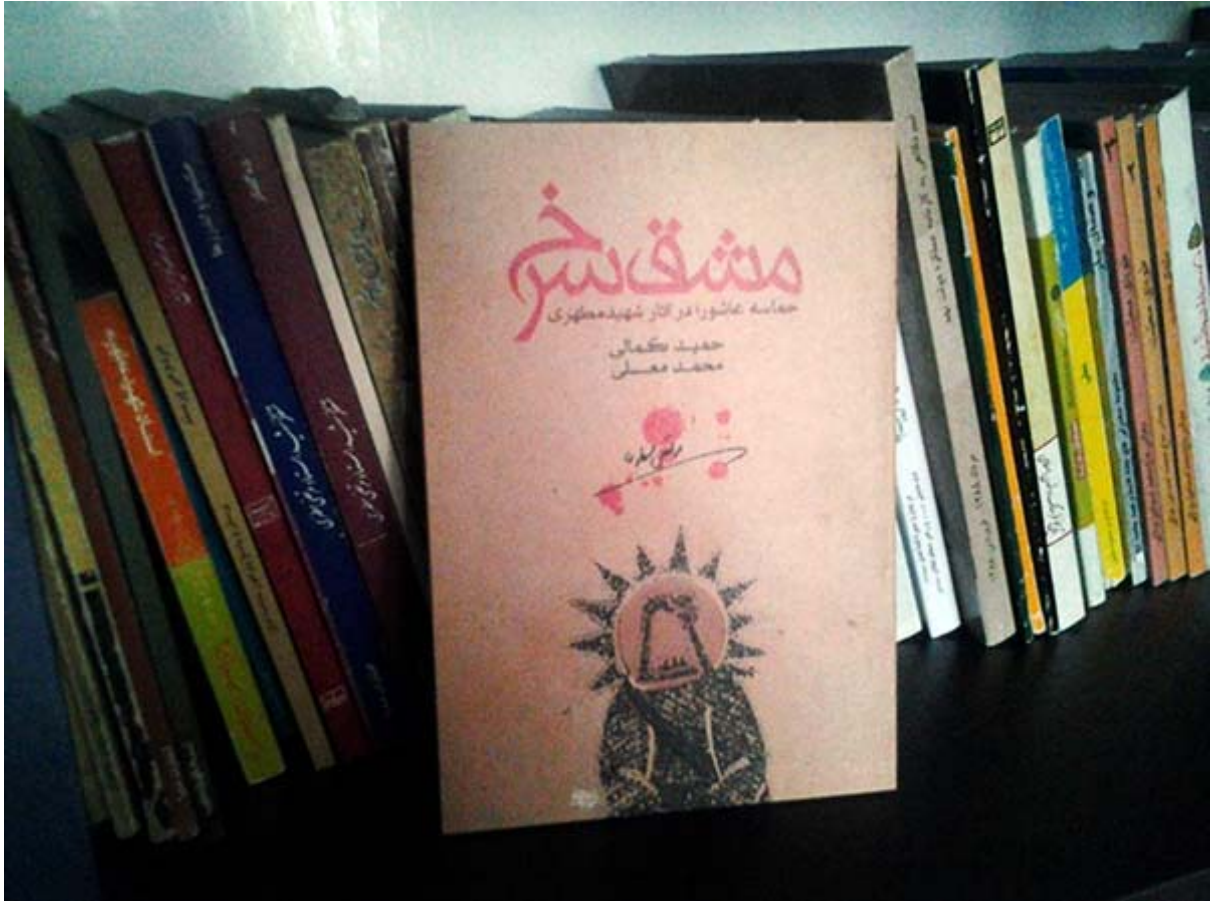
با همان توضیحاتی که در مورد کتاب حماسه عاشورا آورده شد ، باید گفت که «دانشگاه امام صادق(ع)» نیز اقدام به تلخیص آثار استاد کرده است که دفتر هشتم از این خلاصه آثار به «حماسه حسینی» اختصاص دارد.



<http://www.ketabesadiq.ir/> و ۰۲۱۸۸۳۷۰۱۴۲

• مشق سرخ :::

و باز با همان توضیحات قبلی ، تلاش موسسه فرهنگی تبلیغی آینده سازان وابسته به دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان با موضوع حماسه عاشورا در آثار شهید مرتضی مطهری شده است کتاب «مشق سرخ» .

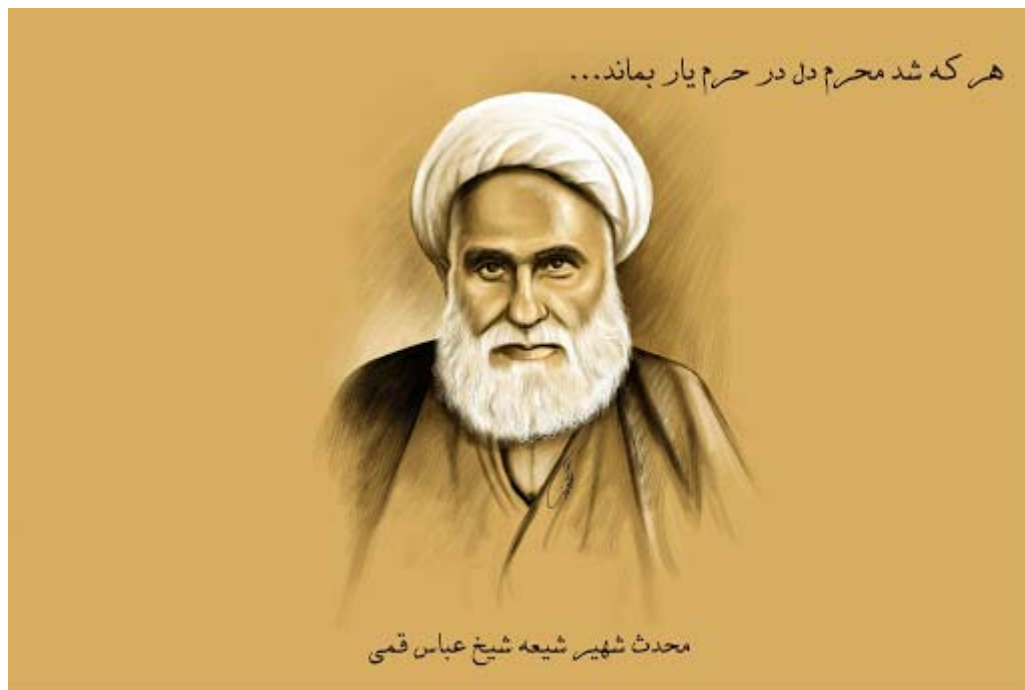


«حمید کمالی» و «محمد معلی» در این کتاب که قاعدتاً دانش آموزی تر نوشته شده است در پایان هر فصل از فصول پنجگانه کتاب سوالاتی جهت گفتگو تأمل بیشتر و در آخر هم سوالاتی جهت مسابقات فرهنگی طرح کرده اند...

شماره تماس موسسه آینده سازان : ۰۲۵۳۷۸۳۶۶۲۹

• کتاب آه:::

«شیخ عباس قمی» را که می شناسید. «محدث» بزرگ و مولف «مفاتیح الجنان». محدث یعنی کسی که در جمع آوری و شناخت احادیث و جدا کردن سره از ناسره استخوان ترکانده باشد...



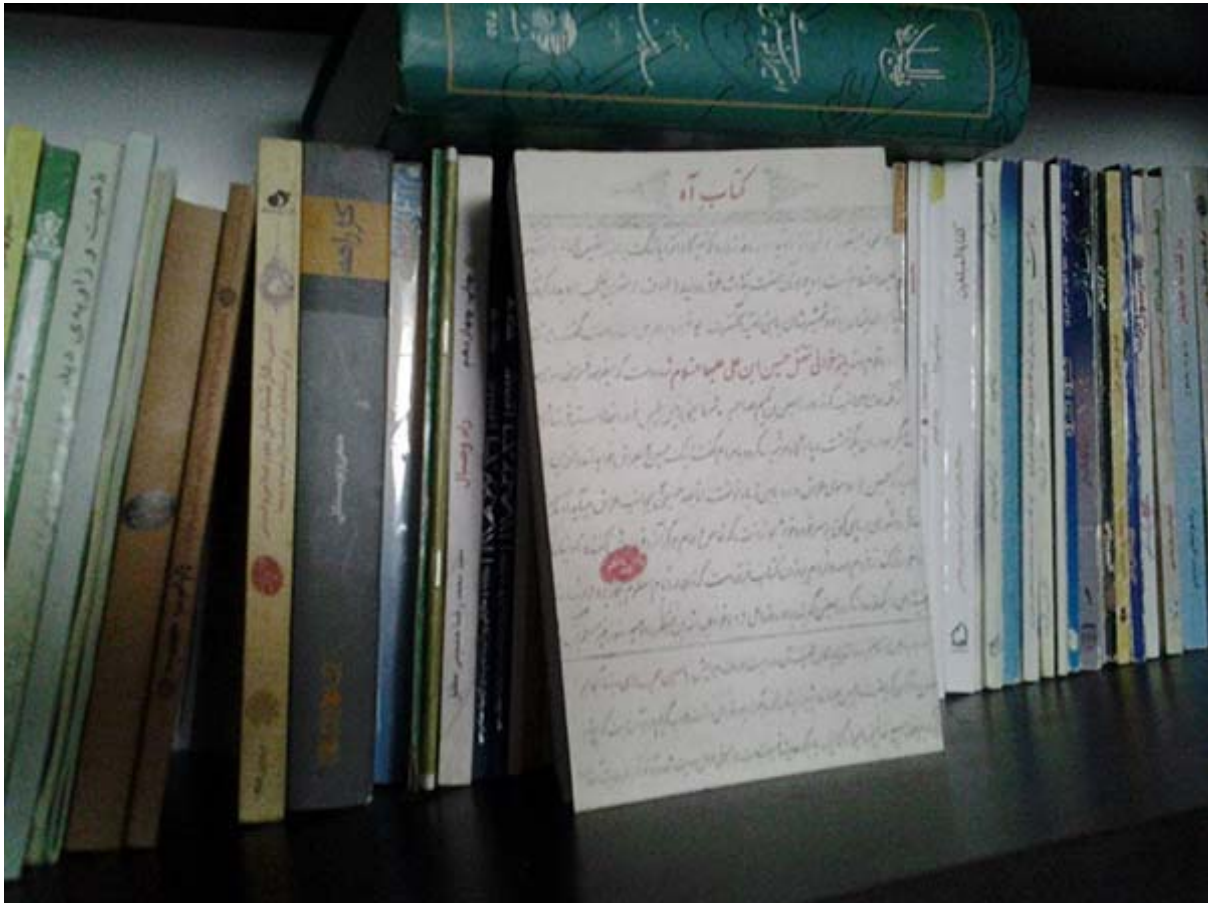
شیخ عباس از زمان بیعت مردم با یزید تا بازگشت اهل بیت حسین(ع) به مدینه در قالب کتاب «نفس المهموم» مقتلی به «عربی» نگاشته که بصورت کاملاً بی طرفانه و صرفاً بر اساس علم حدیث خود می توان جامع ترین مقتل و کتاب تاریخ این ایام دانست.

کتاب نفس المهموم را «میرزا ابوالحسن شعرانی» که آیت اللهی مجتهد و عالم به فلسفه ، کلام ، فقه ، تاریخ ، تفسیر و نجوم بوده و بر زبان های عربی ، فرانسه! ، انگلیسی و حتی عبری! اشراف داشت ، به فارسی ترجمه کرده و «دمع السجوم» نامید.

«یاسین حجازی» به قول خودش با ورق ورق کردن دمع السجوم با تکیه بر شیوه خط تاریخی به جمع کردن اقوال مختلف ، اسامی تغییر یافته و ... پرداخته و نهایتاً با حذف زواید به سادگی و خلاصه گی هر چه تمام تر در ۵۸۰ صفحه کتابی بسیار زیبا و کاربردی در مقتل حسین(ع) نگاشته که خودش آن را بیشتر «بازخوانی» یا «ویرایش» می نامد. در این کتاب در بخش های یکی دو صفحه ای اصل اتفاقات صورت گرفته را در این ایام خواهید خواند. از برخورد امام با یک فرد تا خود حادثه جنگ و شهادت یاران.

کتاب آه هم برای همراه دهه محرم مناسب است و هم برای اینکه برداری و بی مقدمه صفحه ای را بازکنی و شروع کنی به خواندن. که البته بعید می دانم زود زمینش بگذاری.

اگر می خواهید تاریخی جامع و مقتلی فشرده بخوانید قطعاً یک راست بروید سراغ همین کتاب آه. هرچند ممکن است متن کتاب کمی پیچیده به نظر بیاید ولی به نظر من این پیچیدگی در جمع کردن مفاهیم در کوتاه ترین عبارت لازم بوده است.



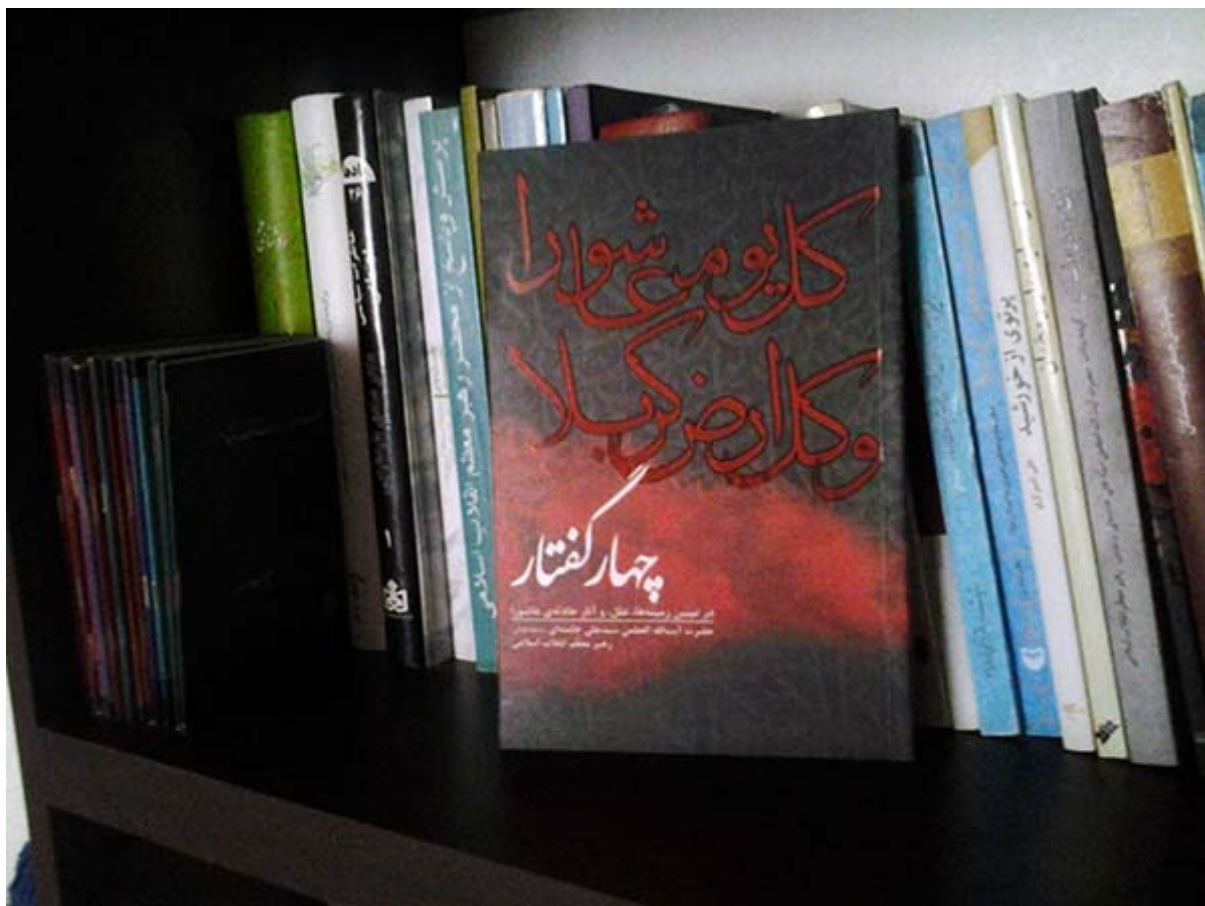
کتاب آه را نشر «جام طهور» منتشر کرده است.

www.tahoor.com — ۰۲۱۸۸۷۴۰۸۱۷

<http://www.khabaronline.ir/Detail/79374> مصاحبه ای خواندنی با آقای حجازی

• چهار گفتار :::::

کتاب «چهار گفتار» در واقع چهار سخنرانی مقام معظم رهبری (مدظله العالی) است در سال ۷۱ در جمع گردان های عاشورا، سال ۷۴ در خطبه های نماز جمعه، سال ۷۵ در بین فرماندهان لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و سال ۷۷ در نماز جمعه با موضوع «تبیین زمینه های، علل و آثار حادثه عاشورا».



نگاه رهبر «حکیم» ما با آن اشراف تاریخی بر مسائل سیاسی و اجتماعی گذشته و امروز به واقعه ی عظم عاشورا بهترین راهکار برای «عبرت» گرفتن و «انتخاب» راه اصلی و «عمل» است.

کتاب چهارگفتار را موسسه «انقلاب اسلامی» در «۱۳۰ صفحه» منتشر و عرضه کرده است.

خواندن این کتاب برای همه فعالین فرهنگی «واجب» است. فتوای خودم -

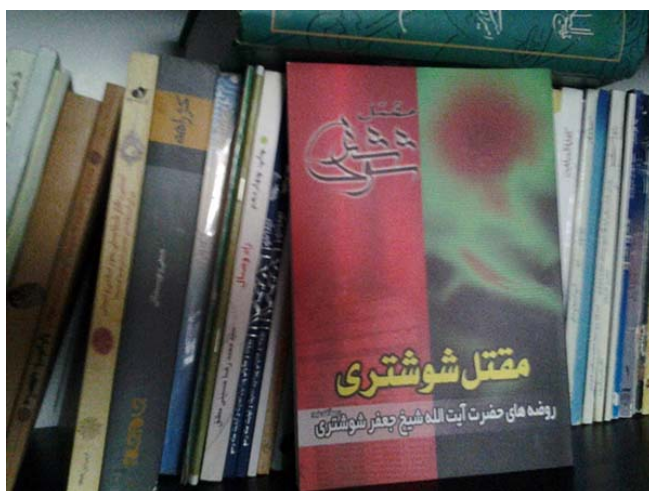
• مقتل شوشتری ::::

«منبر» قطعاً از کاربردی ترین «رسانه» های شیعه است. تبلیغ «چهره به چهره» آن هم از فردی «عالم» و «صاحب نَفَس» در هر جایی «متناسب با مخاطب» را نمی توان با هیچ چیز دیگری مقایسه کرد.

حالا این رسانه را پیوند دهید با واقعه ی عظیم عاشورا و اینکه استفاده کننده از این رسانه خود از دلسوختگان باشد.



«حضرت آیت الله شیخ جعفر شوشتری» که عنایات آشکار و پنهان زیادی از سوی حضرت ابا عبدالله (ع) بر ایشان شده است با منابرشان مشهورند و حالا انتشارات «آرام دل» که با منشوراتش در حوزه ادبیات آئینی معروف است اقدام به جمع آوری روضه های ایشان نموده است.



شماره تماس: ۰۲۱۵۵۹۷۱۶۹۷

• من می گویم شما بگریید:::

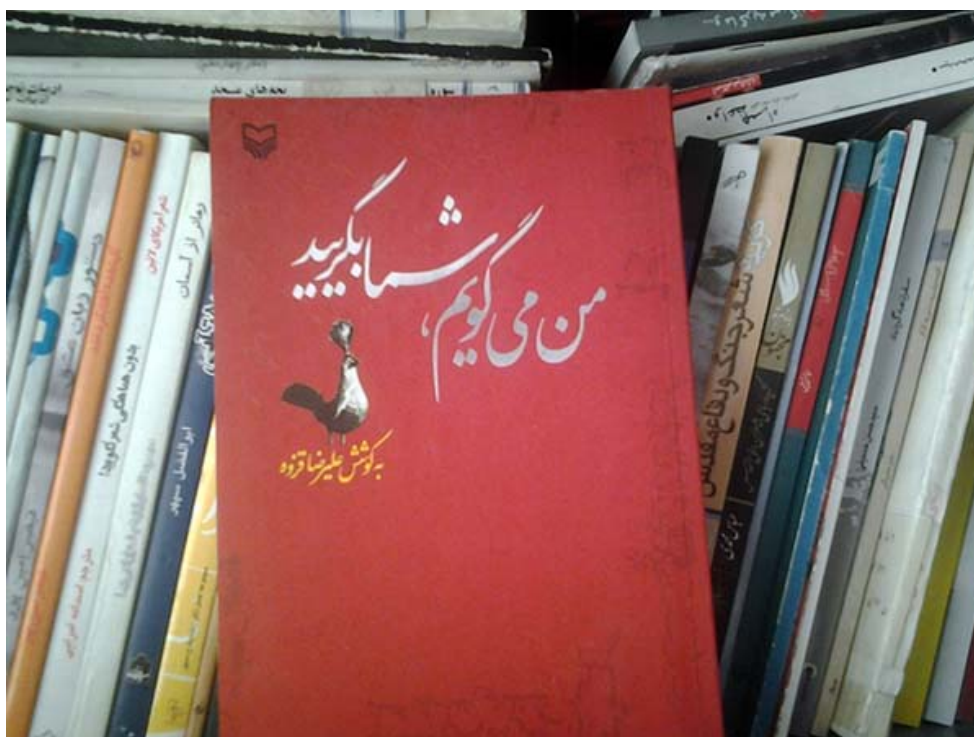
این کتاب را استاد دکتر «علیرضا قزوه» جمع آوری کرده است. کتابی در پنج فصل که اشعار عاشورایی شاعران کهن و معاصر، با دقت خاص در غنا و وزن محتوایی تدوین و «سوره مهر» منتشرش کرده است.



شعر شاعرانی چون سیف فرغانی، مولانا جلال الدین بلخی، محتشم کاشانی، اقبال لاهوری و شاعران صاحب اثر معاصر، همچون حمید سبزواری، محمدعلی مرادی و دهها شاعر معروف و مشهور معاصر و شاعران نو قلم...

فصول این کتاب شامل امام حسین(ع)، اصحاب و یاران، قتلگاه، اسارت و ... است.

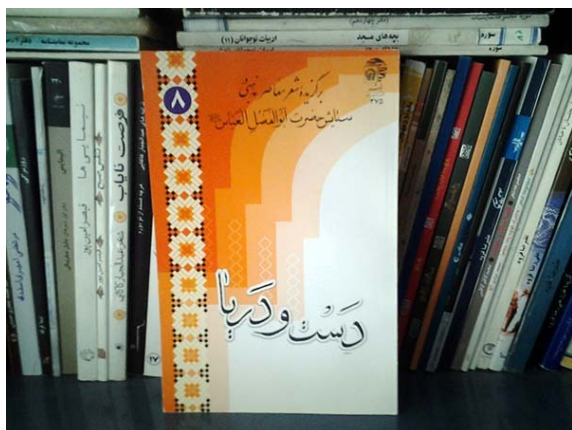
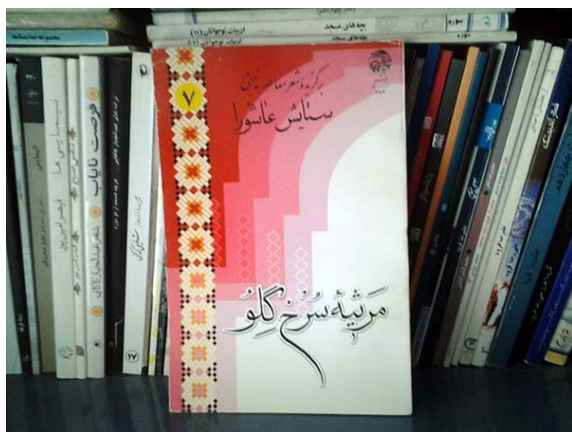
این کتاب را می توان مرجعی ناب برای مداحان دانست.



• برگزیده شعر معاصر مذهبی در....:

انتشارات «به نشر» وابسته به آستان قدس رضوی است که البته به زعم حقیر هیچ نسبتی با محتوای غنی و کارهای هنری فاخر آستان ندارد و کارهایش بیشتر شبیه دهه شصتی ها ست. همه چیز را همه جوره منتشر می کند....

در بین نادر کارهای خوب این نشر تلاشی است با عنوان «برگزیده شعر معاصر مذهبی» که تقریباً برای تمام اهل بیت (ع) منتشر شده است. فارغ از طرح و شکل نه چندان زیبا و البته عدم کارشناسی لازم در انتخاب شعرهای فاخر جزء اولین تلاش ها در جمع آوری شعرهای آئینی موضوعی است که بالاخره شعرهای خوبی هم در این کتاب ها یافت می شود.



کتاب «بانوی صبر» در ستایش حضرت زینب (س)، «مرثیه سرخ گلو» در ستایش عاشورا، «صحیفه محرم» در ستایش حضرت سجاد (ع) و «دست و دریا» در ستایش حضرت ابوالفضل العباس (ع)، چهار کتاب مرتبط با محرم هستند....

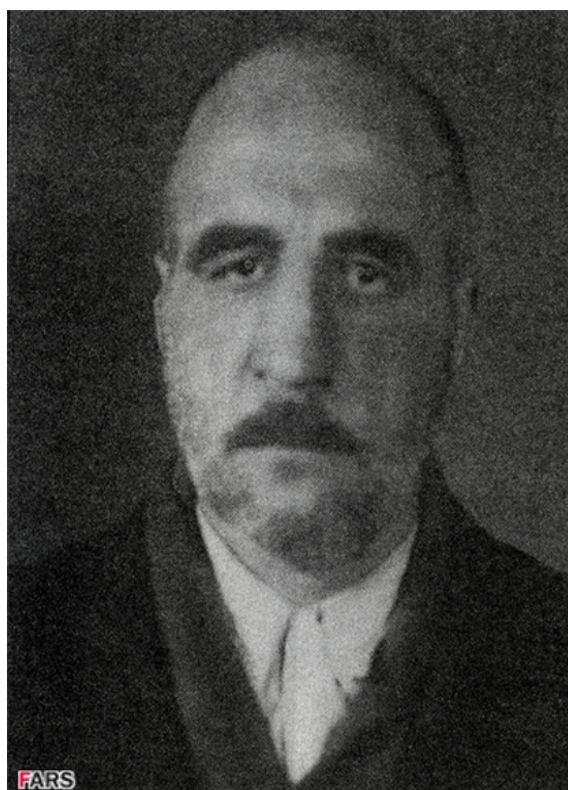
تلفن: ۰۵۱۱۲۲۱۰۵۰۰-۰۵۱۱۲۲۴۹۵۵

• رسول تُرک:::

رسول دادخواه تبریزی ، از اوباش و عرق خور! های بنام تهران شب عاشورا گذرش می خورد به مجلس امام حسین(ع) و بانی مجلس که وجود او را شایسته مجلس عزاداری سالار شهیدان نمی بیند او را ترد می کند و رسول که خود یک گردن کلفت به حساب می آمد بدون مخامصه مجلس را ترک می کند...

فردای آن روز مسئول هیئت دنبال رسول میگردد و همه جوهره می خواهد از او دلجویی کند... رسول که حسابی از این رفتار دوگانه جا می خورد علت را جویا می شود. مسئول هیئت خواب شب گذشته اش را تعریف میکند.

مسئول، در عالم رویا خود را در وسط واقعه عاشورا می بیند و وقتی می خواهد به سراغ خیمه های اباعبدالله(ع) برود متوجه سگ بزرگی می شود که جلوی خیمه گاه ایستاده و از خیمه ها پاسداری می کند. سگ اجازه عبور کسی را نمی دهد. حتی اجازه آن مسئول هیئت. و در آن رویا آقای مسئول می بیند که سر سگ ، سر رسول است. یعنی درواقع آن رسول ترک بود که با هیئت سگ از خیمه ها پاسداری می کرد....

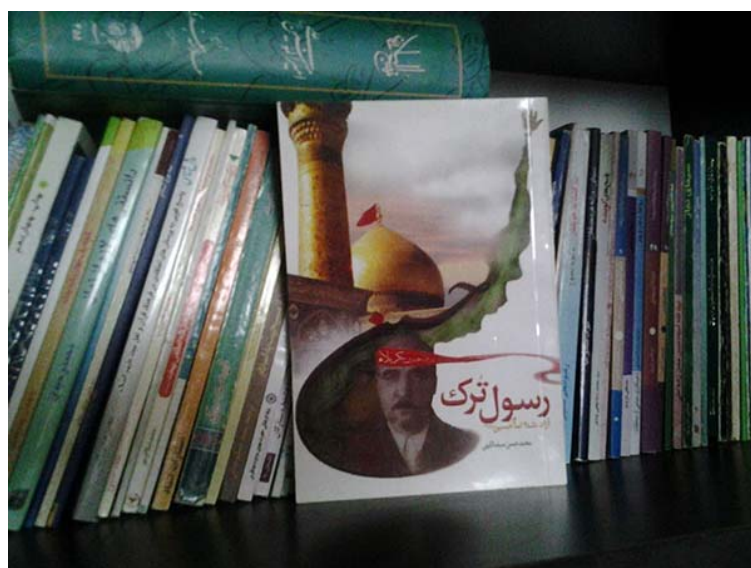


این واقعه موجب می شود که رسول ترک منقلب شده با بساط هیئت گره بخورد...

آزاد شده ی امام حسین(ع) حکایت های عجیبی بعد از این «انقلاب» دارد



کتاب « رسول ترک؛ آزاد شده ی امام حسین(ع) » نوشته محمد حسن سیف الهی است و انتشارات مسجد مقدس جمکران آن را منتشر کرده است.



در ابتدای این کتاب سرگذشت داستانی حاج رسول دادخواه را می خوانید و بعد هم چهل خاطره درباره ایشان....

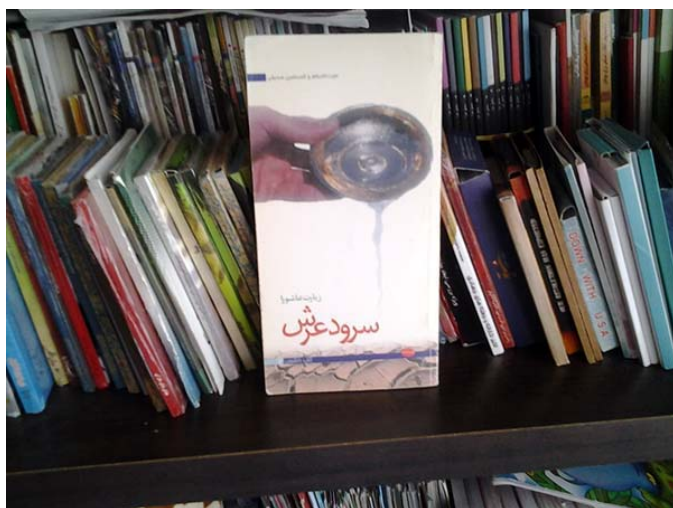
شماره تماس : ۰۲۵۳۷۲۵۳۷۰۰

• سرود عرش:::

حجت الاسلام و المسلمین محمد کاظم صدیقی را که می شناسید. هرچند این روزها بیشتر سیمایشان بر تریبون نماز جمعه دیده می شود اما قبل تر ایشان را با منابر صبح های جمعه و هیئت ها - به خصوص هرجایی که نامی از امام عصر(عج) باشد- می شناختیم.



کتاب «سرود عرش» ، تفسیری است که حجت الاسلام و المسلمین صدیقی از «زیارت عاشورا» داشته اند . توضیح عبارات همراه با احادیث مکمل و توضیحاتی بسیار شیوا و عمیق معرفتی قطعاً متفاوت به ما خواهد داد.



کتاب سرود عرش ، کتابی است در قطع پالتویی و حدود ۷۰ صفحه که توسط انتشارات «کتاب دانشجویی» یا همان «میراث اهل قلم» منتشر شده است.

www.Ketabnews.com و ۰۲۱۳۳۳۵۵۵۷۷

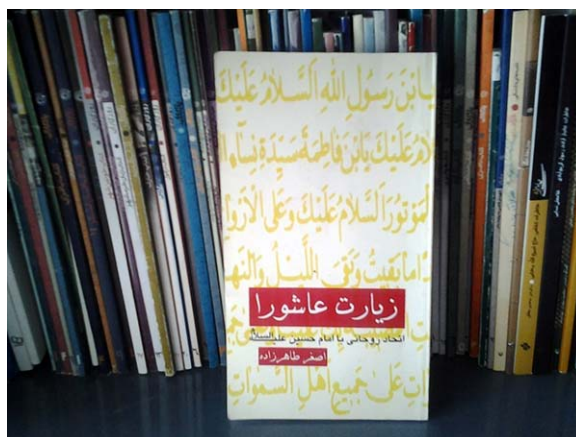
• زیارت عاشورا:::

صحبت از تفسیر زیارت عاشورا شد و باید یادی کرد از کتاب «زیارت عاشورا؛ اتحاد روحانی با امام حسین(ع)» نوشته استاد گرانقدر «اصغر طاهر زاده».



استاد طاهر زاده، فارغ التحصیل رشته مهندسی زمین شناسی است اما مشی او بر می‌گردد به حکمت متعالیه صدرایی، عرفان محی الدین و البته حضرت علامه طباطبایی. به نحوی که ایشان از روی المیزان مشق کرده اند و بیشتر دریافت هایشان برای نوشتن کتاب و سخنرانی ها، از این تفسیر عظیم است. البته مسئله قابل توجه دیگر در مورد استاد طاهر زاده، توجه جدی و تاثیر پذیری از حضرت امام (ره) است.

کتاب های استاد طاهر زاده با فطرت سر و کار دارد و دل و عقل را توأمان مخاطب قرار می دهد.



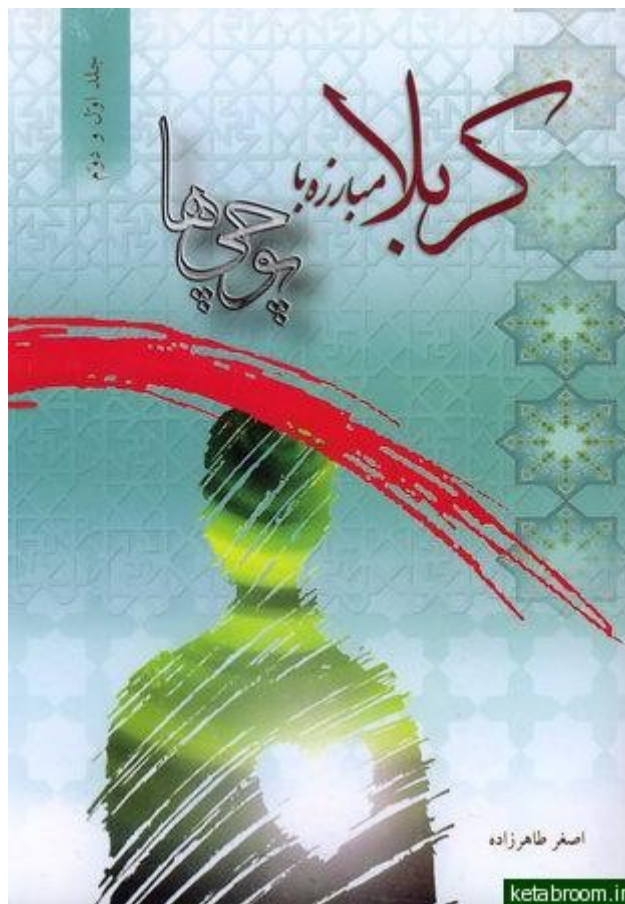
این کتاب در قطع پالتویی و در «۹۰ صفحه» توسط انتشارات «لب المیزان» که ناشر تخصصی این استاد اصفهانی است منتشر شده است.

www.lobolmizan.ir برای معرفی کامل آثار استاد تهیه و البته دانلود متن کتاب ها کافی است.

• کربلا، مبارزه با پوچی ها:::

استاد طاهر زاده کتاب مفصلی هم در باب عاشورا دارند با عنوان «کربلا، مبارزه با پوچی ها» .

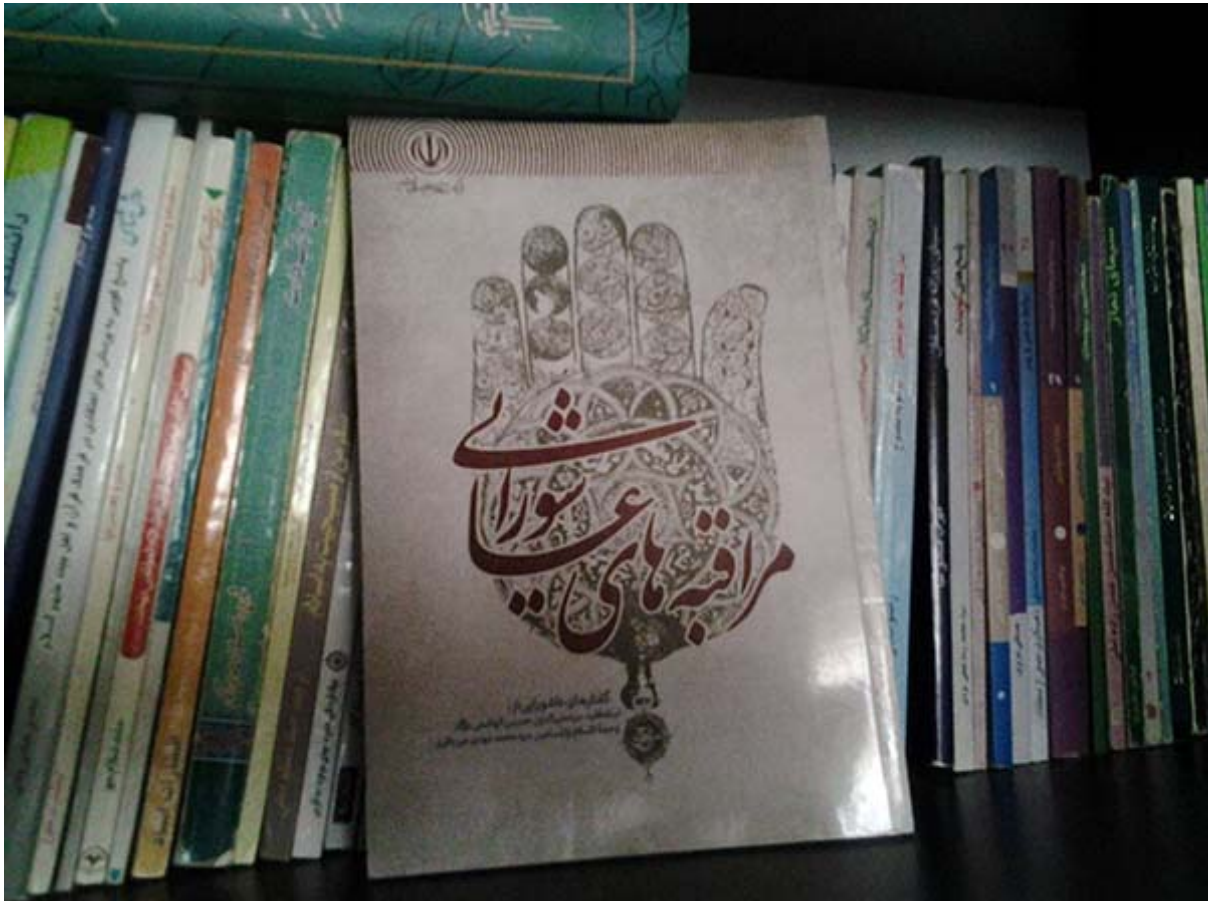
این عنوان هم در توضیح کتاب کفایت می کند ؛ البته در صورتی که مفهوم هویت و پوچی را دریابیم.



• مراقبه های عاشورایی:::

استاد فقید «سید منیرالدین حسینی الهاشمی» و شاگرد ایشان استاد دکتر حجت الاسلام و المسلمین «سید محمد مهدی میرباقری» - که ریاست فرهنگستان علوم اسلامی قم را بر عهده دارند -

کتاب «مراقبه های عاشورایی» مجموعه گفتارهای این دو استاد است که در زمان های مختلف و در مجامع مختلف ایراد شده و حال با سیری موضوعی جمع آوری و منتشر شده است.



آنچه که از عنوان کتاب هم بدست می آید ، این کتاب سعی در سلوکی فردی و اجتماعی بر مبنای واقعه عاشورا دارد . شناخت عاشورا و تطبیق آن با هر فرد و خودسازی فردی و اجتماعی محور اصلی کتاب است.

استاد سید منیر الدین حسینی الهاشمی در ایام حیات خود به نحوی پرچمدار این نوع زندگی اجتماعی با محور اهل بیت (ع) و هیئت بودند و این در شاگرد ایشان نیز به شدت دیده می شود. نگاه ایجابی همراه با عقلانیت و همچنین وجود زندگی جهادی بر پایه تفکر شیعی و ... همه از کلید واژه های تفکر ایشان است.



کتاب مراقبه های عاشورایی را فرهنگستان علوم اسلامی در «۲۰۰ صفحه» منتشر و با قیمت «۴۱۰۰ تومان» عرضه کرده است.

مرکز پخش این کتاب bookroom.ir می باشد.

• پرسش ها و پاسخ های دانشجویی:::

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها مدتی است اقدام به تدوین مجموعه کتاب های «پرسش ها و پاسخ های دانشجویی» نموده است.

گروه مؤلفان این کتاب ها ، در موضوعات متنوع- فکر کنم تا کنون بیش از ۵۰ موضوع کار شده باشد- سوالات زیادی را از جمع دانش جویان جمع آوری و سپس به دسته بندی آنها به همه ی زیرشاخه های موجود پاسخ می دهند.

البته پاسخ های ارائه شده خود از منابع معتبر دیگر است . به عبارتی اگر دارای سوالات زیادی در موضوع های کار شده هستی و حوصله خواندن کتابهای زیاد را نداری بهترین گزینه همین کتاب هاست.

حال در مورد محرم و مخلفاتش یعنی از فلسفه قیام تا چرایی رفتار های امام ، ضرورت و احکام عزاداری و ... بروید سراغ دفتر سیزدهم این مجموعه ، یعنی دفتر ویژه محرم....

برای تهیه این کتاب که منتشر شده از «نشر معارف» می باشد به www.ketabroom.ir مراجعه کنید.

• فتح خون:::

«سید مرتضی آوینی» را خیلی ها می شناسند. خیلی ها! از او خوششان! می آید و به او ارادت می ورزند. حتی تعدادی! جملاتش را دوست دارند و پیامک می کنند. در نشریاتشان از آن ها استفاده می کنند و روی تابلو های مساجد و پایگاه های بسیجشان نصب میکنند. اما...



اما کمتر کسانی هستند که واقعاً اندیشه های آوینی را بشناسند. کتابهایش را خوانده باشند چه رسد به اینکه آنها را فهمیده هم باشند!

اینها همان آفت هایی است که آوینی خودش زمانی گرفتارشان بود. تظاهر به دانایی... اما از آن عبور کرد. نه تنها حرفهای بقیه را خواند و فهمید که خودش حرفها زد برای اندیشیدن بقیه...

و «فتح خون» کتابی است از «سید شهیدان اهل قلم» در باب عاشورا. آن هم با همان نگاه عمیق اشراقی و قلم «شیدا» ی سید...

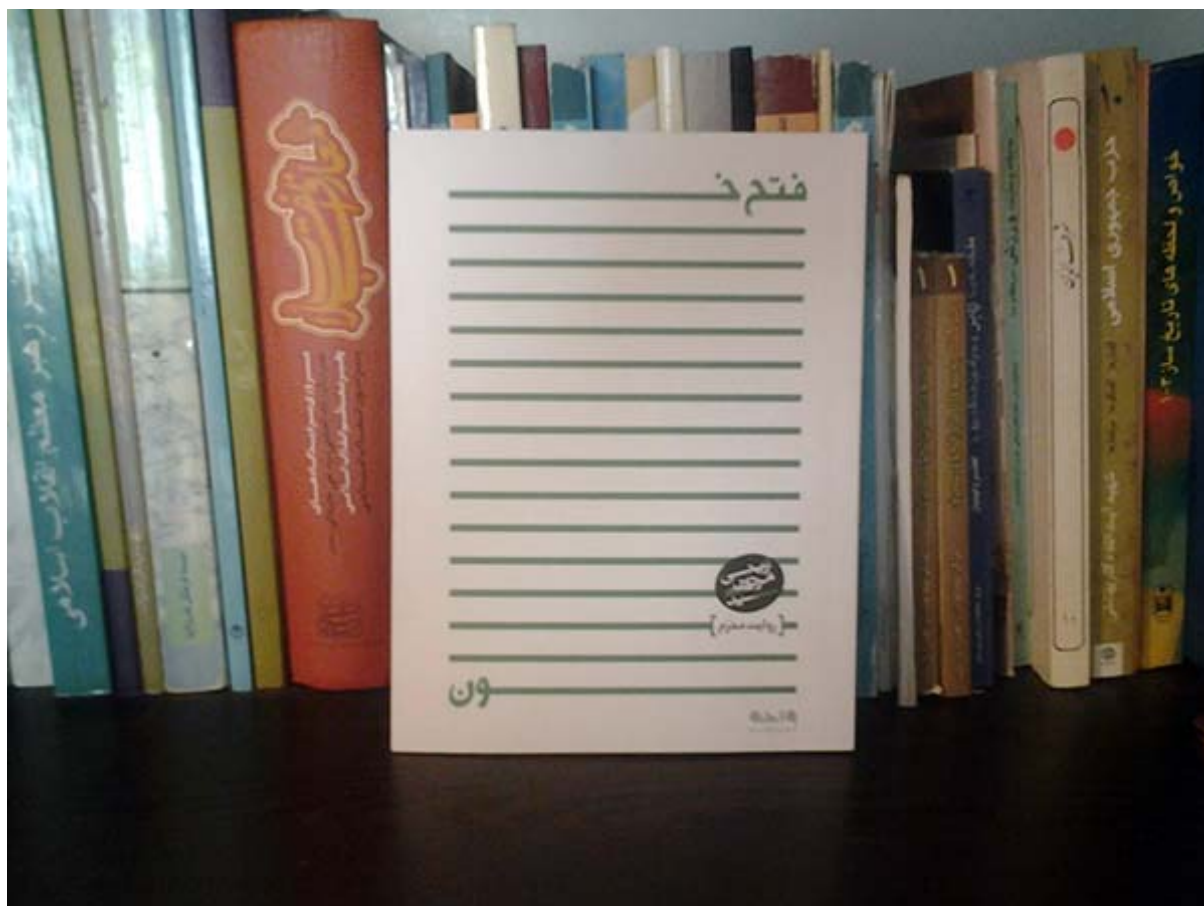
سید مرتضی روایت تاریخ می کند اما «راوی» ای دارد که هر از گاهی در چند خط دنیایی از اندیشه را برای «چرایی» تاریخ به رخ خواننده می کشد....

فتح خون به غیر از متن ادبی و تاریخ است. بلکه سرشار از «شوری سرخ» که هر کس به اندازه ظرفیتش می تواند از آن بچشد. یکی از ظاهر جملات و یکی در باطن آنها...

فتح خون را باید «بلعید»... «هضم کرد» و در سلول ها جاری ساخت...

...

در فتح خون، منزل به منزل روایت تاریخ و اتفاق را خواهی خواند. از آغاز هجرت تا واقعه ی عظم ساعت ۳. اما در این میان یک راوی شروع می کند به تبیین اتفاقات که در واقع شاه بیت های این کتاب است. راوی در کمال زیبایی به جوش احساسات آدمی برمی خیزد که جنسش تعقل است....



« راوی

و اینچنین بود که آن هجرت عظیم در راه حق آغاز شد قافله عشق روی به راه نهاد . آری آن قافله ، قافله عشق است و این راه ، راهی فراخور هر مهاجر در همه تاریخ . هجرت مقدمه جهاد است و مردان حق را هرگز سزاوار نیست که راهی جز این در پیش گیرند ؛ مردان حق را سزاوار نیست که سرو سامان اختیار کنند و دل به حیات دنیا خوش دارند آنگاه که حق در زمین مغفول است و جُهل و فُساق و قداره بندها بر آن حکومت می رانند . امام در جواب محمد حنیفه (رحمه الله) که از سر خیرخواهی راه یمن را به او می نمود ، فرمود : « اگر در سراسر این جهان ملجأ و مأوایی نیابم ، باز با یزید بیعت نخواهم کرد .» قافله عشق روز جمعه سوم شعبان ، بعد از پنج روز به مکه وارد شد.

گوش کن که قافله سالار چه می خواند : و لما توجه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل ... آیا تو می دانی که از چه امام آیاتی که در شأن هجرت نخستین موسی است فرا می خواند ؟ عقل محجوب من که راه به جایی ندارد ... ای رازداران خزاین غیب ، سکوت حجاب را بشکنید و مهر از لب فروبسته اسرار برگزید و با ما سخن بگویید . آه از این دلسنگی که ما را صمُّ بکم می خواهد ... آه از این دلسنگی !

سر آنکه جهاد فی سبیل الله با هجرت آغاز می شود در کجاست؟ طبیعت بشری در جست و جوی راحت و فراغت است و سامان و قرار می طلبد. یاران! سخن از اهل فسق و بندگان لذت نیست، سخن از آنان است که اسلام آورده اند اما در جستجوی حقیقت ایمان نیستند. کنج فراغتی و رزقی مکفی ... دلخوش به نمازی غراب وار و دعایی که بر زبان می گذرد اما ریشه اش در دل نیست، در باد است. در جست و جوی مأمنی که او را از مکر خدا پناه دهد؛ در جست و جوی غفلت کده ای که او را از ابتلائات ایمانی ایمن سازد، غافل که خانه غفلت پوشالی است و ابتلائات دهر، طوفانی است که صخره های بلند را نیز خرد می کند و در مسیر دره ها آن همه می غلتاند تا پیوسته به خاک شود. اگر کشاکش ابتلائات است که مرد می سازد، پس یاران، دل از سامان برکنیم و روی به راه نهمیم. بگذار عبدالله بن عمر ما را از عاقبت کار بترساند. اگر رسم مردانگی سرباختن است، ما نیز چون سید الشهداء او را پاسخ خواهیم گفت که: «ای پدر عبدالرحمن، آیا ندانسته ای که از نشانه های حقارت دنیا در نزد حق این است که سر مبارک یحیی بن زکریا رابرای زنی روسپی از قوم بنی اسرائیل پیشکش برند؟ آیا نمی دانی که بر بنی اسرائیل زمانی گذشت که مابین طلوع فجر و طلوع شمس هفتاد پیامبر را کشتند و آنگاه در بازارهایشان به خرید و فروش می نشستند، آن سان که گویی هیچ چیز رخ نداده است! و خدا نیز ایشان را تا روز مؤاخذه مهلت داد.» اما وای از آن مؤاخذه ای که خداوند خود اینچنین اش توصیف کرده است: اخذ عزیز مقتدر.

آه یاران! اگر در این دنیای وارونه، رسم مردانگی این است که سر بریده مردان را در تشت طلا نهند و به روسپیان هدیه کنند ... بگذار اینچنین باشد. این دنیا و این سر ما!

.....

و

«راوی

دنیا صراط آخرت است و در آن، هر کسی با رشته حب به امام خویش بسته است. یکی چون شمر بن ذی الجوشن، که امام کفر است، پیش می افتد و آنان را به دنبال خویش می کشاند؛ نه با رشته جبر، که از سر اختیار. چه سری است در آنکه آرای اهل کفر متشتت است، اما ملت واحدی دارند؟ آنها را یکایک هرگز این جرأت نیست، اما چون با هم شوند و جسور تهی مغزی چون شمر نیز میاندار شود، بیا و ببین که چه می کنند! شرک همواره با تفرقه ملازم است، اما جلوه های فریب دنیا، آنان را چون لاشخورهایی که بر یک جنازه اجتماع کنند، بر جیفه های بی مقدار شهوت و غضب گرد می آورد. اما بندگان شهوت اگر هم به امارت رسند، خود کم تر امیری می کنند تا اطرافیان. ضعف نفس و جهالت، بندگان شهوت را نیز به استخدام ارباب غضب می کشاند.»

«فتح خون» را قبلاً نشر ساقی منتشر می کرد و اکنون به همت همسر شهید ، ناشر اختصاصی آثارش یعنی «واحه» منتشرش می کند.

مرکز پخش: ۰۲۱۶۶۵۶۴۹۸۴

و باز می توانید متن کتاب را از

<http://www.aviny.com/occasion/Ahlebeit/ImamHosein/Moharram/82/FatHeKhoon.aspx>

بخوانید.

• خورشید از پشت خیزران:::

احمد عزیزی ، شاعر کرمانشاهی و انقلابی و آئینی و شاعری دوست داشتنی که بیشتر شعرهایش «مثنوی» است . آن هم بیشتر به سبک مولانا.

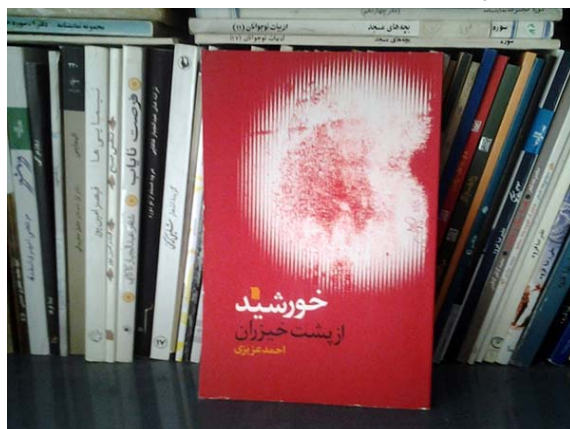
اما متأسفانه عزیزی از سال ۸۶ به علت نارسایی کلیوی به اغما رفت و تا امروز بر روی بستر است. هرچند حالش بهتر از گذشته است. مقام معظم رهبری در سفرشان به کرمانشاه عیادتی از او داشتند.



«خورشید پشت خیزران» نام کتابی است شامل اشعار عاشورایی اش یا بهتر بگوییم روضه های احمد که توسط انتشارات «سروش» منتشر شده است.

لاله داغ

از چمن تا انجمن جوش بهار زینب است
 گر شهادت گل کند عطر مزار زینب است
 ساریبان کربلا هرچند می باشد حسین
 اشتران صبر را تنگ مهار زینب است
 گردمی همره شوی با گردباد راه شام
 دامن صحرا پر از گرد و غبار زینب است
 گر بیند دل - شکستن صورتی در کربلا
 در پس هر شیشه ای آینه دار زینب است
 زیور انس و محبت زینب خلق و وفا:
 زن، طلا باشد اگر در وی عیار زینب است
 مقصدی جز ظهر عاشورا ندارد راه عشق
 وادی - اینجا همچو منزل رهسپار زینب است
 گر به مضمون اسارت از غریبی بنگری
 آشنایی هر کجا قرب جوار زینب است
 چون شقایق هر قدر آتش - بیان آمد حسین
 لاله باغ از بلاغت داغدار زینب است
 قصه داغ درون هر چند می باشد نمک
 احمد! سوز جگرها یادگار زینب است



جهت تهیه کتاب می توانید از طریق فروشگاه ترنجستان سروش اقدام نمائید: ۰۲۱۶۶۴۹۳۶۲۰

• قصه کربلا:»»»»

«مهدی قزلی»، نویسنده جوانی است که هم داستان می نویسد، هم روزنامه نگار یا به قول خودمان ژورنالیست است و هم سفرنامه نویس و مخلفاتش (مثل تم نگاری یا حاشیه نگاری ها).



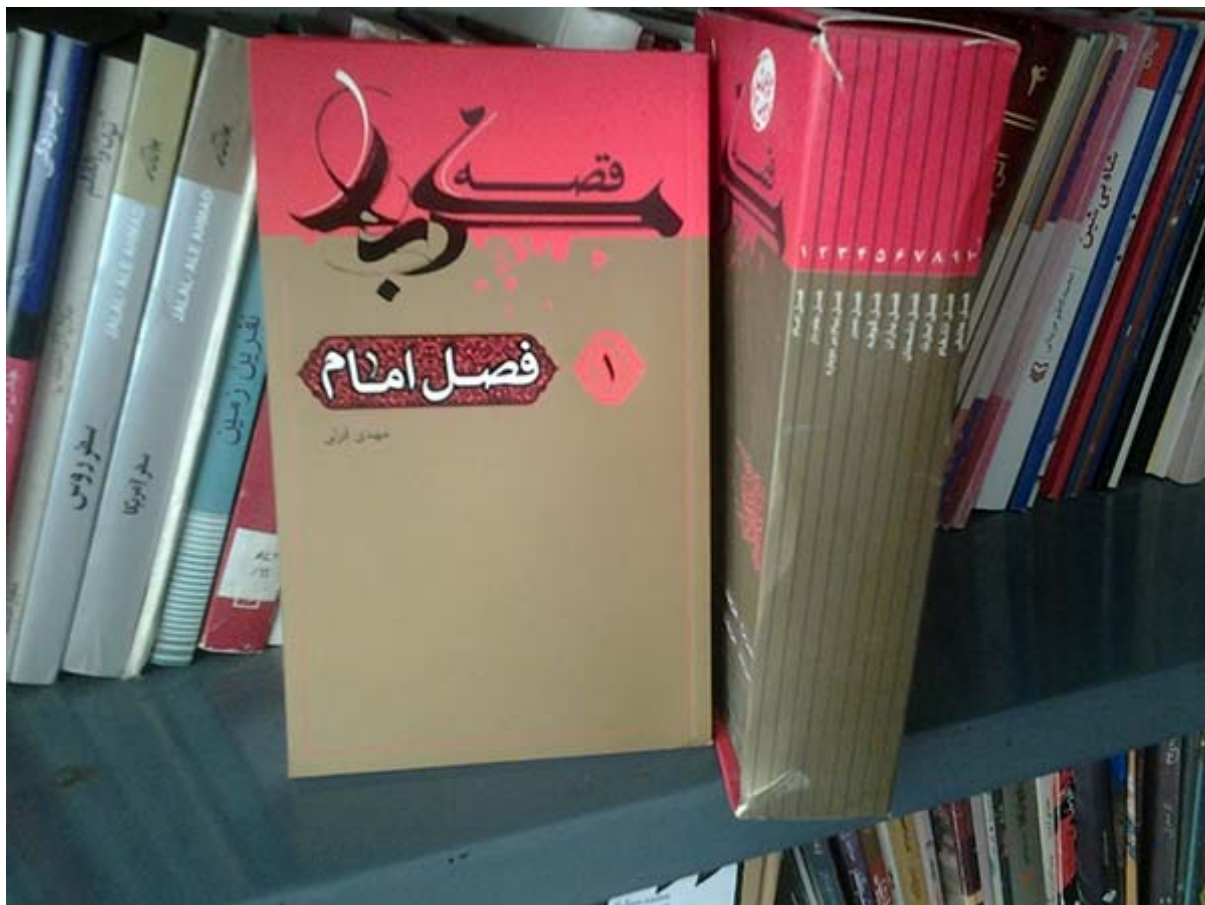
من با نام قزلی در همشهری داستان و بعد با یک همکاری کوچک در همشهری آیه آشنا شدم اما دیدم قبل تر اش نامش را جاهای دیگری خوانده بودم. مثل کتابچه ای آموزشی در باب داستان نویسی که اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان آن را تهیه کرده بود....

بعدتر خواننده پر و پا قرص وبلاگش <http://ghezelli.persianblog.ir> و صد البته تک نگاری هایش شدم و همچنان هم هستم... قزلی را دوست دارم هرچند بیشتر از راه مسنجر و چندباری با کمک تلفن با او در ارتباطم و صد البته منتظر تا یک روز به قولش وفا کند و دست خانواده را بگیرد و به غیر از سفر کاری بیاید شیراز و البته فارس برای گشت و گذار هرچند نویسنده همیشه نویسنده است و قطعاً آخرش می خواهد این سفر غیرکاری! را بنویسد) هرچند قطعاً تر! من هم نخواهم گذاشت بی سر و صدا بیاید و برود و برنامه هایی برایش خواهم چید)

به هر حال مهدی قزلی، -این نویسنده ی هیئتی- یک مجموعه ده جلدی تهیه کرده است در باب واقعه «کربلا». یعنی از قبل تا بعد از واقعه ی «عاشورا» و خودش نکته متمایز این اثر را ساده نویسی و گذشتن از مخلفاتی است که برای یک نویسنده عمومی زائد به حساب می آید و انصافاً از این حیث کاری منحصر به فرد است.

قزلی قلمی روان دارد و این برای ما عوام! به شدت قابل استفاده و برای ما خواص! به شدت لذت بخش است.

و به قول خودش: «فکر می‌کنم اگر کسی بخواهد ماجراهای کوفه، مختار، کربلا، امام حسین (ع) و حضرت عباس (ع) را در ۴۵ دقیقه بخواند، بهترین کتاب، کتاب من است. هم راحت خوانده می‌شود، هم کوتاه است و هم از یک نظر کامل است؛ یعنی از سر تا ته ماجرا را رفته است. البته پژوهشگرانه نیست، اما برای کسی که می‌خواهد اصل جریان را بفهمد، سراسر است و گویاست.»



...

البته قابل توجه است که مدتی بعد از نشر این کتاب ده جلدی مختصر که در یک پک زیبا منتشر شده، مجموعه صوتی آن هم تولید و عرضه شد که البته بعید می‌دانم مخاطب زیادی را جلب کرده باشد....

ناشر این کتاب «عماد فردا» است... <http://emad.ir>

۰۲۱-۸۸۳۱۰۹۳۶

• مرثیه ای که نا سروده ماند:::

«پرویز خرسند» <http://www.parvizkhorsand.blogfa.com/> ، نویسنده مشهدی که قبل از انقلاب دوبار تحت تعقیب قرار گرفت و در هر دو بار دو کتاب ادبی ارزشمند در باب عاشورا نوشت. ارتباطش با استاد محمد تقی شریعتی و محمد رضا حکیمی باعث شد برای این دو کتاب مقدمه بنویسند و همین او را مورد توجه قرار داد. بعدتر با ارتباط با حسینیه ارشاد ویراستار منشورات آنجا شد. هرچند خرسند بعد از تعطیلی حسینیه ارشاد به بنیاد شاهنامه رفت و کمی از فضای دینی دور شد اما بعدتر با وقوع انقلاب اسلامی دوباره به همین عرصه بازگشت.

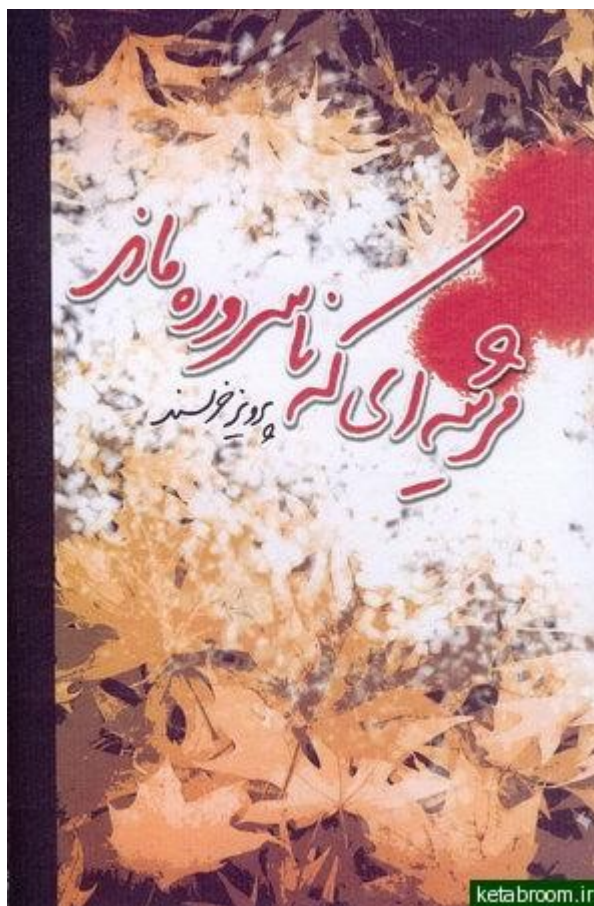


دکتر علی شریعتی درباره او می گوید:

«برادرم پرویز خرسند قوی ترین نویسنده‌ای است که نثر امروز را در خدمت ایمان دیروز ما قرار داده است.»

«مرثیه‌ای که ناسروده ماند» اولین کتابی است که در دوران تعقیب نوشته است که آن هم مجموعه ۱۳ مقاله ادبی پیرامون حادثه کربلاست .

خرسند در مقدمه خود چنین آورده است: اگر به خواندن این دفتر نشستهاید، فکر کنید که از کسی که بیشترین درد را دارد تنها، آهی می شنوید و یا قطره اشکی می بینید، درست است که در ابتدا با شنیدن «آه» و دیدن «اشک» حکم به غمگینی صاحب اشک و آه می کنید، اما قبول کنید که این همدردی نیست. باید چنان به آه گوش بسپارید که خود آهی برآرید و چنان در اشک خیره شوید که اشک در جانتان بجوشد. آنجاست که دردی را چشیده‌اید و دردمندی را پناه داده‌اید. این را نوشته‌ام، زیسته‌ام، و شما نخوانید، زندگی کنید. چنین باد.

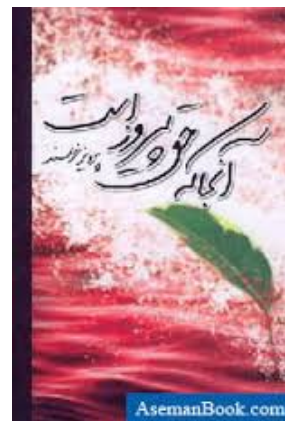


این کتاب بعد ها مجدداً توسط نشر «کتاب نیستان» احیا شد.

<http://www.neyestanbook.com>

• آنجا که حق پیروز است:::

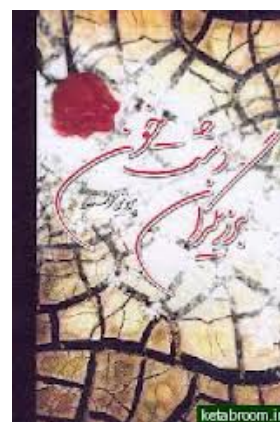
آنجا که حق پیروز است» مجموعه روایت هایی است داستان وار از حسین(ع) و حسینیان. این کتاب که با نوشته ای با عنوان «انگیزش» از محمدرضا حکیمی آغاز می شود شامل بخش های زیر است: «خونی بر پایه های کاخ؛ قفس شکسته؛ به سوی نور؛ راهی به سوی ابدیتغ خون خورشید؛ پاک باخته؛ عشقی برترغ بر دریای خون؛ در پیشگاه خدا؛ جاویدان.



این کتاب نیز نشر «کتاب نیستان» است.

• برزیگران دشت خون:::

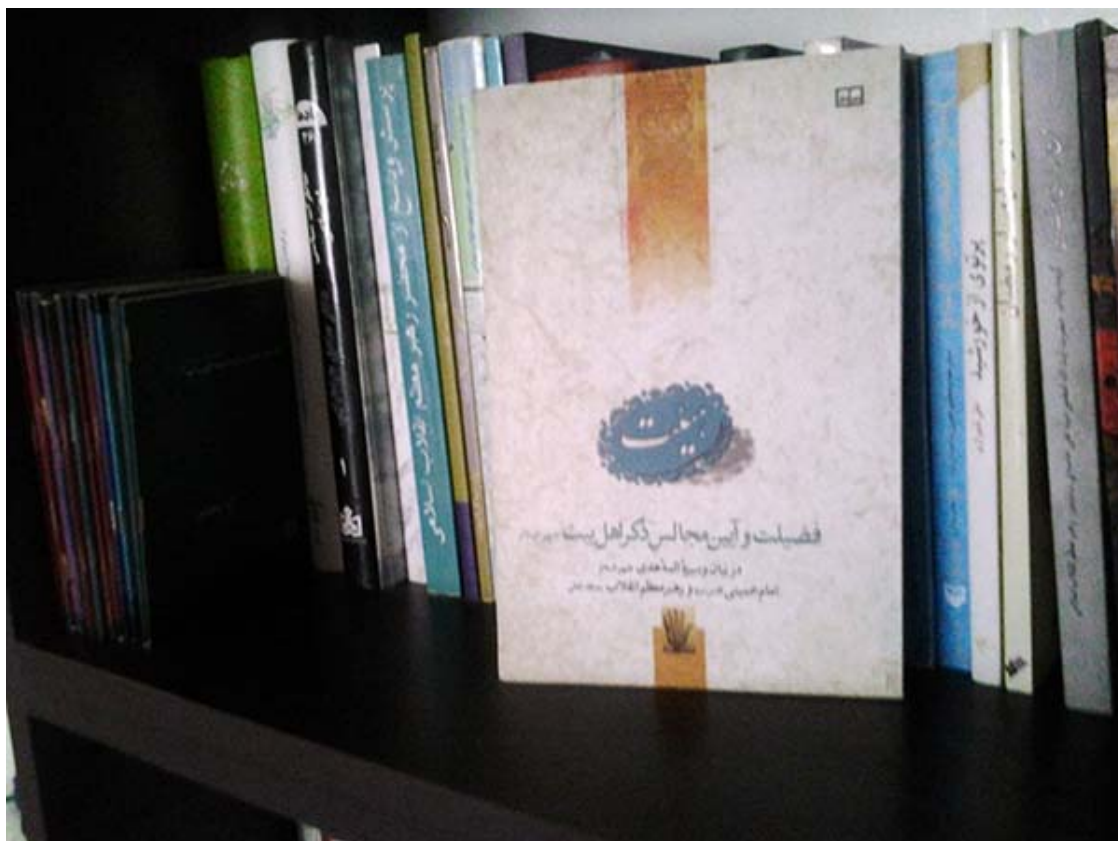
در دهه پنجاه، یعنی چند سال، پیش و پس از انقلاب، سه کتاب از پرویز خرسند منتشر شد که در عرصه ادبیات مذهبی حادثه ای شگفت به شمار می آمد. نگاه متفاوت و نثر محکم و فاخر، عمده ترین وجوه امتیاز این قلم بر آثار پیشین بود و مهمترین دلیل استقرار در کانون توجه اهل ادب. این سه کتاب عبارت بودند از: مرثیه ای که ناسروده ماند، آنجا که حق پیروز است و برزیگران دشت خون.



« برزیگران دشت خون » مجموعه روایت هایی است داستان وار از حسین(ع) و حسینیان، با مقدمه محمدتقی شریعتی مزینانی که توسط انتشارات «کتاب نیستان» منتشر شده است.

• هیئت:::

کتاب «هیئت»، کتابی است با موضوع «فضیلت و آیین مجالس ذکر اهل بیت(ع) در بیان سیره انمه هدی(ع)، امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب(مدظله العالی)».



این کتاب که میتواند به عنوان سند راهبردی هیئت های مذهبی قلمداد شود ضمن ارائه احکام فقهی در موضوعات مختلفی مانند عزاداری، اطعام، موسیقی و سبک، منبر و ... جایگاه، ضرورت و چهارچوب هر کدام را مشخص و تبیین می نماید.

نگاه جامع فردی، اجتماعی و سیاسی به چیزی که امام زنده بودن اسلام را مدیون آن می داند مستلزم داشتن نگاهی جامع از بالا به جزء جزء متعلقات آن دارد.

و باز تکرار که به نظر من «نشر معارف» که وابسته است به نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها اقدام به نشر یک «سند راهبردی» برای تمام هیئت ها نموده است و بودن آن در کنار تمام مسئولین، مداحان، منبری ها، میانداران، کادر هیئات اعم از پشتیبانی، فرهنگی و حتی صوت یک «ضرورت» است.

کتاب هیئت را نشر «معارف» منتشر کرده است.

شماره تماس: ۰۲۵۳۷۷۴۴۶۱۶ و <http://ketabroom.ir>

• همه جا همین جاست:::

اوایل فعالیت نشر «عماد فردا»، کارهای جالب و فاخری منتشر می کرد. مثل همین کتاب «همه جا همین جاست». البته آن موقع سه جلد بود با یک پک زیبا. سه کتاب کوچک که در هر صفحه اش نویسنده کتاب با دست خط خودش جمله ای را در باب کربلا، حسین(ع)، عاشورا و ... نوشته بود. هم خط زیبا بود و هم جمله... البته بعد تر سه جلد را در یک جلد خلاصه کردند و آن دست نوشته جایش را داد به «شکسته نستعلیق کامپیوتری». یک وصله ی کاملاً نجسب....



مهم نیست که «علی اکبر بقایی» <http://gowah.blogfa.com>/کسبیت. فوق اش جوانی است شاعر، اهل دل، هیئتی و ... که از قضا اصفهانی هم هست. مهم این است که کربلا را خوب فهمیده. خوب مزه مزه کرده.

مهم این است که همین یک جمله اش می تواند باری همه ما بس باشد. همین یک جمله اش که جمله ی او نیست!

«کل ارض کربلا»

یعنی همه جا کربلاست

یعنی همه جا همین جاست»

و این کتاب مملو است از همین تک جمله ای ها:

«کربلا چنان خراب می کند که دیگر نمی توان ساخت

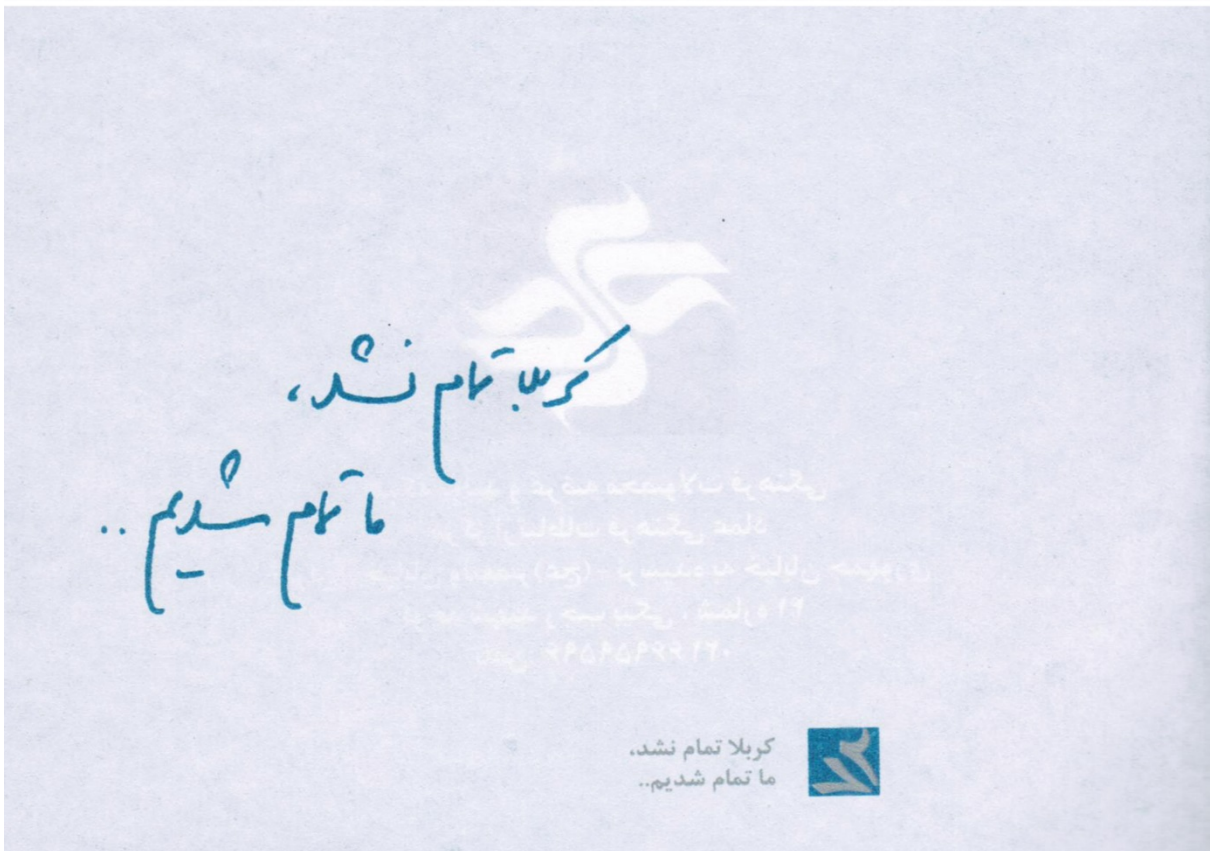
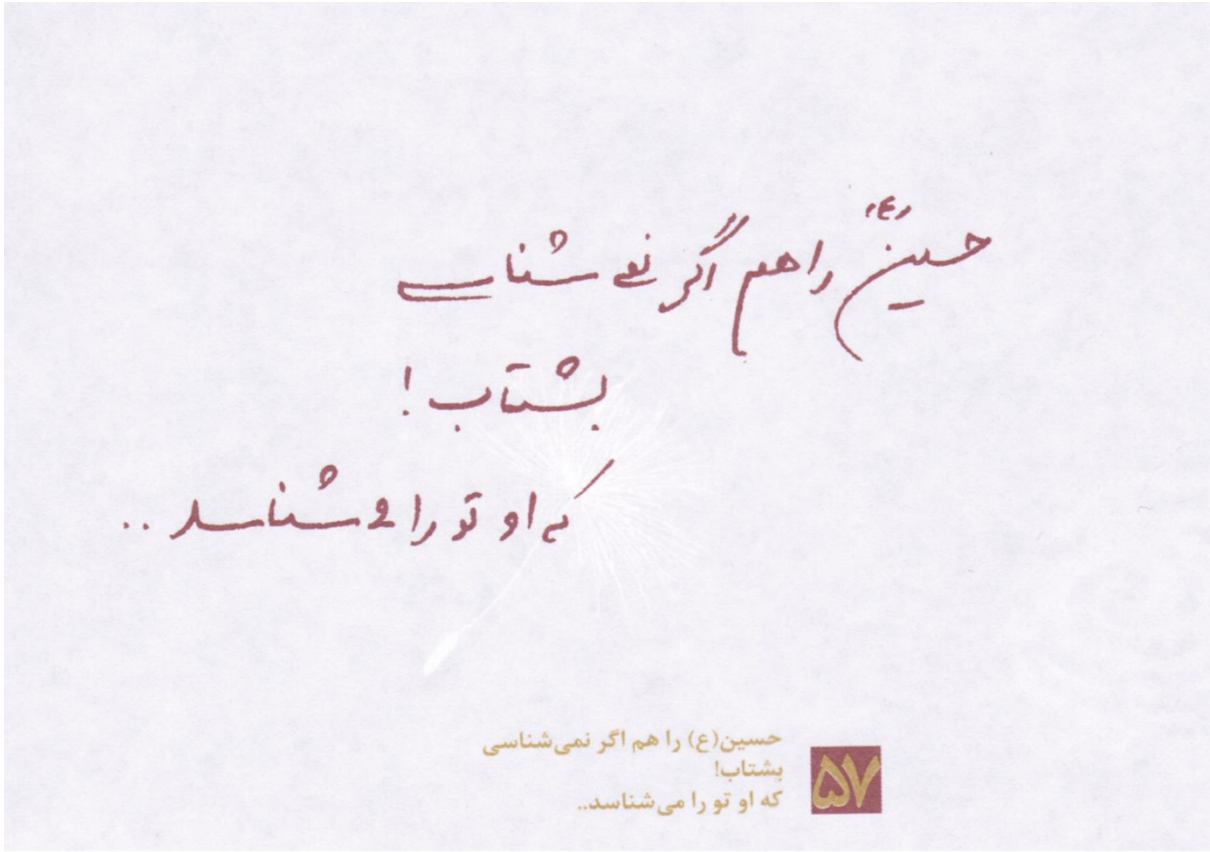
و چنان می سازد که دیگر نمی توان خراب کرد»

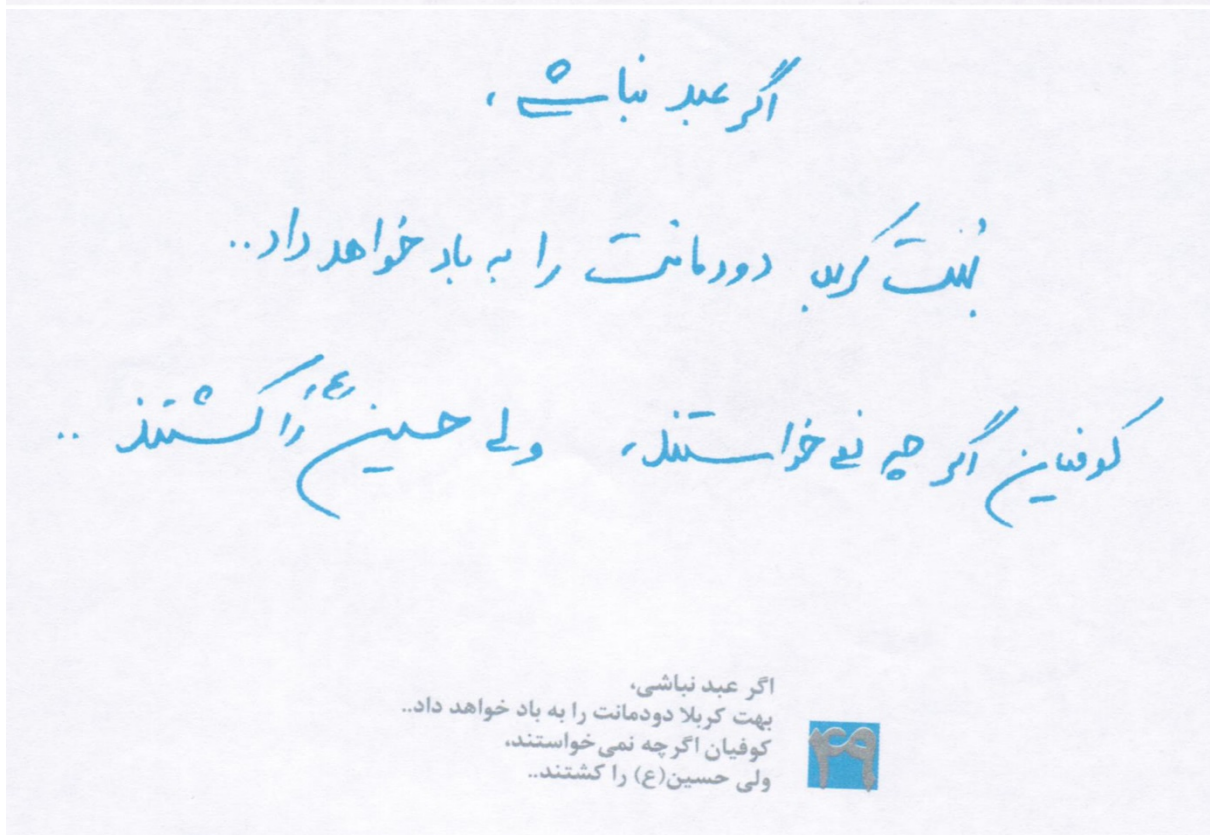
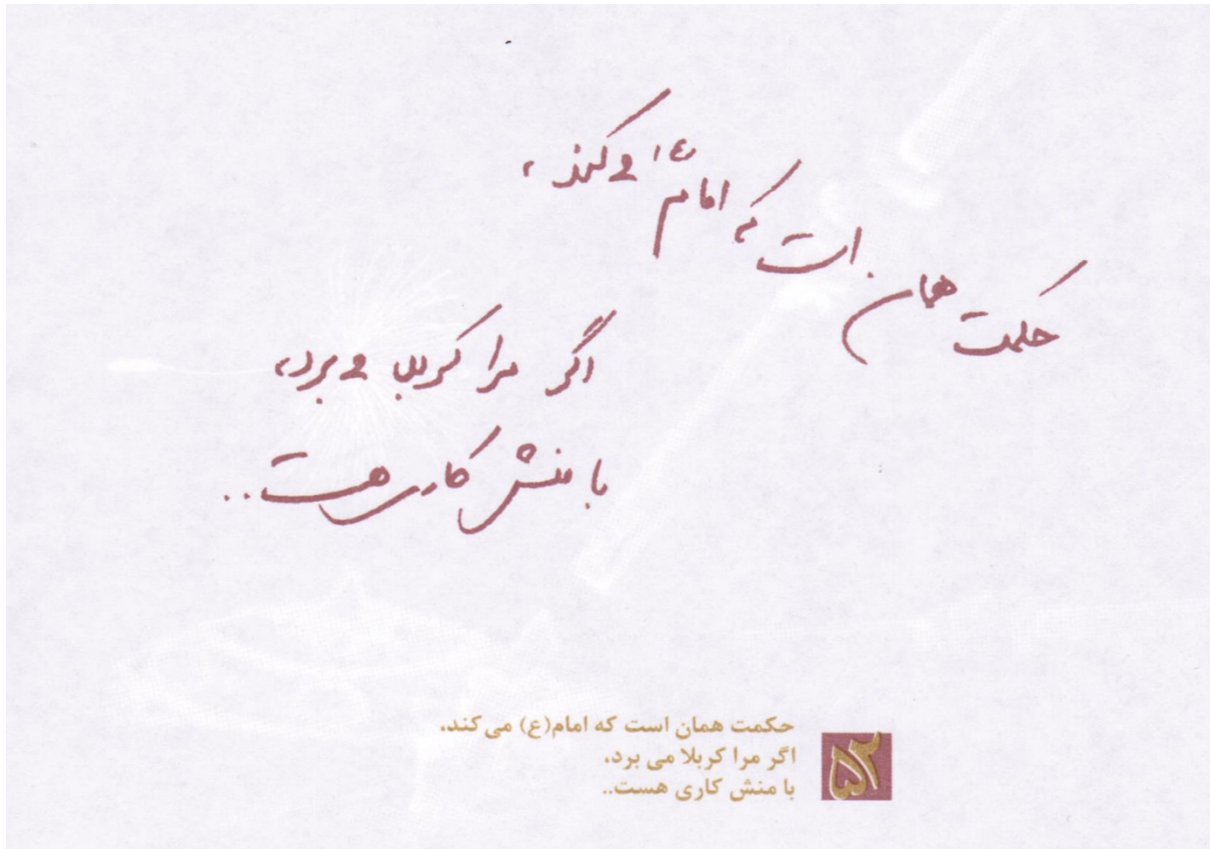
و چند کلیپ صوتی از استاد گرامی حضرت حجت الاسلام و المسلمین محمد صادق کریمی:

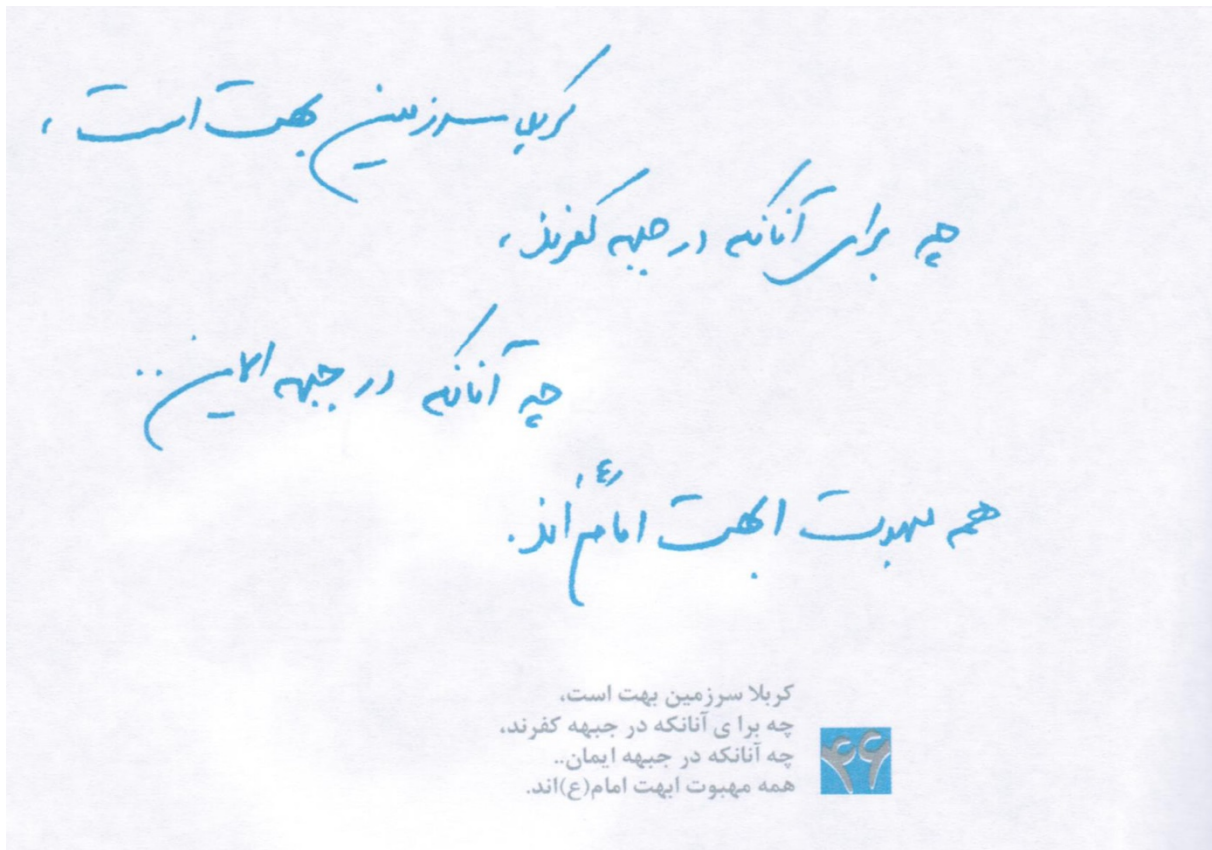
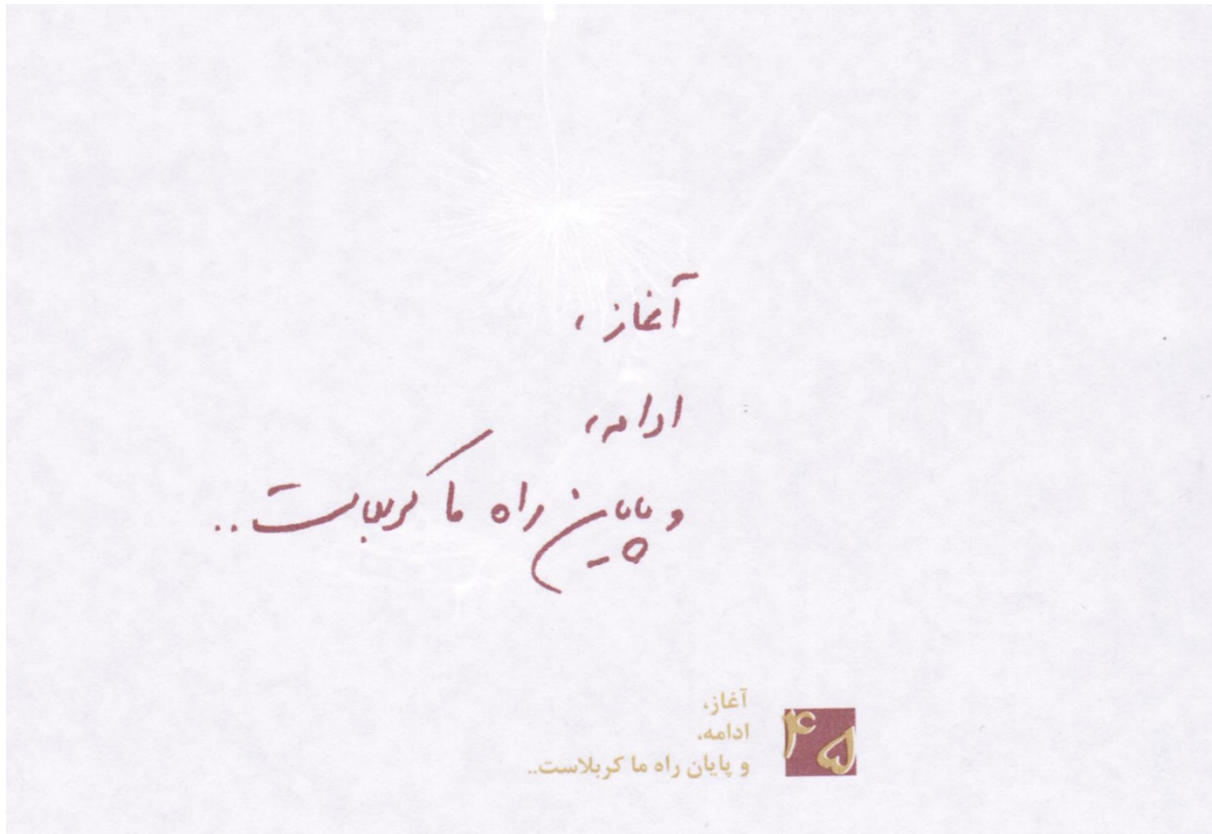
<http://mskarimi.ir/tag/ali-akbar-baghaei>

[/http://emad.ir](http://emad.ir)

۰۲۱-۸۸۳۱۰۹۳۶







یزید همه جا را شام و خوات،
غافل که همه جا کربلاست..

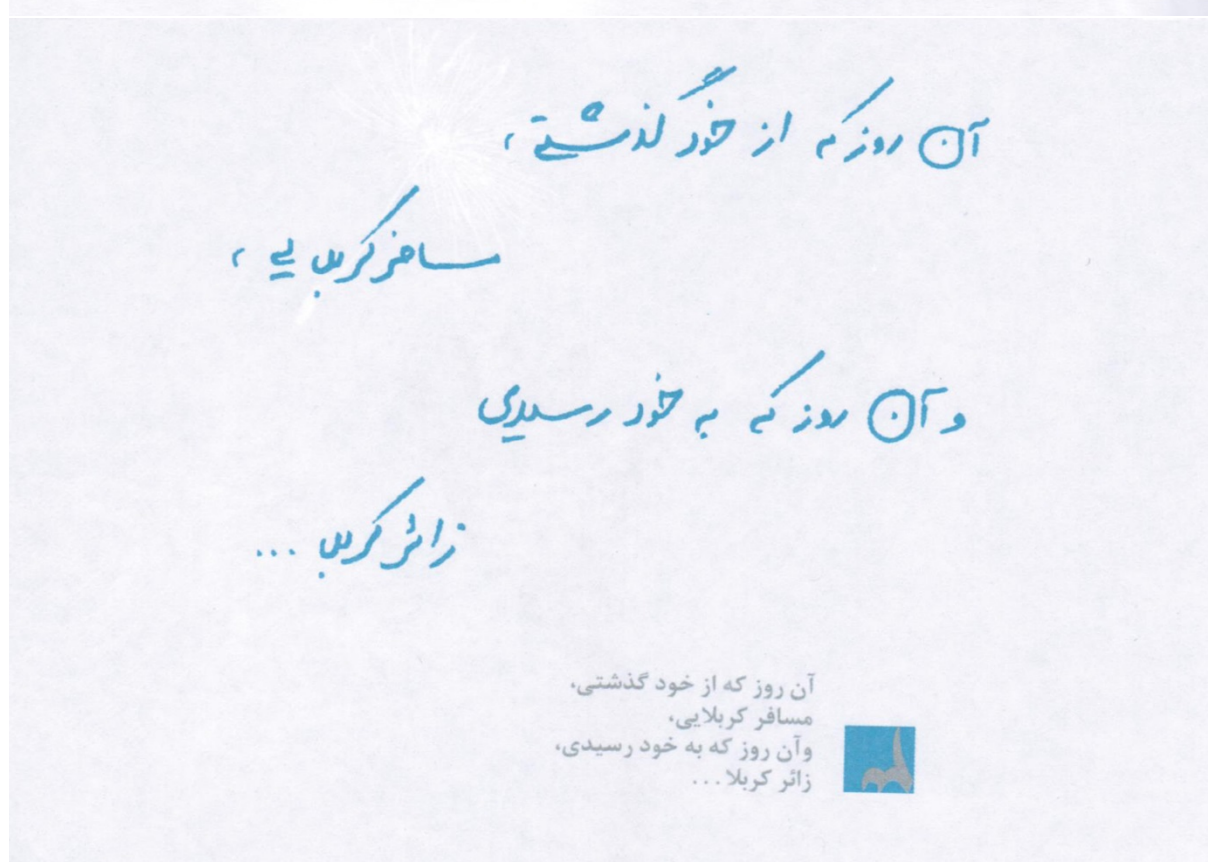
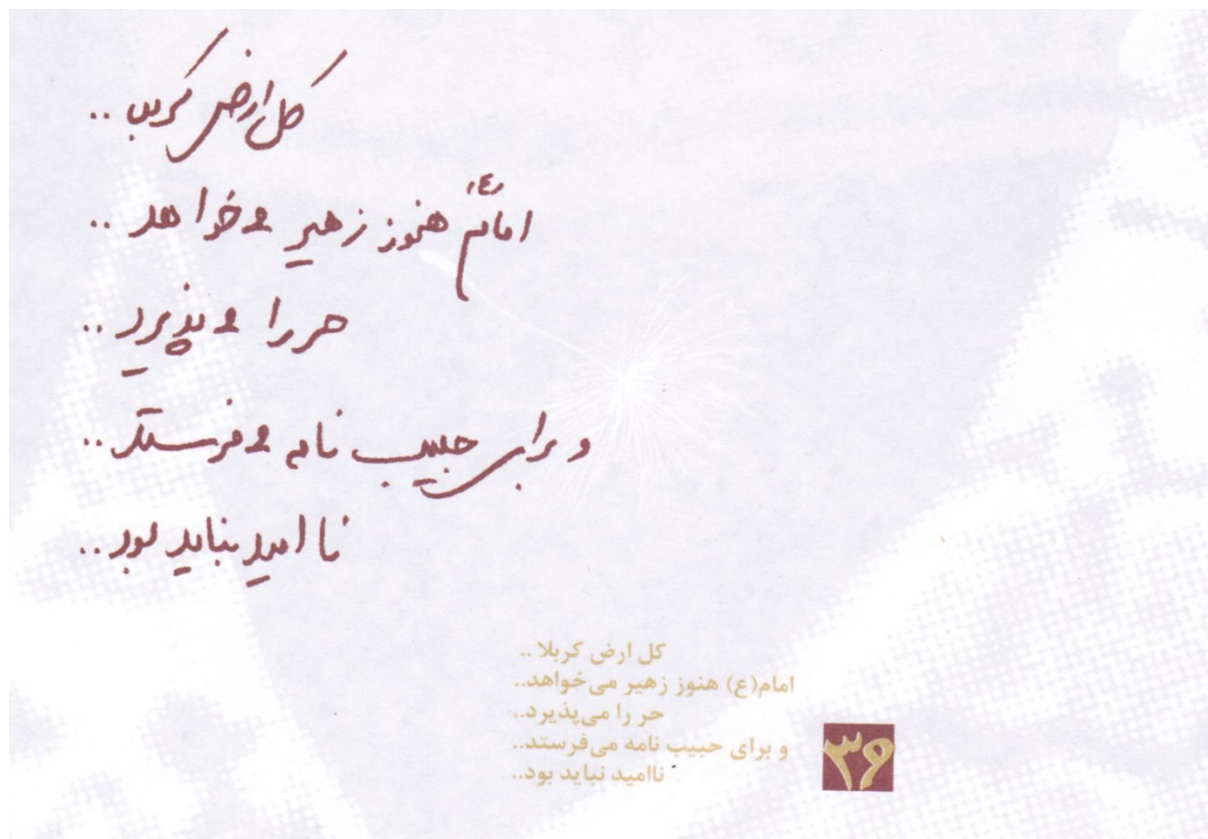
یزید همه جا را شام می خواست،
غافل که همه جا کربلاست..

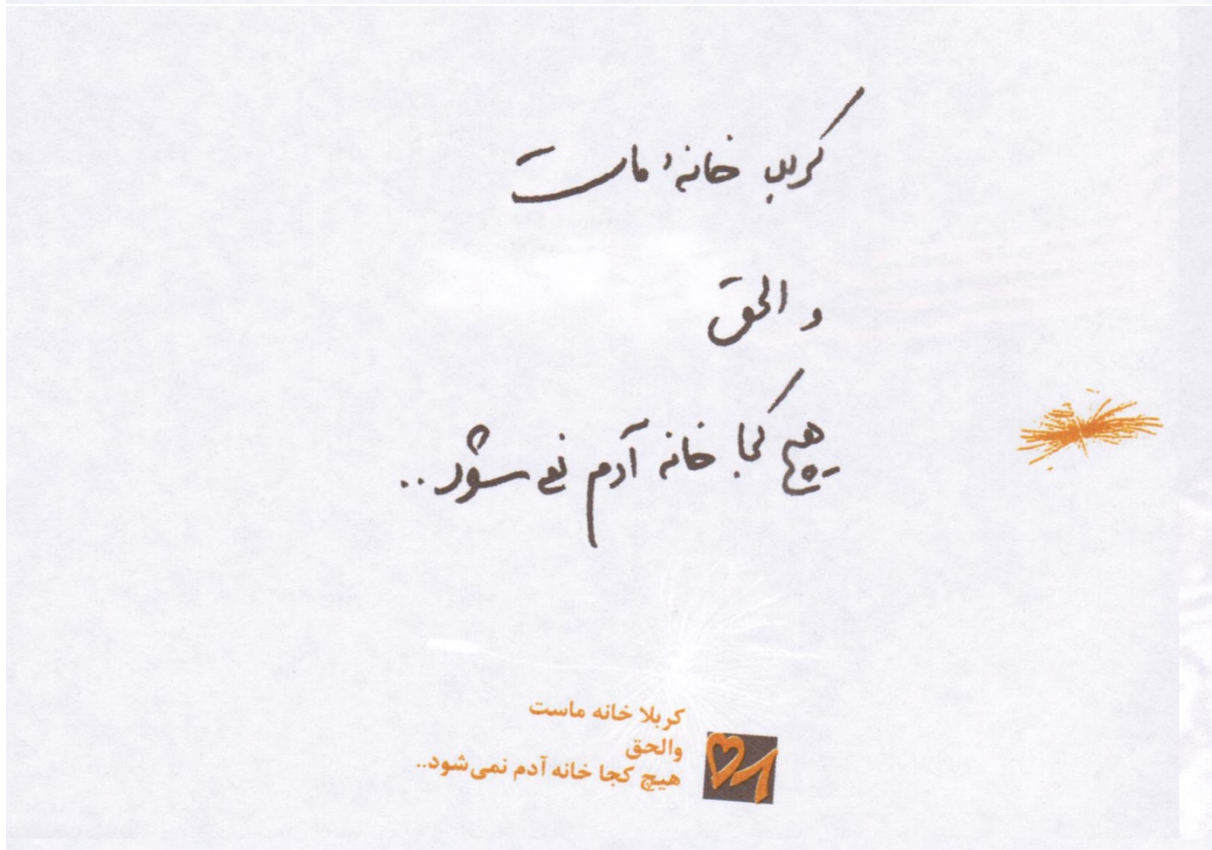
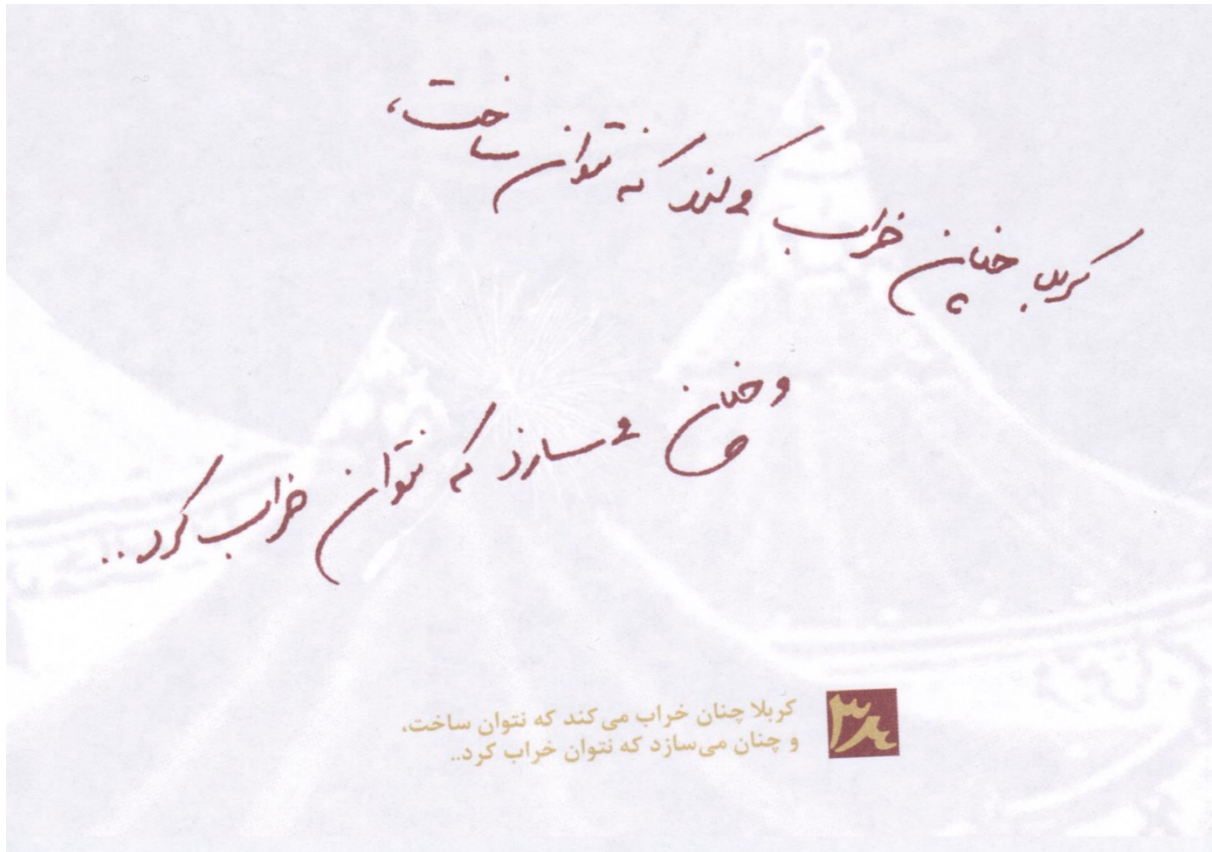


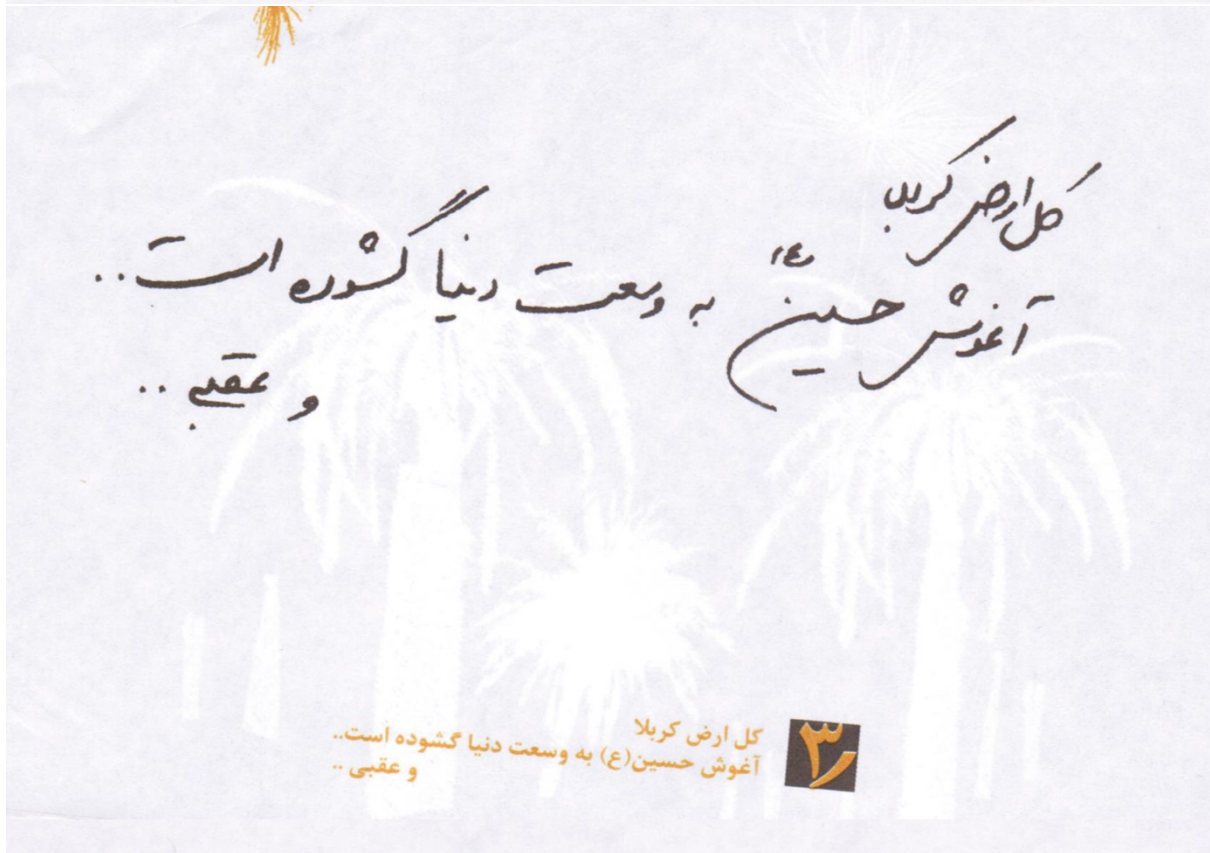
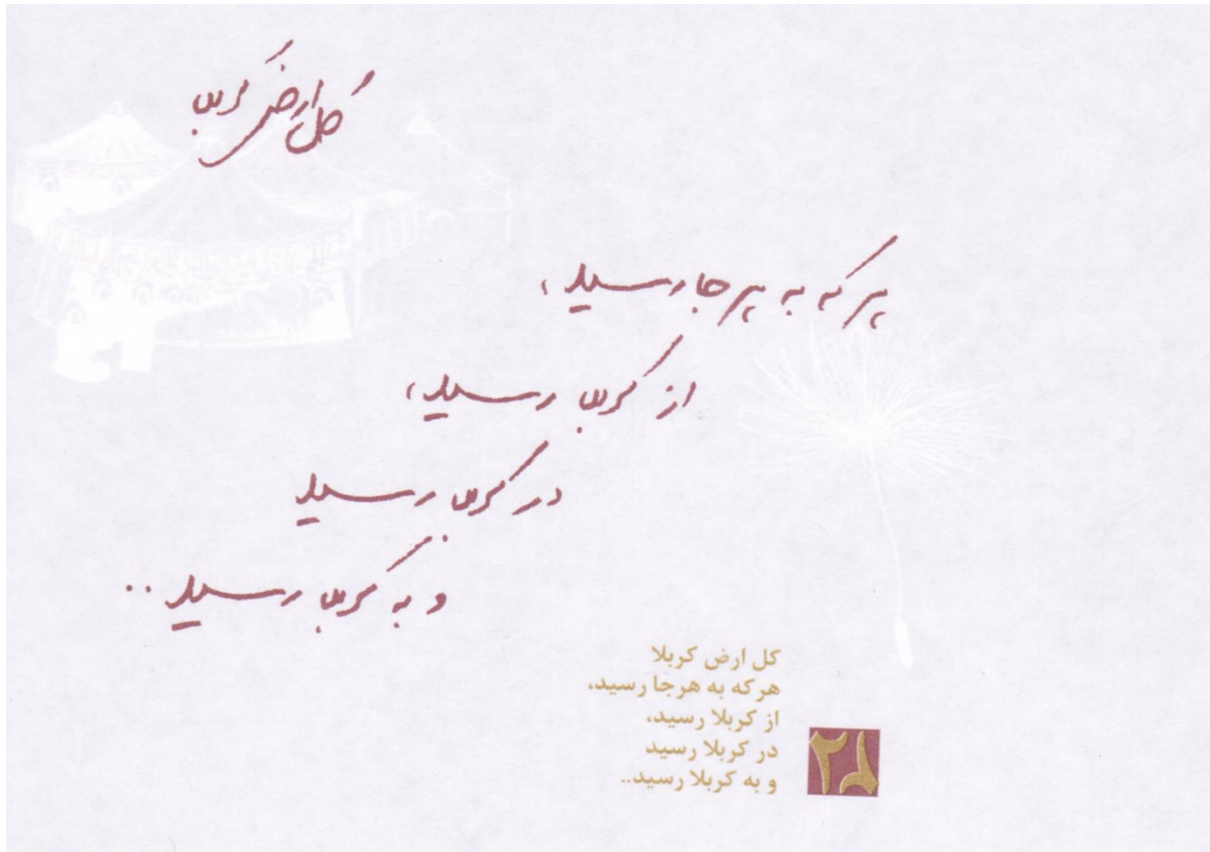
هر آنچه دارند، هلاک جا هیچ کنش!
کربلا، بعد ندارد..

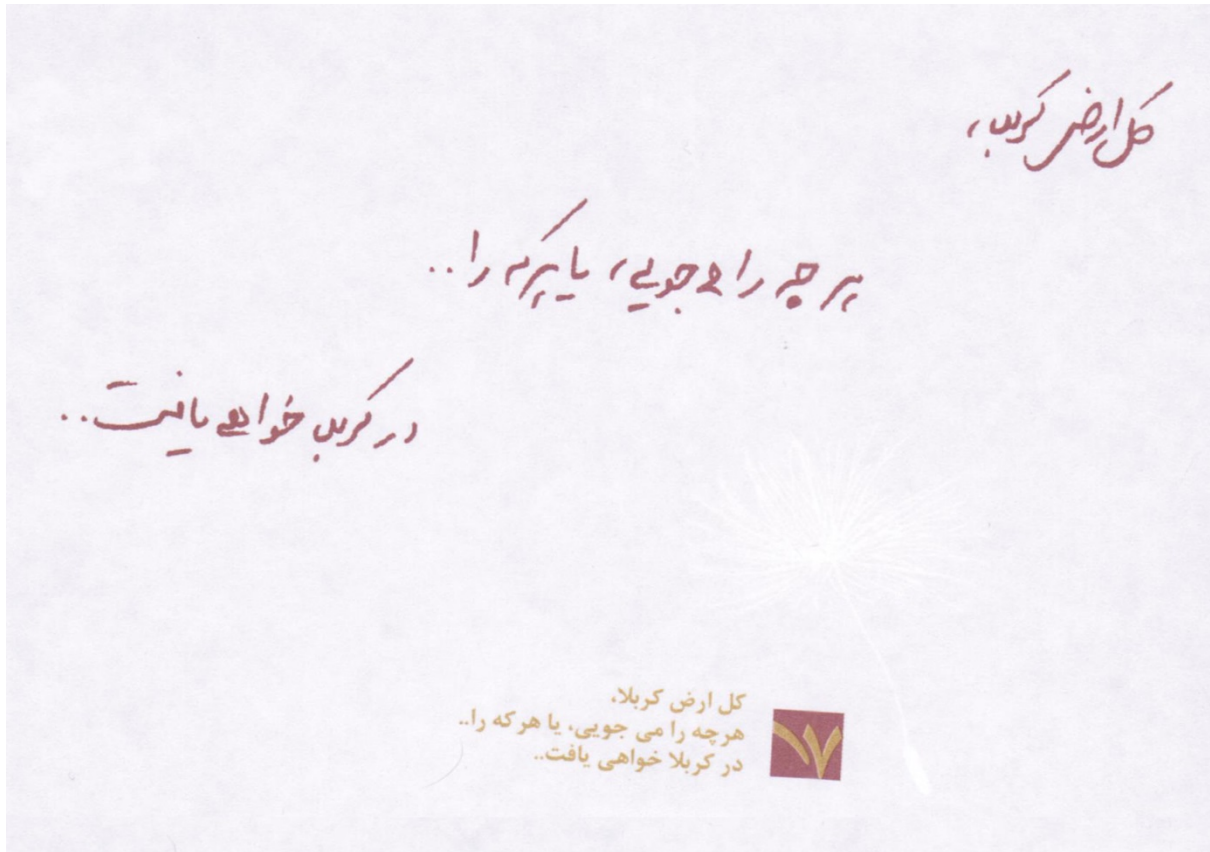
هر آنچه دادند، همان جا خرج کن!
کربلا، بعد ندارد..

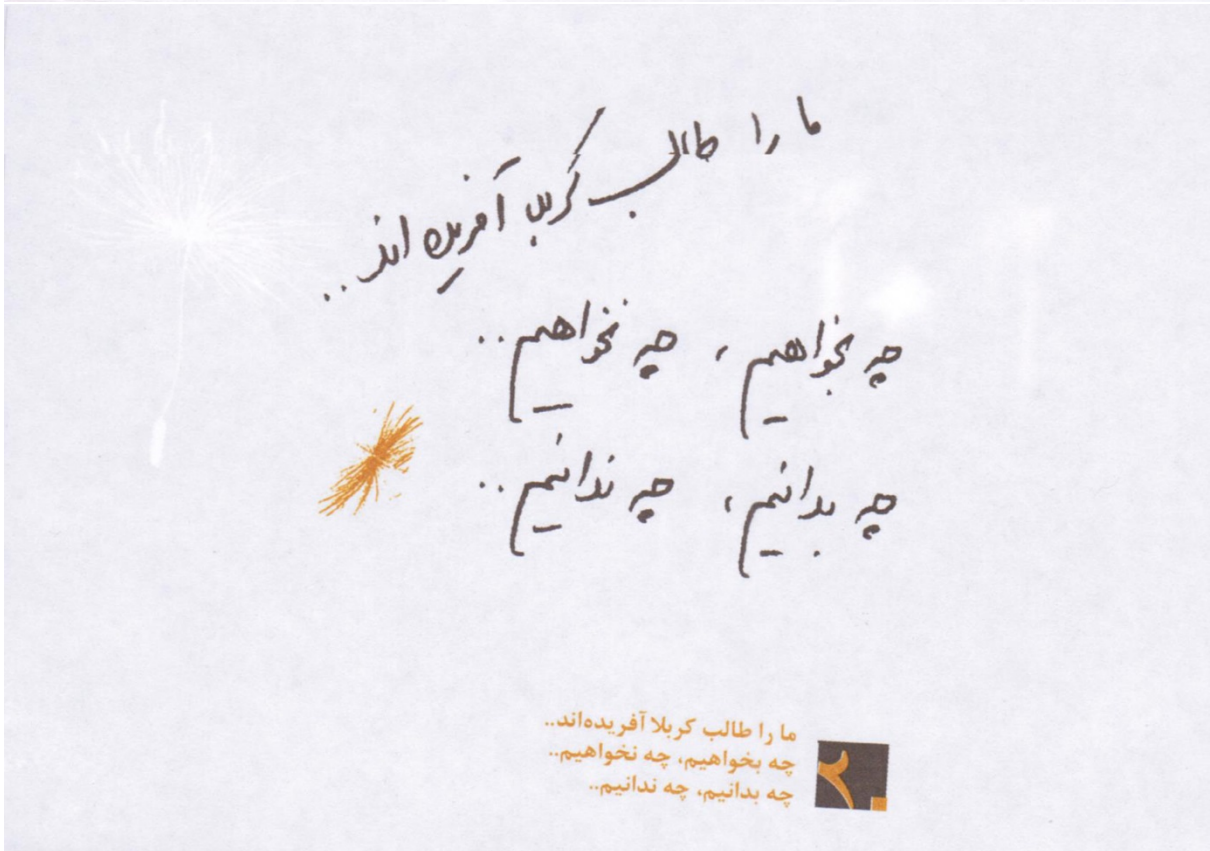
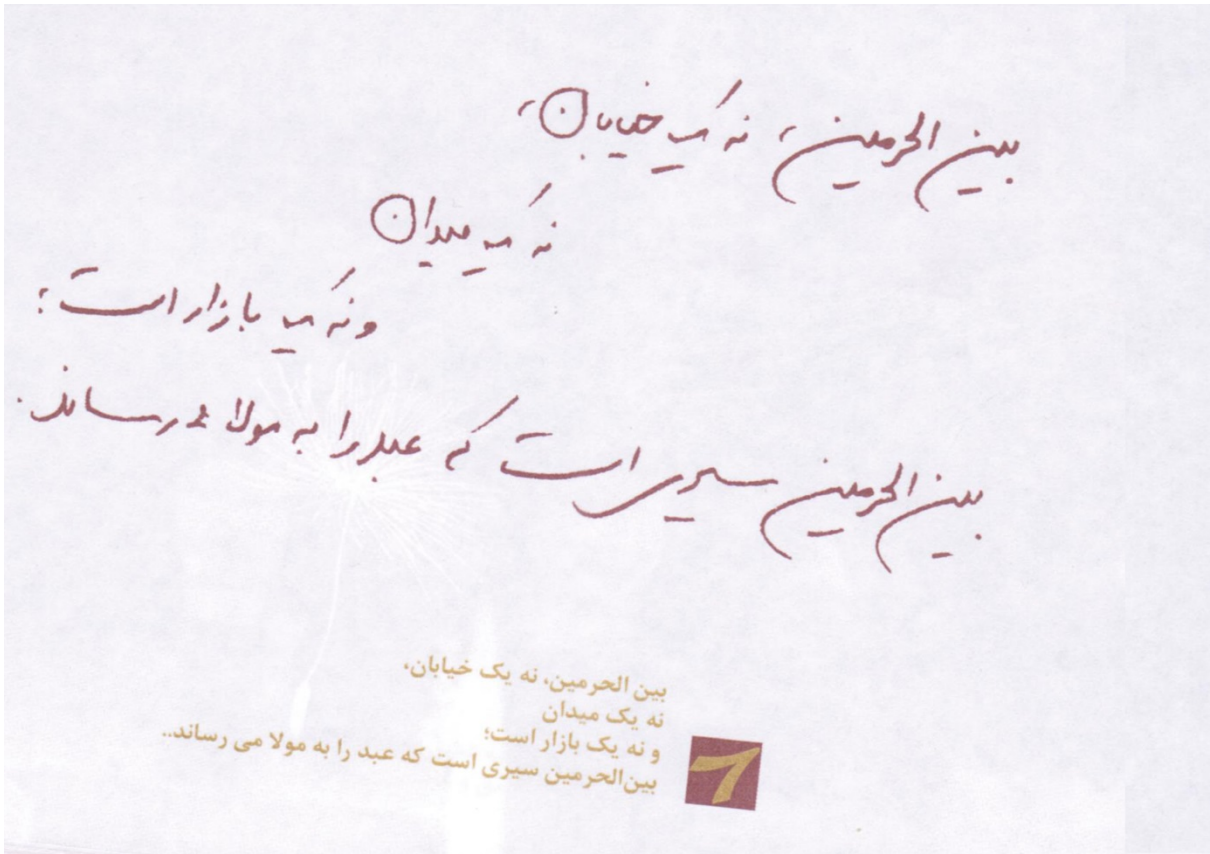


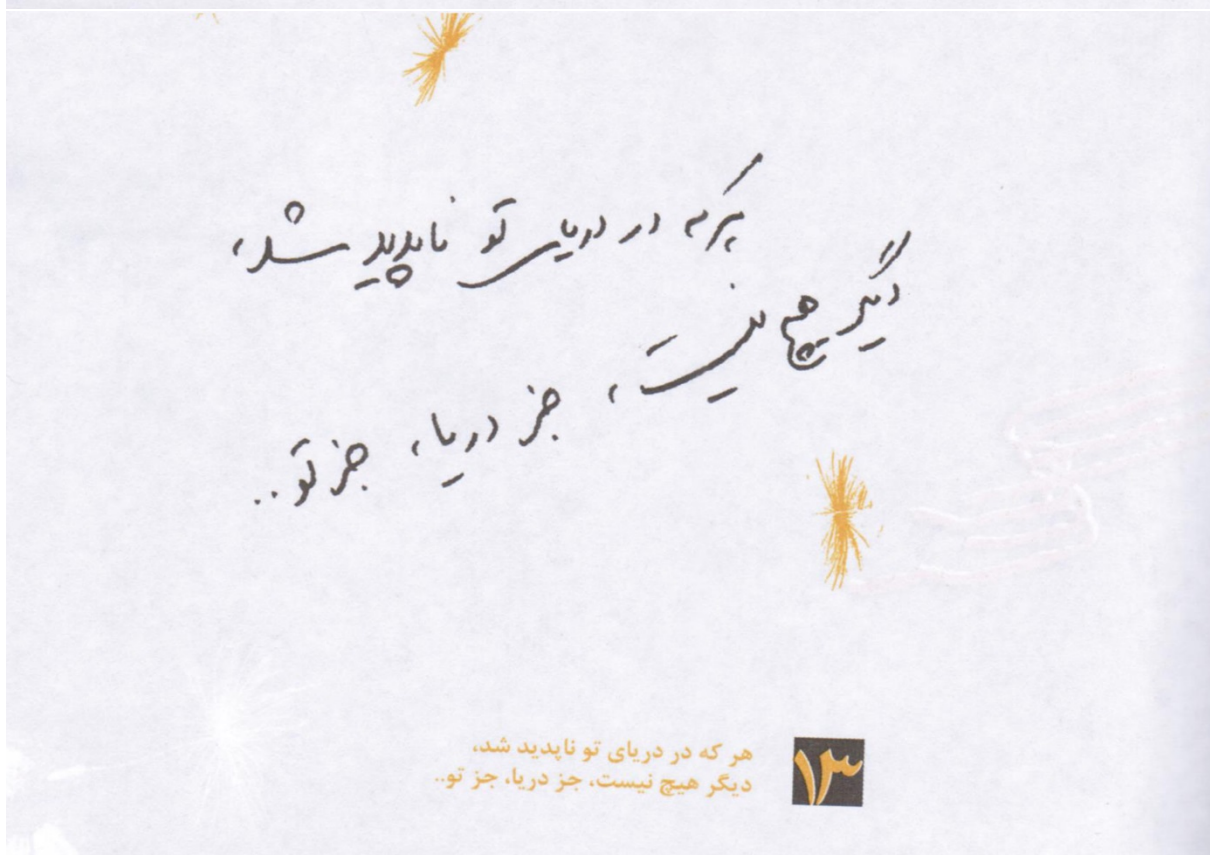
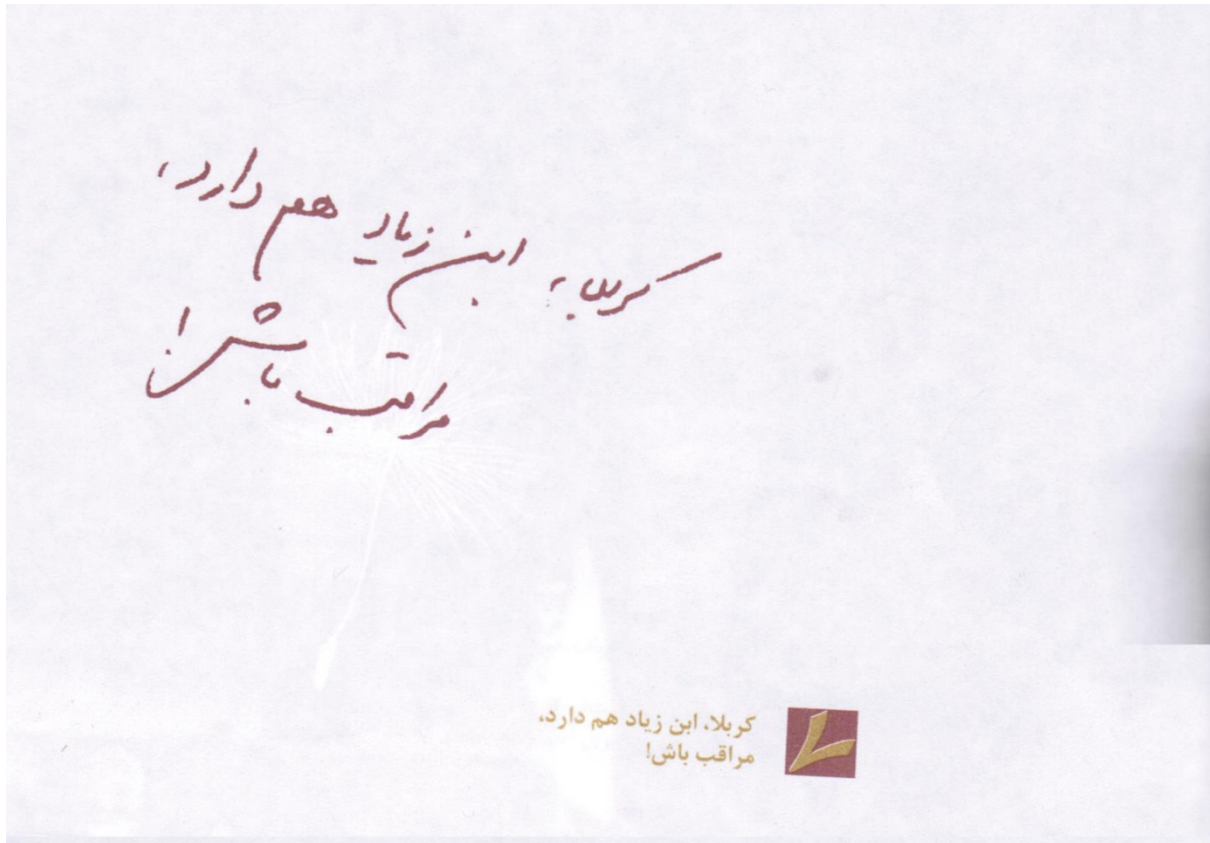


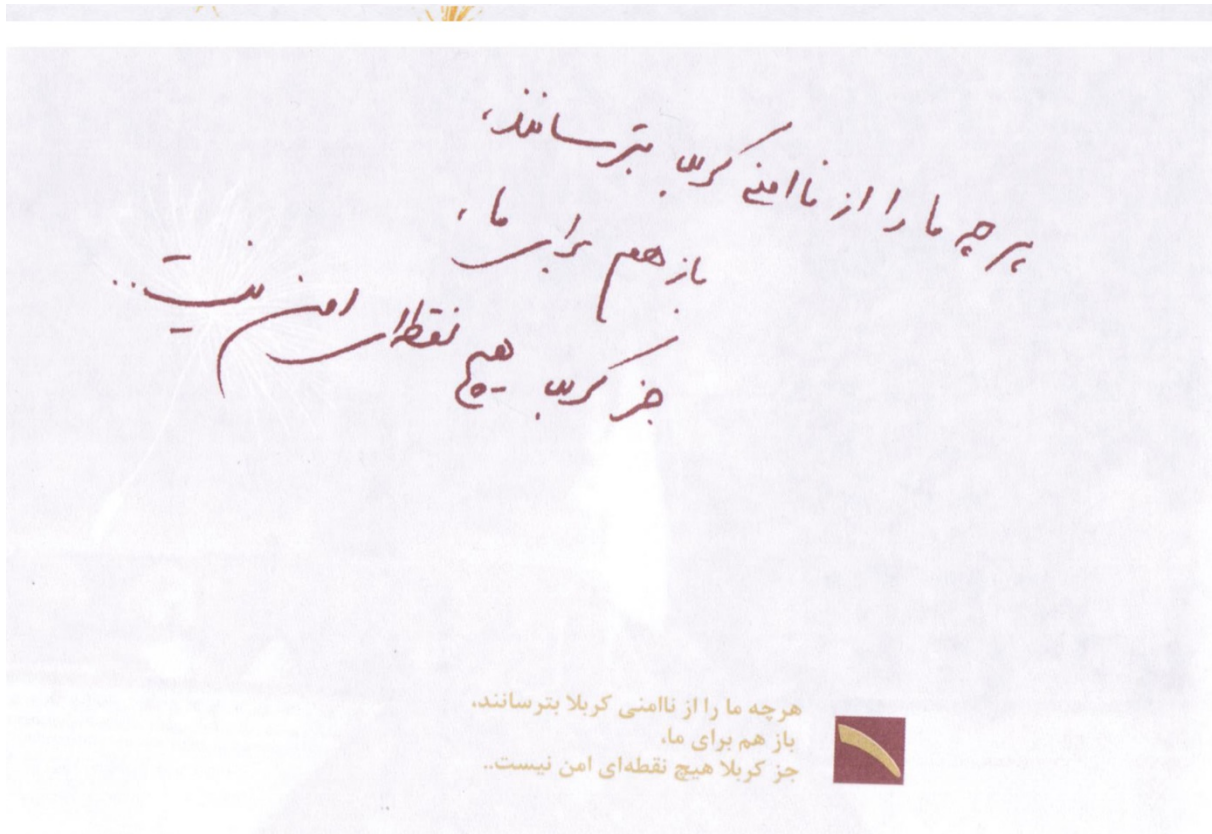












• آفتاب در حجاب:::

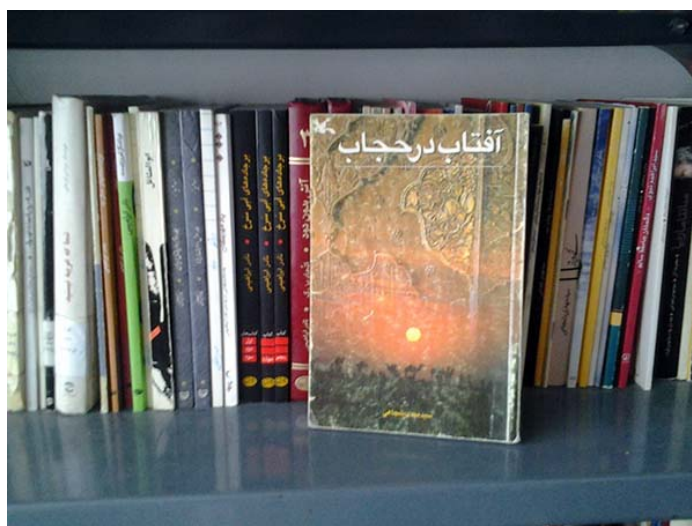
گفتن از «سید مهدی شجاعی» زیاد جایز نیست که تنها نویسنده ای است که تمام عمرش «پرکار» وقف دین و ادبیات آئینی شده است. کسی که مدت‌ها در سنگر «نشریه کمان» ماند و بعد هم همان مشی اش در داستان دینی، ترجمه، متن ادبی، کتاب کودک و ... ادامه داد. هرچند این اواخر بر غنای آثارش و همچنین بعضی از موضع گیری های سیاسی اش ان قلت وارد می کنند اما من بیشتر این را هم متأثر از دغدغه های دینی و اجتماعی استاد می دانم.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای

سید مهدی شجاعی چنان برادری اش را ثابت کرده که به راحتی نمی شود بر او خدشه وارد کرد.

کتاب «آفتاب در حجاب» استاد، درباره حضرت زینب (س) است.

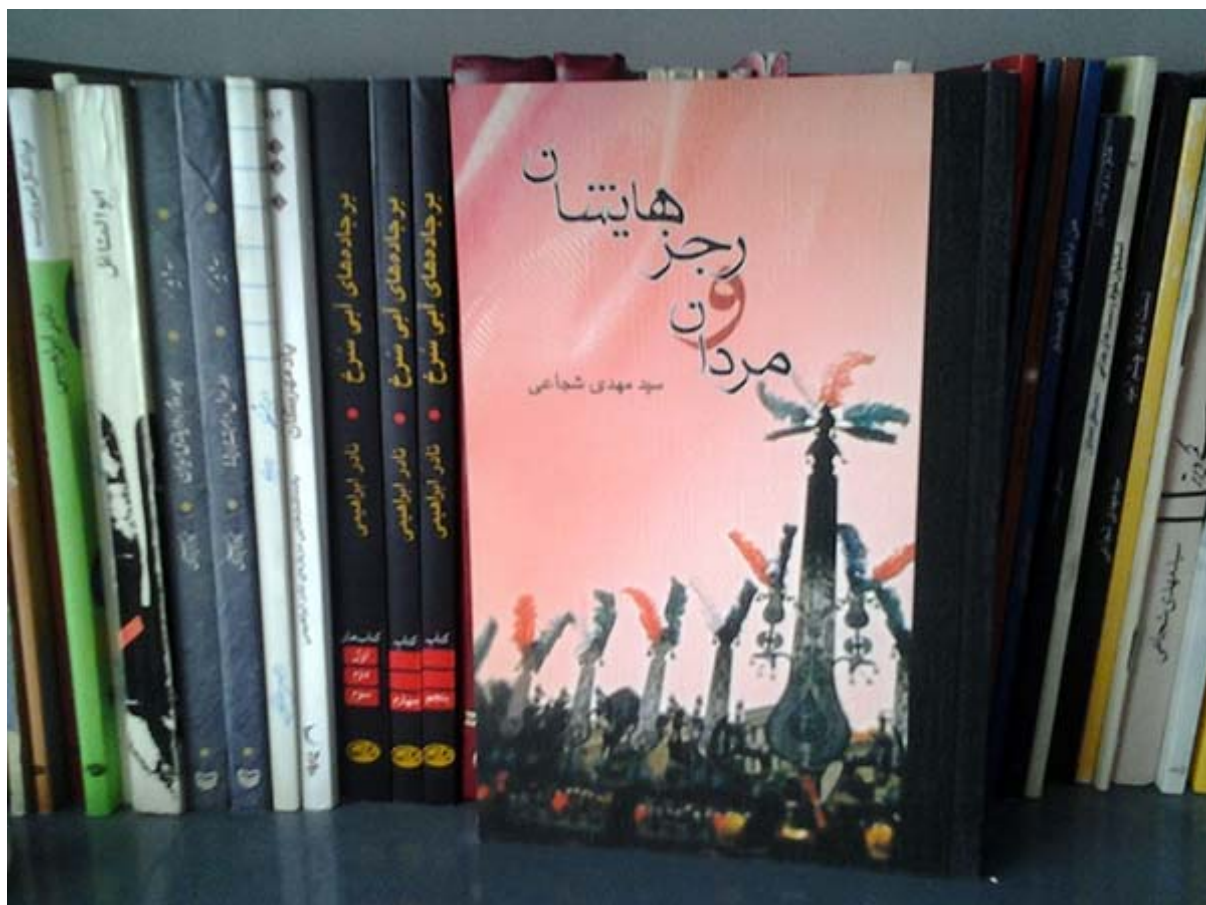


کتابی منتشر شده توسط انتشاراتی خود استاد یعنی «کتاب نیستان».

و <http://www.neyestanbook.com>

• مردها و رجز هایشان:::

این کتاب را هم «سید مهدی شجاعی» نوشته است. در صفحات نخست این کتاب به نقش اهمیت رجزخوانی در تاریخ جنگ‌ها و مبارزات عرب اشاره می‌شود. در پی آن، رجزهایی از یاران امام حسین (ع) نقل می‌گردد که هر یک عمق معرفتی و شکوه عشق آن یاران را نشان می‌دهد. این رجزها که به زبان عربی و فارسی گردآمده با توضیحاتی چند همراه است.



• از دیار حبیب:::

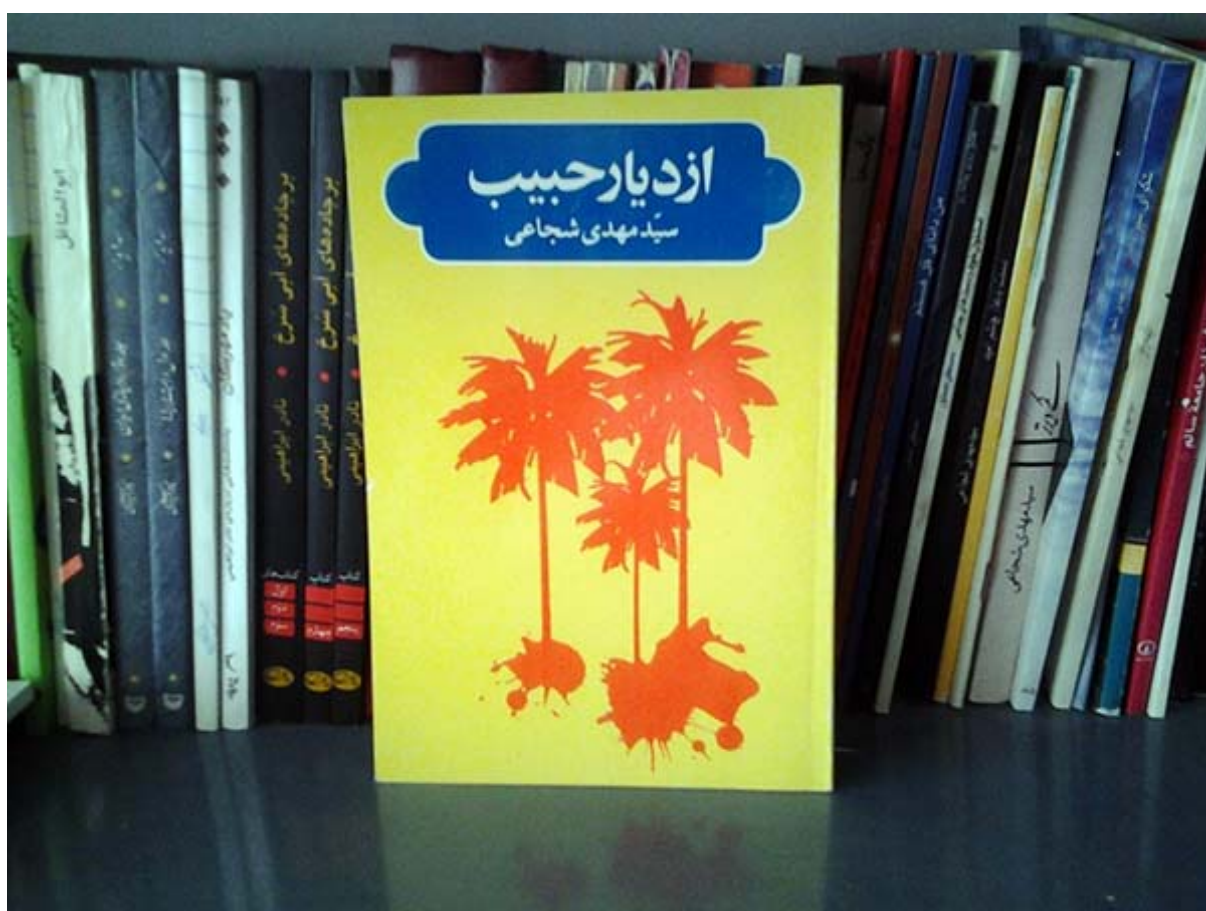
و حالا سید مهدی شجاعی رفته است سراغ «حبیب بن مظاهر». کتابی مختصر و زیبا.

«از حسین پسر علی ابن ابیطالب به حبیب ابن مظاهر، مردی فقیه و دانشمند.

ای حبیب تو خویشاوندی ما را با رسول خدا خوب میدانی و ما را بهتر از دیگران میشناسی تو انسانی آزاده و غیرتمندی،

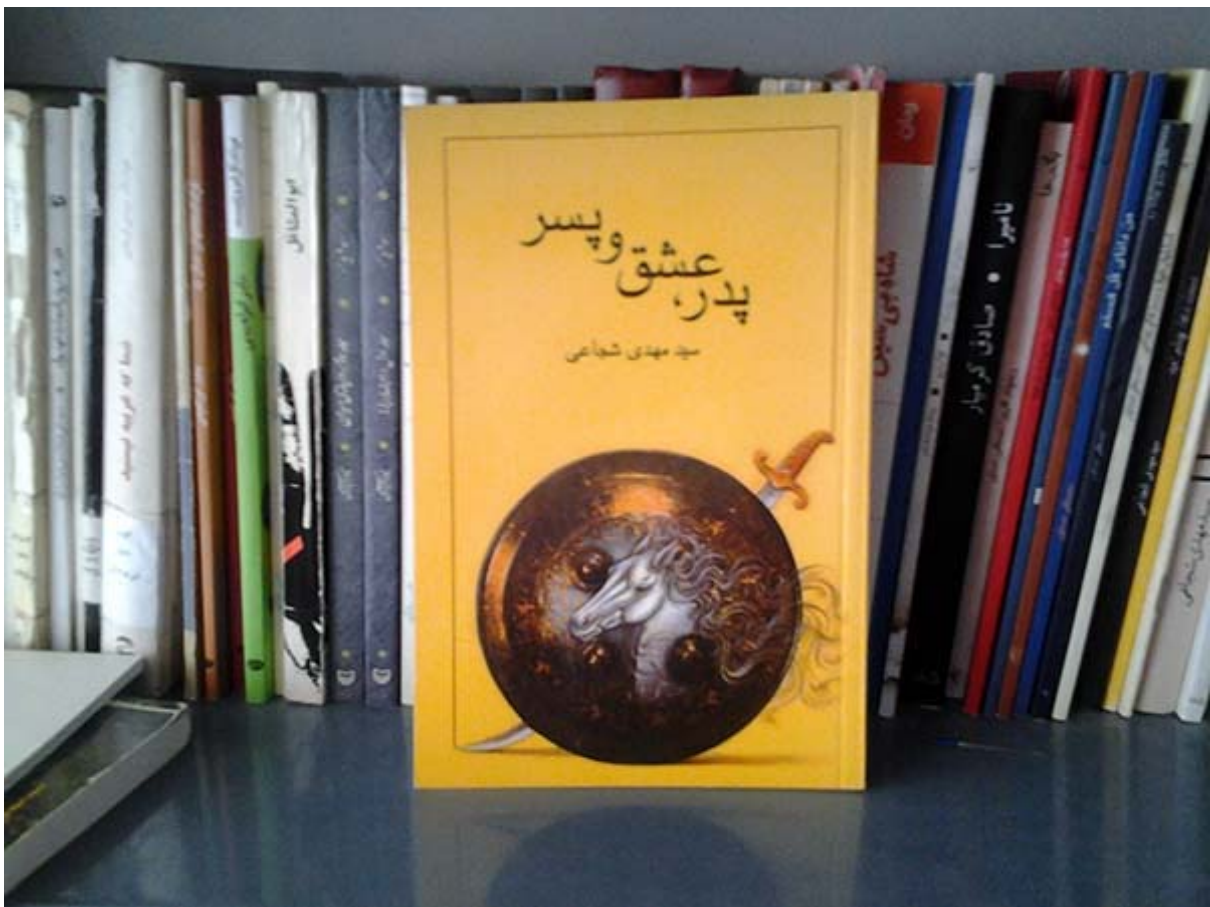
پس جان خود را از ما دریغ مکن که روز قیامت، رسول خدا پاداش ترا خواهد داد. «

و بعد حبیب ۷۵ ساله راهی سپاه امام می شود....



• پدر، عشق و پسر ::::

این کتاب سید مهدی شجاعی به عنوان یکی از ناب‌ترین روایات ادبی هنری از واقعه کربلا خواندنی است. «عقاب» - مرکب حضرت علی اکبر(ع) - برای لیلی از اتفاقاتی که برای فرزندش افتاده حکایت جانسوزی را روضه‌خوانی می‌کند. شجاعی این کتاب را ظاهراً برای کودک و نوجوان کانون پرورش فکری نوشته است ولی در واقع پدر عشق و پسر داستان عاشقانه‌ای است که سن و سال نمی‌شناسد. سی و شش مقتل معتبر و درجه اول برای نوشتن این روضه مکتوب، هنرمندانه کنار هم گذاشته شده است.



• رسانه شیعه:::

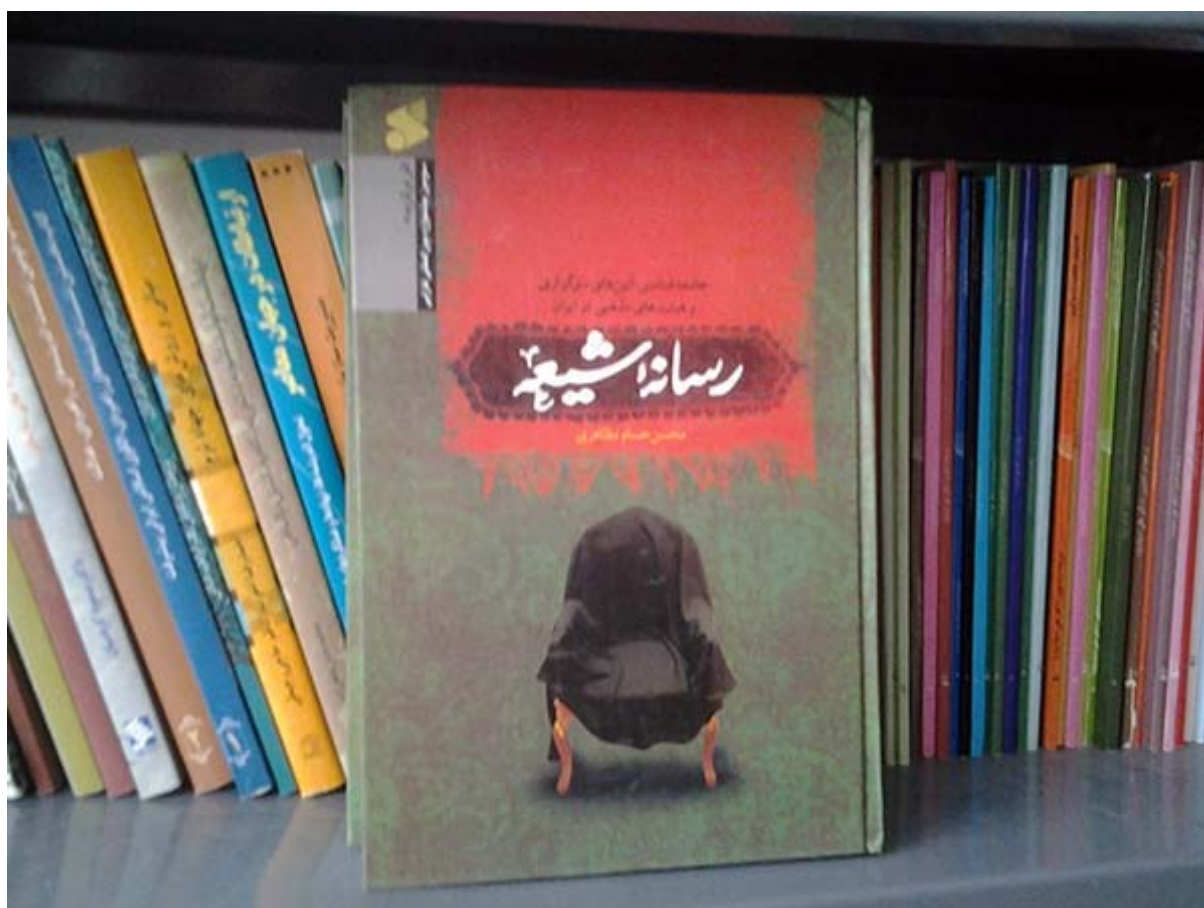
«محسن حسام مظاهری» فارغ التحصیل کارشناسی ارشد جامعه شناسی از دانشگاه تهران است. تا آنجا که من می دانم چندین وبلاگ دارد مثل : <http://mohsenhesam.persianblog.ir> یا mohsenhesam.blogfa.com



اهل نوشتن است و تحقیق. البته بیشتر فکر دارد. و این را از دست پختش در ماهنامه «هاییل» و یا قبل تر «فتیان» می شود دید. وقتی فردی فکری مختص خودش داشته باشد، زبان، لحن و ابزار گفتن اش را مختص خودش و حرفش پیدا می کند و ...

به نظر من جناب حسام مظاهری اینگونه است.

حسام مظاهری به عنوان رساله کارشناسی ارشد اش طی ۵ سال! به «منبر» و «هیئت» به عنوان بهترین «رسانه شیعه» پرداخته و ماحصل اش شده یک کتاب «۶۱۰ صفحه» ای که در ده فصل توسط انتشارات «چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی» آن هم در قطع وزیری.



مظاهری در این کتاب از بررسی موارد زیربنایی و تعریف ها تا بررسی سوابق هیئت ها از زمان قبل از انقلاب تا کنون آن هم با اسم و رسم هیئت ها ، منبری ها و مداحان - حتی با عکسشان - و یا موارد انحرافی و شبه هیئت ها را مورد توجه قرار داده و از این باب یک تحقیق هیئت شناختی خوب به حساب می آید.

www.intlpub.ir و تلفن: ۰۲۱۸۸۹۲۱۹۸۰ - ۳۳۹۲۳۹۵۹

• عاشورا:::

قبلاً درباره استاد «صفایی حائری» مختصراً گفته بودم که بزرگترین مسئله در مورد اندیشه های استاد وجود «نظام ها» است. یعنی پیوستگی بین همه ی امور و البته وجود جغرافیا. یعنی مهم بودن تقدم و تأخر هر کدام.



در سایت استاد جهت معرفی این کتاب آمده است:

در این کتاب با توجه به این نکته که زندگی صحنه پیکارها و میدان مبارزه هاست، به اشکال مختلف، انگیزه ها، هدف ها، نیازها و سدها و مانع های جهاد و مبارزه می پردازد. و در نهایت با بررسی تحلیل های مختلف در رابطه با قیام و حرکت امام حسین(ع)، نویسنده خود به تحلیلی از قیام اباعبدالله(ع) می پردازد.



• وارثان عاشورا: :::::

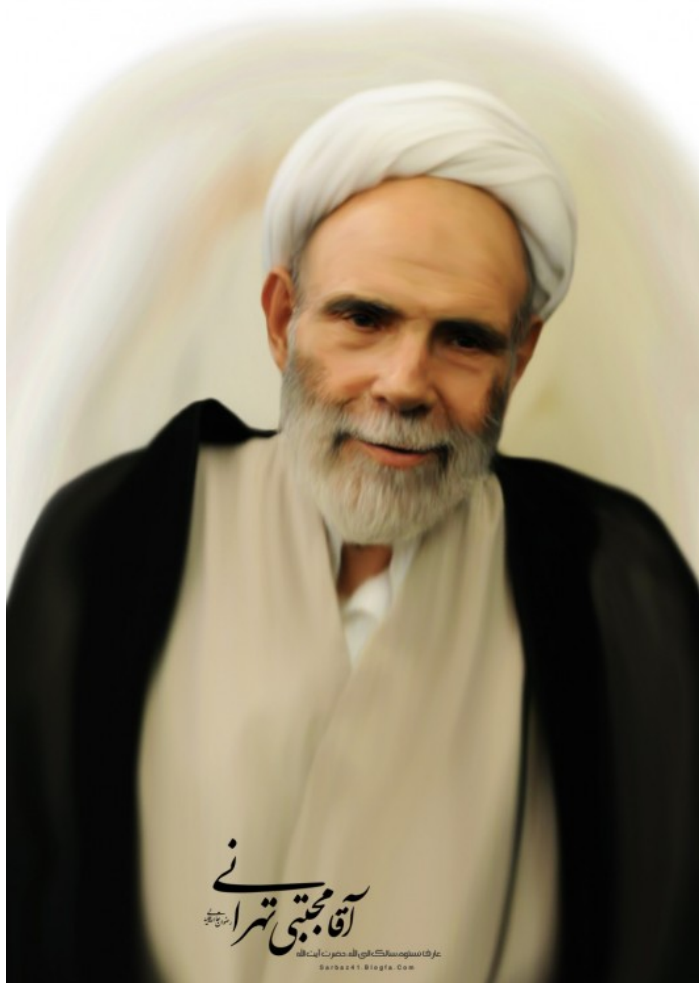
و باز از سایه استاد :

نوشته مزبور مجموعه ای است از پنج مبحث در زمینه: اضطراب به دین و حجت، حق و شبهه، احیای امر، وارثان عاشورا، اصحاب اباعبدالله(ع). این کتاب حاصل سخنرانی های استاد در چند دهه محرم می باشد که به همت و قلم خود ایشان، رقم زده شده. در مبحث اول نویسنده به بحث اضطراب به ولیّ و انتظار از ولیّ و انتظار برای ولیّ پرداخته است و با توجه به آیاتی از سوره آل عمران و فجر و تکاثر، از تمحیص و بلاء و فتنه و اشتغال به نعمت ها گفت و گو کرده. در مبحث دوم به تحلیلی از حق و شبهه می پردازد، تا در برخورد با شبهه و فتنه و وسوسه و بدعت، همراه نور و هدایت و بینات و فرقان، بتوانیم مسلط و سالم و بهره مند باشیم. نویسنده می کوشد تا نشان دهد همراه این بینات و با دستیابی به یک میزان مشخص و فرقان حاکم و با توجه به بیان حضرت امیر در خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه که از حق و هدف، طریق و راه، قائد و رهبر و آداب و فقه حرکت گفت و گو می کنند، چطور می توان از بند شبهه رهید و زمینه فتنه را ز بین برد و یا ضعیف کرد و از انحراف ها و بدعت ها رها شد. در مبحث سوم: به این نکته پرداخته شده که احیای امر اهل بیت را چگونه و از کجا دنبال کنیم، تا از کسانی باشیم که به حیات قلبی رسیده باشیم، آن هم تا روزی که تمامی دل ها می میرند. در این نوشته با توجه به تمامی روایات احیاء امر، از عوامل احیاء و مراحل پنج گانه آن، سخن به میان آمده. در مبحث چهارم: که عنوان کتاب هم از همین بحث گرفته شده، مولف توضیح می دهد که میراث حسین(ع) که وارث آدم تا خاتم است، به کسانی خواهد رسید که از آگاهی و علم، عبودیت و تقوا، عبودیت و صلاح برخوردار باشند و این ها وارثان عاشورایند. در مبحث پنجم: به تحلیل و تطبیق و بررسی اوصاف و خصوصیات اصحاب اباعبدالله، پرداخته می شود؛ که چطور مسلم بن عقیل به استقامت و هانی بن عروه به حمیت و حمایت و حرّ به محاسبه و مقایسه و انتخاب و حرّیت و عبودیت و زهیر به نجات و فلاح و سرداری و قیس بن مسهر و عبدالله بن یقطر به مقام سقاییت و رسالت و شهادت و هم چنین دیگر یاران به آن مقام وفا و ادب و فداکاری و فوز رسیدند.



مرکز پخش: ۰۹۱۲۷۴۶۱۰۲۲ و www.laylatulqadr.org

• سلوک عاشورایی:::



در سایت حضرت آیت الله «آقا مجتبیٰ تهران» در معرفی این کتاب آمده است:

حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبیٰ تهرانی، که از مراجع عظام تقلید و از شاگردان مبرز مکتب فقهی، اصولی، فلسفی، اخلاقی و عرفانی امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) می باشند و بیش از ۳۰ سال است که کرسی دروس اسلامی ایشان در حوزه‌ی علمیه‌ی تهران، طلاب و فضلالی أم القرای جهان اسلام را سیراب می سازد، از سال ۱۳۸۰ هـ ش در بیانات ایام دهه‌ی اول محرم الحرام و دهه‌ی آخر ماه صفر خود، به تشریح ابعاد گوناگونی از قیام و انقلاب حضرت سیدالشهداء پرداخته‌اند که نگاهی چنین عمیق به مقوله‌ی عاشوراء، آن هم توسط چنین شخصیتی، در نوع خود کم نظیر است.

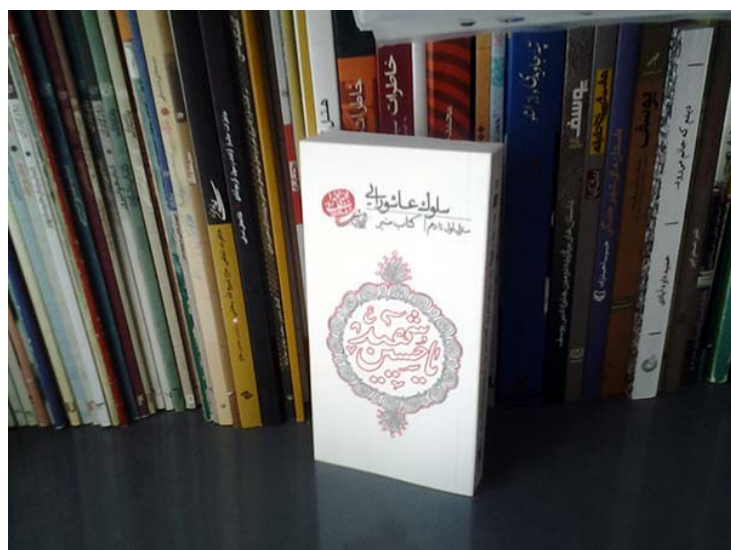
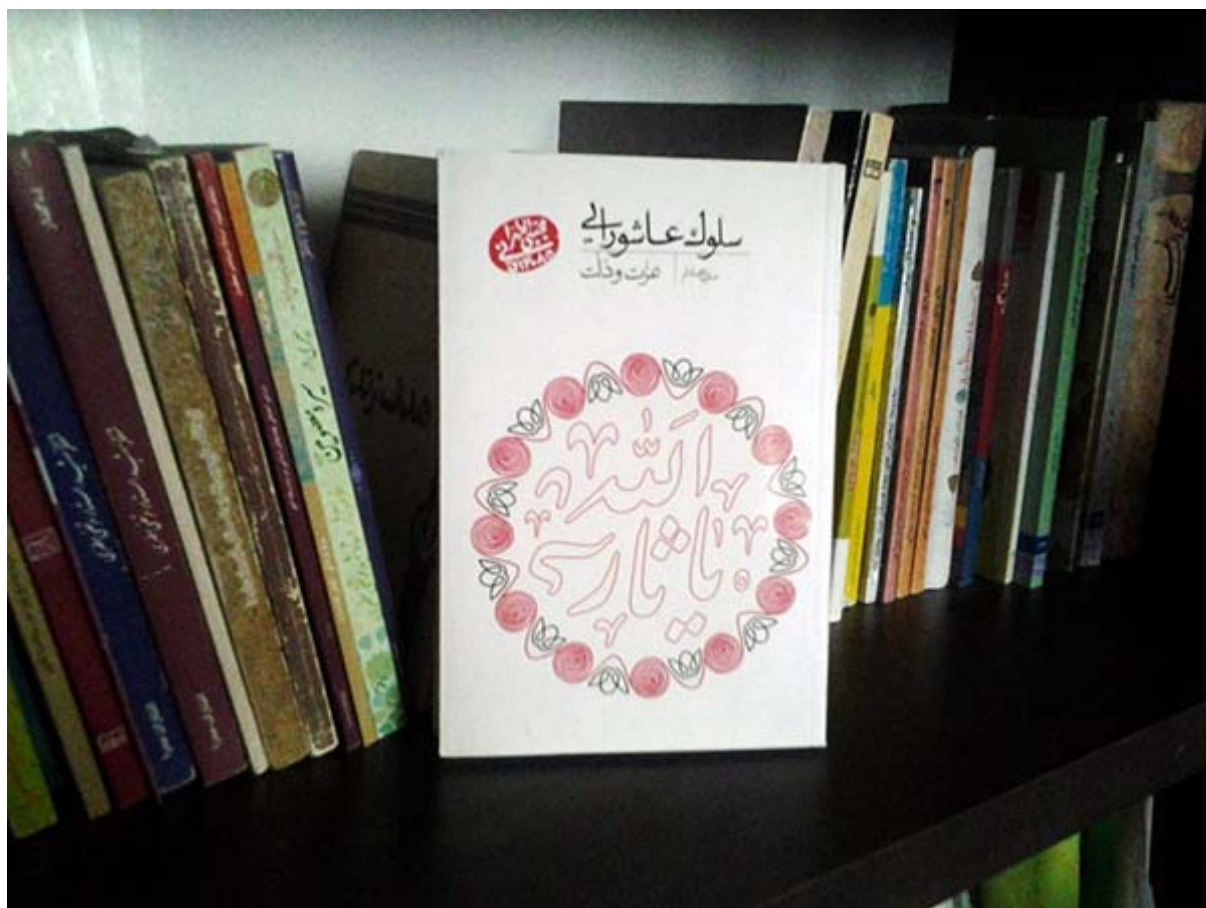
آن چه مجموعه‌ی مباحث حضرت استاد را از بسیاری جهات ممتاز گردانده، نگاه ریشه‌ای ایشان به حرکت تاریخی و تاریخ‌ساز امام حسین (علیه السلام) است؛ نگاهی که این حرکت را به ریشه‌های اسلام ناب محمدی پیوند می زند و آن را در امتداد بعثت رسول مکرم اسلام و به عنوان عامل حفظ و استمرار آن توجیه و تبیین می کند. بر همین اساس است که حضرت استاد می فرماید: «إن الإسلام محمدیة الحدوث و حسینیه البقاء».

عظمت قیام انسان ساز حضرت سیدالشهداء سبب شده است که نتوان تنها یک هدف برای آن در نظر گرفت یا تنها از یک بُعد و زاویه به آن نگاه کرد. به فرموده‌ی حضرت استاد: «اگر بخواهیم فقط یک هدف را مطرح کنیم و بگوییم هدف از حرکت حسینی فقط همان بوده، به آن حضرت جفا کرده-ایم. نمی-شود گفت که این ولی بزرگ خدا، با عملی که انجام داد - که در طول تاریخ بشریت بی نظیر است - فقط یک هدف داشته است. کوتاهی درک من موجب نمی شود که هدف گیری او محدود شود! لذا از کلمات حضرت در موقعیت های مختلف در این حرکت، اهداف گوناگونی به دست می آید».

بر این مبنا، حضرت استاد تلاش کرده اند با مروری بر کلمات و جملات امام حسین (علیه السلام) در طول این حرکت، از مدینه تا کربلا، چارچوبی از اهداف و ابعاد این قیام ارائه کرده و ساختار بحث را با تکیه بر منابع و معارف غنی اسلامی، نظیر قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) تکمیل نمایند تا مراد از هر بُعد و هدفی که حضرت سیدالشهداء مطرح کرده اند، به درستی روشن شود.

در حقیقت، شیوه‌ی علمی مباحث حضرت استاد، نوعی «تفسیر روایت به آیات و روایات» است. در این شیوه، جملات کلیدی امام حسین (علیه السلام) مبنای «تئوری پردازی علمی» قرار گرفته و سپس به کمک آیاتی از قرآن کریم و سایر روایات اهل بیت (علیهم السلام) تبیین می شود. جاذبه و زیبایی این تفسیر در این است که مخاطب، در خلال این مباحث ضمن دستیابی به فهمی عمیق تر و دقیق تر از کلمات و جملات حضرت، متوجه می شود که هر یک از اهداف قیام عاشوراء را می توان از ابعاد گوناگون فقهی، سیاسی، اجتماعی، اخلاقی و عرفانی مورد بررسی قرار داد.

مؤسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی (دام ظلّه العالی) تا کنون چهار دوره از مباحثی که تا کنون درباره «تحلیل قیام عاشوراء» توسط استاد مورد بررسی قرار گرفته است را تحت عنوان «سلوک عاشورایی؛ دفتر اول: تعاون و همیاری، دفتر دوم: امر به معروف و نهی از منکر، دفتر سوم: هجرت و مجاهدت و دفتر چهارم: دین و دینداری» آماده نموده که به توفیق الهی آماده عرضه شده است. علاقمندان می توانند جهت تهیه این کتاب های نفیس و مبنایی، با مرکز پخش مؤسسه به شماره تلفن های ۰۲۱-۷۷۵۲۴۵۸۵، ۰۹۳۷۲۳۹۸۱۱۷ تماس حاصل فرمایند.



اما همین انتشارات کار جالبی کرده. کتابی تقریباً در قطع پالتویی و خلاصه‌ی همین ده جلد با عنوان «کتاب منبر». قابل استفاده برای منبریون و وعظا.

• سقای آب و ادب:::



کتابی در باب حضرت سقا (ع) از «سید مهدی شجاعی» که «کتاب نیستان» منتشرش کرده است.

بریده‌هایی از فصل آخر:

« حسین همچنان در کنار پیکر عباس نشسته است که عباس از پیکر خود برمی‌خیزد. افواج بی‌شمار ملائک، با هودج‌هایی از نور و چهره‌هایی سرشار از شور و سرور، او را چون نگین در حلقه حضور می‌گیرند.

عباس اگرچه همه‌شان را به روشنی و وضوح می‌بیند اما چشم از چراغ حسین بر نمی‌دارد. انگار ناخودآگاه و بی‌اراده در باشکوه‌ترین و نورافشان‌ترین هودج نشانده می‌شود و صدایی نرم و لطیف در گوشش طنین می‌افکند: برویم.

عباس که همچنان سراپای نگاهش مجذوب حضرت حسین است با اراده و خودآگاه می‌پرسد؛ کجا!؟

و ملائک گویی که یک تن‌اند تکثیر شده در هزاران هزار، با دست نشان می‌دهند و به زبان - یکصدا - می‌گویند: بهشت!

عباس به خود یا به آنان می‌گوید: این خلاف ادب، خلاف مروت، خلاف اخوت، خلاف ارادت، خلاف مواسات و خلاف عاشقی است که من پیش از حسین قدم به بهشت بگذارم. و بعد با لحنی که از حضور آشکار و استوار پاسخ در دل سوال حکایت می‌کند، می‌پرسد:

- اگر حسین پشت سر است، اصلاً بهشت پیش رو کجاست؟ به چه معناست!؟

عباس که اکنون میان او و زمین هزاران گام فاصله افتاده است محکم و قاطع می‌گوید:

- اگر به اختیار من است، قدم از قدم بر نمی‌دارم. من بی حسین کیستم؟! من بی حسین نیستم. من از حسین آمده‌ام و به حسین باز می‌گردم.

و پیش از اتمام آخرین جمله اش؛ «مبدأ و مقصد من...» خود را در جایگاه پیشین و در کنار حسین می بیند و ادامه می دهد:

«... شما پیدا! حسین جان! مولای من!»

نگران حسین مباش عباس من! روشنی دیده و دلم! بیا پسر! بیا عباس من! نگران حسین مباش! تا ساعتی دیگر او نیز به ما می پیوندد.

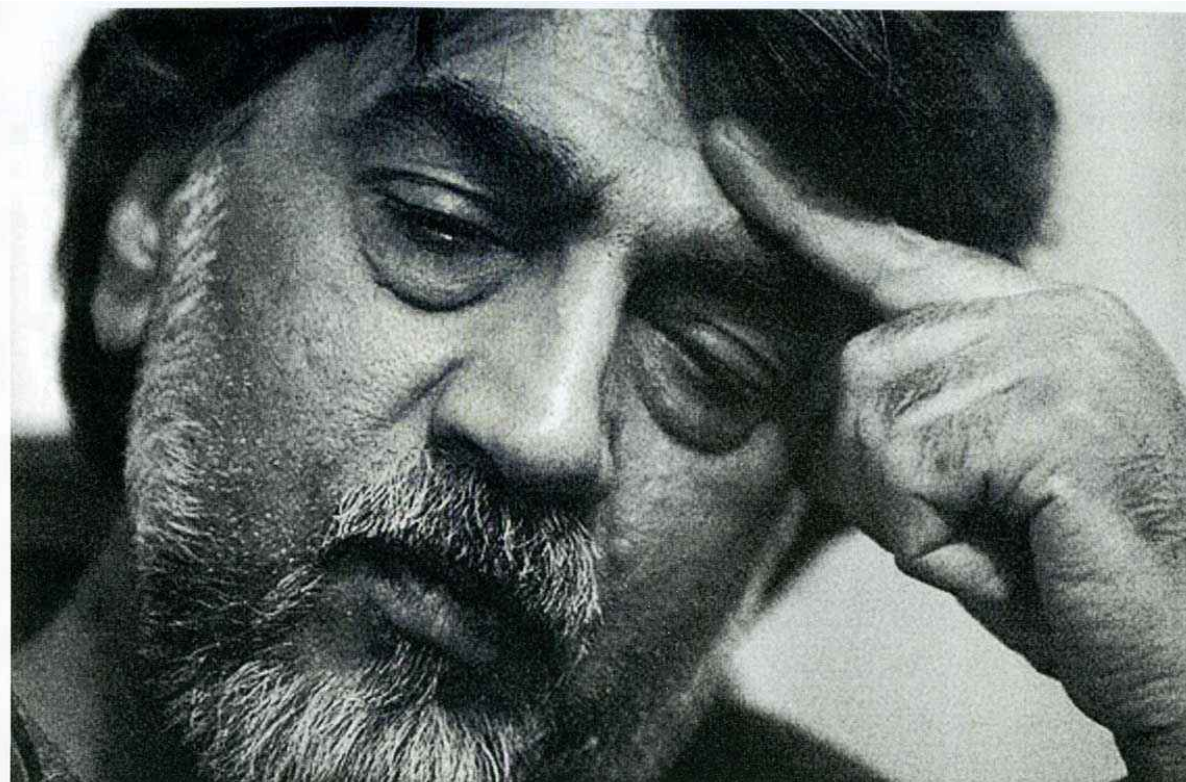
مرا دریابید مولایم! یاری ام کنید برادر! جرأت نگاه به حقیقت پیش رو را ندارم. ظرف طاقتم، ظرف وجودم و ظرف هستی ام، کوچکتر از آن است که بتواند حقیقت بی همانند فاطمی را در خود جای دهد.

من کی ام؟! کوه هم اگر باشد متلاشی می شود در تلاقی با این تجلی. «جعله دکا».

اگر همه عمر شما را معشوق خود می شناختم، مراد خود می خواستم، امام خود می دانستم، مریدانه و سالکانه به شما می نگریستم، در این لحظه محتاج وجه دیگری از جوهتان هستم. طالب مقام اخوتتان هستم...»

• **ظهر روز دهم:::**

قیصر! آن را سروده. استاد دکتر «قیصر امین پور». منظومه ای عاشورایی که خانم گل محمدی آن را تصویر سازی و انتشارات «سروش» با قطعی متفاوت منتشرش کرده....



البته این کتاب قاعدتاً برای نوجوانان است اما من که با آن صفا می کنم:

«شور محشر بود

نوبت یک یار دیگر بود

باز میدان از خودش پرسید:

«نوبت جولان اسب کیست؟»!

دشت، ساکت بود

از میان آسمان خیمه های دوست

ناگهان رعد گران برخاست

این صدای اوست!

این صدای آشنای اوست

این صدا از ماست!

این صدای زاده ی زهراست.

«هست آیا یاوری ما را؟!»!

کودکی از خیمه بیرون جست

کودکی شور خدا در سر

با صدایی گرم و روشن

گفت:

«اینک من،

یاوری دیگر»

آسمان، مات و زمین، حیران

چشم ها از یک دگر پرسیان

«کودک و میدان؟!»!

کار کودک خنده و بازی ست!

در دل این کودک اما شوق جانبازی است!

پچ پچی در آسمان پیچید:

کیست آن مادر، که فرزندی چنین دارد؟!!

و صدای آشنا پرسید:

«آی کودک، مادرت آیا خبر دارد؟!»!

کودک ما گرم پاسخ داد:

مادرم با دست های خود

بر کمر، شمشیر پیکار مرا بسته ست!

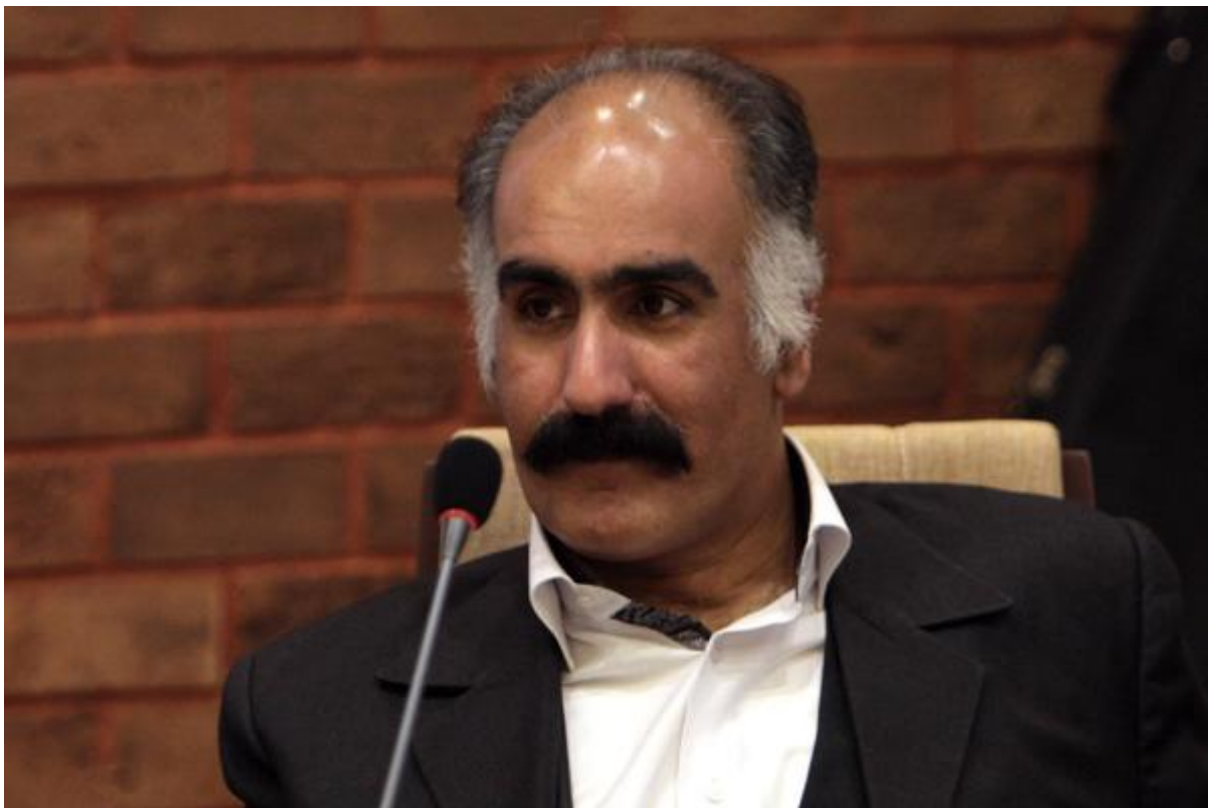


• ماه به روایت آه:::

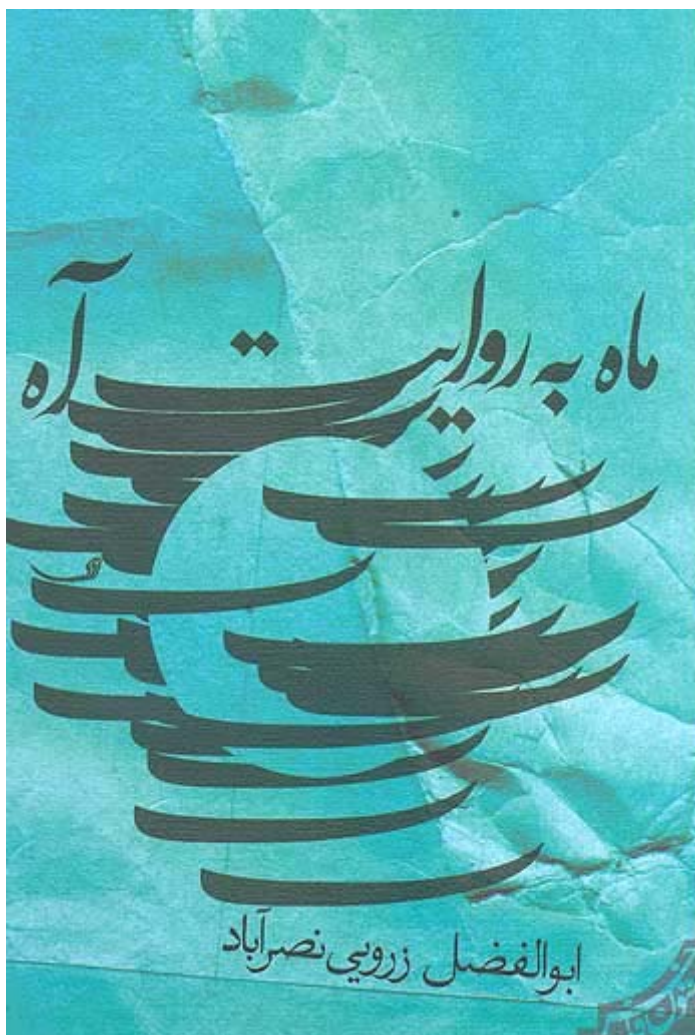
برای معرفی این اثر به متن منتشر شده توسط «مهر نیوز»

<http://www.mehrnews.com/detail/News/1661516>

اكتفا می كنم:



«ماه به روایت آه» تازه ترین اثر منتشر شده توسط ابوالفضل زرویی نصرآباد است که نخستین اثر تالیف شده توسط وی در حوزه ای غیر از حوزه طنز و نخستین رمان تالیف شده درباره زندگانی حضرت ابوالفضل العباس (ع) از بدو تولد تا هنگام واقعه عاشورا به شمار می رود.



زرویی در این کتاب با پرهیز از روایت محض، دست به انتخاب ۱۲ راوی برای ترسیم هر بخش از زندگانی حضرت عباس (ع) زده است و بر این اساس به ترتیب با معرفی شخصیت‌هایی مانند مسلم بن عقیل، ام البنین، عبدالله بن ابی محل، کزمان، لبابه، حضرت زینب (س)، زید بازرگان، شبت بن ربیع، ام کلثوم، امام حسین (ع)، سرجون و عبیدالله بن عباس بن علی به توصیف فرازهای مختلفی از زندگانی حضرت عباس (ع) در این کتاب می‌پردازد.

زرویی نصرآباد به تصریح خود در این رمان به روایتی حساس و توأم با واقعیت صرف و به دور تملق از زندگانی علمدار صحرای کربلا پرداخته و سعی کرده است با حفظ سلامت در نقل واقعه تاریخی، آن را با شیوه‌ای تازه که استفاده از چندین راوی است، به مخاطب ارائه کند.

زرویی برای تالیف این کتاب به بیش از ۶۰ منبع پژوهشی تالیف شده در ارتباط با زندگانی حضرت عباس (ع) رجوع کرده است و به گفته خود سعی می کند از میان استنادات تاریخ آنانی را که از اعتبار و مقبولیت بیشتری در میان راویان برخوردار بوده اند، بهره ببرد.

بخشی از فصل حسین (سلام بر او) از این کتاب را در ادامه می خوانیم:

«کجاست برادرم؟ کجاست یاورم؟ کجاست عباس؟»

امروز پیش از همه، اجازه نبرد خواستی. گفتم: عباسم! ادا مضیت تفرق عسکری... اگر از دستم بروی، سپاهم از هم می گسلد. نورچشمم علی اکبر، یادگار برادرم قاسم، تمام یاران، برادران، برادرزادگان و خواهرزادگانمان را پیش تو فرستادم. عزیزترینم! تا تو بودی امید و رغبت و انگیزه حیات هم بود...

آنگاه که همه رفتند با چشمانی اشکبار و لحنی ملتسانه آمدی که: «مولای من! به خدا که جگرم از داغ رفتگان می سوزد و زندگی را بی اینان خوش نمی دارم. آقای غریب و بی کسم، بگذار بجنگم!»

بگذارم بجنگی؟ تو آخرین امید و عزیزترین کس حسینی. تو ماه خاندان بنی هاشمی. تو جگر بند و تکیه گاه منی. اگر گزندى به وجود نازنینت برسد چه؟ اگر زنان و اطفال خیمه گاه خردار شوند که به تو چشم زخمی رسیده، بند دل و رشته امیدشان پاره می شود... نه برادرم، نه امیدم، نه... جنگ نه، اما کودکان تشنه اند. اگر می توانی، تنها قدری آب...

آه، آه، آه... عباسم! آیا در خوابی که امید بیداریت را داشته باشم. بر من دشوار است که تو را به زمین تفته غرقه به خون بنگرم.

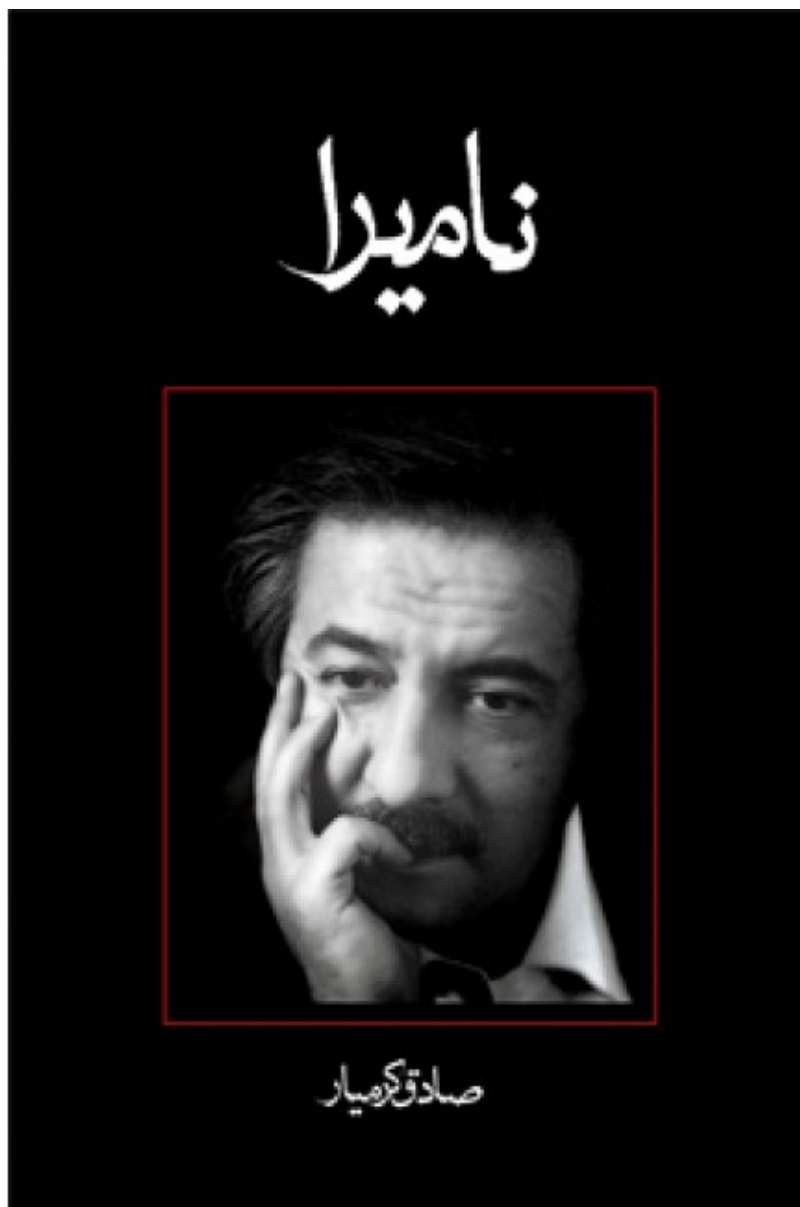
الان انکسر ظهري و قلت حيلتي و شمت بي عدوي.

حال، کمرم شکست و رشته تدبیرم گسست و دشمنم به زبان شماتت در بست...

«ماه به روایت آه» در قالب مجموعه متون فاخر انتشارات نیستان و در ۱۸۹ صفحه با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه منتشر شده است.»

• نامیرا:»»»

وقتی آقا فرمودند «هر کسی می خواهد فتنه اخیر را بشناسد، این کتاب را بخواند.» خب باید خواند دیگر:



بخشی از کتاب نامیرا به انتخاب نویسنده

«ماه کم کم از زیر ابری تیره بیرون می آمد. پای برکه ای کوچک، آتش بلندی برپا بود و عبدالله بن عمیر و اموهب کنار آتش نشسته بودند و پای سفره ای مختصر شام می خوردند. اسب های آن دو به درختی در حاشیه برکه بسته بود. تنها صدای هرم آتش و سوختن خس و خاشاک و چوب های خشک درون آتش به گوش می رسید. اموهب میل چندانی به خوردن نداشت و این را عبدالله درک می کرد، اما به سکوت می گذراند. بی میلی اموهب کم کم کلافگی او را شدت داد و یکباره از پای سفره برخاست و به کنار برکه رفت و به زانو نشست. به عکس ماه در برکه چشم دوخت. اموهب زانو به

بغل خیره‌ی آتش بود. عبدالله ناگهان صدای چکاچک شمشیرها و نیزه‌ها را شنید. یکباره از جا پرید و به اموهب نگریست که هم‌چنان آرام نشسته بود و به آتش می‌نگریست. صدا قطع شد، اما عبدالله آرام به سراغ شمشیرش رفت و آن را از نیام بیرون کشید. اموهب از رفتار او حیرت کرد و با تعجب برخاست.

عبدالله گفت: «شنیدی؟»

«نه! چیزی نشنیدم.»

عبدالله به اطراف چشم انداخت و در تاریکی بیابان اطراف را پایید بار دیگر صدای سم اسب به گوش رسید و این بار هر دو شنیدند و با دقت به جهت صدا رو برگرداندند. از عمق تاریکی، سواری نزدیک شد. عبدالله به اموهب اشاره کرد که کنار اسب‌ها پناه بگیرد و خود آرام به سمت سوار رفت. سوار نزدیک‌تر شد و وقتی عبدالله را در حالت هجوم دید، همان جا ایستاد و گفت:

«سلام برادر، من مسافری هستم از راهی دور؛ می‌خواهم به کوفه بروم از راه آمده مطمئن نیستم.»

عبدالله با بدگمانی به او نگریست و سپس اطراف را زیر نظر گرفت و انگار به دنبال سواران دیگری بود که با غریبه همراهند. سوار اموهب را دید. گفت:

«من تنها هستم برادر راه کوفه را به من نشان بده، زحمت دیگری برایت ندارم!»

ویکباره اسبش - که معلوم بود راه درازی را یک‌نفس آمده بود- نقش زمین شد و سوار را بر زمین زد. سوار که دست کمی از اسب نداشت، پایش زیر اسب ماند و فریاد کشید. عبدالله هنوز تردید داشت. اموهب جلو آمد و با تعجب به خیرگی عبدالله نگریست:

«عبدالله!»

عبدالله تازه به خود آمد و به کمک مرد رفت. اموهب نیز دوید و دهانه اسب را گرفت و آن را جابه‌جا کرد و عبدالله زیر بغل مرد را گرفت و او را بیرون کشید. غریبه بی‌حال و خسته روی دست عبدالله ماند. او را کشان‌کشان تا پای آتش برد و اموهب، مشک آب را آورد و عبدالله به او آب داد. کمی به حال آمد و وقتی خود را پیدا کرد، سراسیمه دستی به سینه‌اش کشید و از وجود چیزی در زیر لباسش مطمئن شد. عبدالله و اموهب به یکدیگر نگاه کردند. مرد دوباره از حال رفت. عبدالله او را روی پلاسی خواباند. اموهب رواندازی آورد و به عبدالله داد. گفت:

«پیداست چیز گرانبهایی با خود دارد.»

«خدا به او رحم کرد که گرفتار راهزنان نشد.»

عبدالله روانداز را روی مرد کشید و خود کنارش نشست و به درخت تکیه داد. بعد رو به اموهب گفت:

«تو استراحت کن که فردا راه درازی در پیش داریم! من مراقب او هستم.»

اموهب زیر تخته سنگی دراز کشید و عبدالله در حالی که به مرد می‌نگریست و می‌اندیشید، کم‌کم به خواب فرو رفت و دوباره رویایی را دید که پیش‌تر دیده بود. همان غبار و دود و آتش و برق تیز شمشیرها و نیزه‌هایی که بالا و پایین می‌رفتند و خون‌آلود می‌شدند، رودی خروشان، تیرهایی که از هر طرف به آسمان می‌رفتند، سم اسبانی که در میدان جنگ در هم می‌میختند، خیمه‌هایی که در آتش می‌سوختند، رودی خروشان که آب در آن سرخ و خون‌رنگ می‌شد.

یکبار عبدالله وحشت‌زده چشم باز کرد و اموهب را کنار خود دید که سعی می‌کرد او را بیدار کند. عبدالله جای مرد را خالی دید و به هراس افتاد. اموهب به کنار برکه اشاره کرد. مرد کنار برکه زانو زده بود و سر و صورت خود را می‌شست. عبدالله با احتیاط بلند شد و منتظر ماند. اموهب احساس کرد که عبدالله ترسیده است. گفت:

«این مرد تنه‌است عبدالله! تاکنون ندیده‌ام از مردی تنها و خسته این گونه بترسی!»

عبدالله به تندى سر گرداند و به اموهب نگریست. گفت:

«ترس؟! نه! من از او نمی‌ترسم! اما... اما حضور او مرا از چیزی می‌ترساند. دوباره همان کابوس، خدایا این چه دلشوره‌ای است که سینه‌ام را می‌درد.»

مرد آرام از کنار برکه بلند شد. به سراغ اسبش رفت و به سر و گوش او دست کشید. با مشک، آب به صورت و دهان اسب پاشید. بعد با مهر به عبدالله نگریست و گفت:

«اهل کوفه‌اید، یا شما هم مسافرید؟»

«ما اهل کوفه‌ایم، اما تو که از راه دوری آمده‌ای، از کوفه چه می‌خواهی؟»

«من همان می‌خواهم که همه‌ی اهل کوفه می‌خواهند.»

و کنار آتش که اکنون رو به خاموشی داشت، نشست و به اسبش نگاه کرد. عبدالله گفت:

«پس تو هم خبر حمله‌ی مسلم و یارانش را به قصر ابن‌زیاد شنیده‌ای!»

مرد جا خورد. به تندى از جا پرید:

«مسلم دست به تیغ برده؟! چرا منتظر ورود امام نشد؟!»

و مستأصل به اسب نگریست. اموهب گفت:

«ابن زیاد هانى را کشت و راهى جز جنگ برای کوفیان نماند!»

مرد ناباور نگاهی به عبدالله و همسرش انداخت و بعد به تندى به سراغ اسب رفت و کوشید آن را از جا بلند کند، اما اسب بی حال تر از آن بود که بتواند برخیزد. عبدالله به سوى مرد رفت. حالا کاملاً دریافته بود که مرد غریبه، مسافرى عادى نیست. پرسید:

«تو که هستى مرد؟!»

مرد ملتمس رو به عبدالله برگشت. گفت:

«اسبت را به من بفروش! هر بهایی بخواهی می دهم.»

عبدالله گفت: «اگر برای یاری مسلم این چنین عجله داری. بدان که بی تو هم بر این زیاد چیره خواهند شد!»

مرد گفت: «اما من می خواهم مسلم و کوفیان را از جنگ باز دارم تا امام به کوفه برسند.»

اموهب پیش آمد و گفت:

«پیش از تو عبدالله این کار را کرده، اما بی فایده است.»

«عبدالله؟!»

«آرى من بسیار کوشیدم تا کوفیان را از جنگى بی حاصل باز دارم، اما کینه های کهنه، چشم های آنان را کور کرده، تا مسلم را به ریختن ابن زیاد وا داشتند؛ که اگر چنین شود، بار دیگر میان شام و کوفه جنگی خونین به راه خواهد افتاد.»

مرد گفت: «پس شما در این بیابان چه می کنید؟»

عبدالله گفت: «ما به فارس باز می گردیم، تا شاهد جنگ میان مسلمانان نباشیم.»

مرد لحظه ای در چشمان عبدالله خیره شد. بعد گفت:

«شما از چه می‌گریزید؟! اگر همه‌ی ما کشته شویم، بهتر از آن است که مردی چون یزید را بر جایگاه رسول خدا ببینیم.»

و با پای پیاده به راه افتاد و دور شد. عبدالله مبهوت ماند و لحظه‌ای بعد به تندی دوید و خود را به مرد رساند. گفت:

«صبر کن غریبه!»

مرد ایستاد. عبدالله گفت:

«من اسبم را به تو می‌دهم و هیچ بهایی نمی‌خواهم، فقط به شرطی که بگویی تو کیستی؟!»

«من بنده‌ای از بندگان خدا هستم که به یگانگی و رسالت محمد شهادت داده‌ام و اکنون حسین بن علی را امام و مولای خویش قرار دادم تا یقین کنم آنچه می‌گویم و آن چه می‌کنم، جز سنت رسول خدا نیست، حتی اگر به بهای جانم باشد.»

عبدالله بر سر مرد فریاد کشید. گویی می‌خواست خود را از گناهی که در وجودش احساس کرد برهاند:

«مسلمانان را به رخ من مکش! که من با مشرکان بسیاری جهاد کردم؛ و این زن که پایه‌پای من تا مازندران و قسطنطنیه آمده، بهترین شاهد است که می‌داند، جز برای خدا و رسولش شمشیر از نیام بیرون نکشیدم.»

مرد آرام و خونسرد به عبدالله تلخ لبخند زد. گفت:

«لعنت خدا بر آنان که ایمان شما را بازیچه‌ی دنیای خویش کردند؛ و وای بر شما که نمی‌دانید بدون امام، جز طعمه‌ی آماده، در دست ارذلی چون یزید و ابن‌زیاد هیچ نیستید؛ حتی اگر برای رضای خدا با مشرکان جهاد کنید. آیا بهتر و عزیزتر از قرآن و حسین، یادگاری از پیامبر بر روی زمین باقی مانده است؟»

و دوباره به راه افتاد و رفت. عبدالله مستأصل ماند و اکنون ام‌وهب نیز کنارش ایستاده بود. نگاهی به او انداخت و دوباره فریاد کشید:

«صبر کن!»

مرد ایستاد و دوباره رو به عبدالله برگشت. عبدالله به سوی او رفت. گفت:

«من هم پسر فاطمه را شایسته‌تر از هم برای خلافت می‌دانم، اما در حیرتم که حسین چگونه به مردمی تکیه کرده که پیش از این، پدرش و برادرش، آن‌ها را آزموده‌اند و اکنون نیز به چشم خویش دیدم کسانی را که او را دعوت کردند، به طمع بخشش‌های ابن‌زیاد چگونه به پسر عقیل پشت کردند و هانی را تنها گذاشتند. به خدا سوگند تردید ندارم که این مردم حسین را در مقابل لشکر شام تنها خواهند گذاشت. یزید به خونخواهی ابن‌زیاد خون‌ها خواهد ریخت.»

مردم آرام گفت: «آیا حسین بن علی اینها را نمی‌داند؟!»

«اگر می‌داند، پس چرا به کوفه می‌آید؟»

مرد گفت: «او حجت خدا بر کوفیان است که او را فراخوانند تا هدایت‌شان کند.»

عبدالله گفت: «چرا در مکه نماند، آن هم در روزهایی که همه‌ی مسلمانان در آن‌جا گرد آمده‌اند. آن‌ها نیاز به هدایت ندارند؟»

مرد گفت: «آن‌ها که برای حج در مکه گرد آمده‌اند، هدایت‌شان را در پیروی از یزید می‌دانند و یزید کسانی را به مکه فرستاد تا امام را پنهانی بکشند، همانطور که برادرش را کشتند. و اگر ما را در خلوت می‌کشتند، چه کسی می‌فهمید، امام چرا با یزید بیعت نکرد؟»

عبدالله گفت: «می‌توانست به یمن برود یا مصر یا به شام برود و با یزید گفتگو کند.»

مرد گفت: «اگر معاویه با گفتگو هدایت شد، فرزندش هم هدایت می‌شود؛ و اما اگر به یمن یا به مصر می‌رفت، سرنوشتی جز آنچه در مکه برایش رقم زده بودند، نداشت. اما حرکت او به کوفه، آن هم با اهل‌بیت، بیش از هر چیز یزید را از خلافتش به هراس خواهد انداخت و مسلمانان را به فکر.»

خواست برود لختی مکث کرد و دوباره رو به عبدالله برگشت و گفت:

«و اما من! هرگز برای امام خویش تکلیف معین نمی‌کنم، که تکلیف خود را از حسین می‌پرسم. و من حسین را نه فقط برای خلافت، که برای هدایت می‌خواهم. و من... حسین را برای دنیای خویش نمی‌خواهم، که دنیای خویش را برای حسین می‌خواهم. آیا بعد از حسین کسی را می‌شناسی که من جانم را فدایش کنم؟»

و رفت. عبدالله مات ماند. وقتی مرد دور شد، عبدالله لحظه‌ای به خود آمد. برگشت و اسب خویش را آورد و مرد را صدا زد:

«صبر کن، تنها و بی‌مرکب هرگز به کوفه نمی‌رسی!»

مرد ایستاد و افسار اسب را گرفت و گفت:

«بهای اسب چقدر است؟»

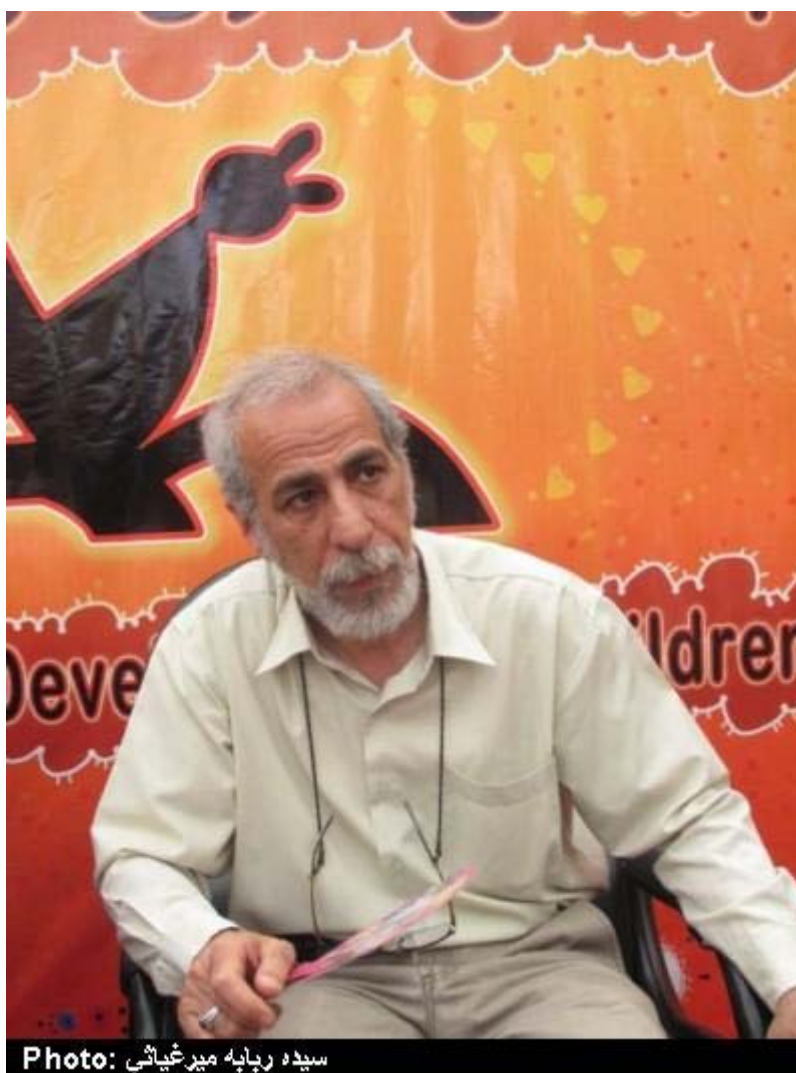
«دانستن نام تو!»

مرد سوار بر اسب شد:

«من قیس بن مسهر صیداوی هستم. فرستاده‌ی حسین بن علی!»

و تاخت. عبدالله مانند کسی که گویی سال‌ها در گمراهی بوده و تازه راه هدایت را یافته بود، به زانو نشست و سرش را میان دست‌ها گرفت.»

• تشنه لبان :::::



و معرفی کتاب از سایت مجمع ناشران انقلاب اسلامی www.mananashr.ir:

کتاب «تشنه لبان» روایتی خواندنی است از وقایع روز عاشورا که نگارنده آن کوشیده است به معرفی آن دسته از اصحاب عاشورا که از آنان، یافته هایی روشن، مستند و خالی از ابهام در دسترس مانده باشد پردازد، چرا که بر اساس مقاتل مختلف در نام، املا، تعداد، نوع رجزهای خوانده شده و ترتیب به میدان رفتن اختلاف نظرهایی وجود دارد.

در این کتاب در میانه هر روایت اشعاری از حافظ گنجانده شده است که با متن ارتباط محتوایی دارد؛ همچنین پانویس های کاملی که حاوی توصیفات دقیق، معانی کلمات و معرفی اشخاص است به جهت آسانی مطالعه و درک متن در این کتاب کار شده است.

تشنه لبان همچنین حاوی کتابنامه ای است که منابع مورد استفاده نویسنده را ذکر کرده است و در بخش پایانی این کتاب نیز نسب نامه ای منتشر شده است که در این بخش، نویسنده نسب شهدای بنی هاشم در کربلا را بررسی کرده است.

«تشنه لبان» را می توان یکی از معتبرترین و خواندنی ترین مقاتل موجود دانست که بر اساس مستندات و کتب موثق مقتل نوشته شده است. در بخشی از این کتاب در مقتل انس بن حارث کابلی می خوانیم:

جوان دیروز غزوه بدر و حنین، پیر سپید موی امروز سپاه حسین که به چهره پیر است و به جرئت چون شیر، چنان چابک و چالاک و چیره دست به چرخش تیغ از چپ و راست، سر و سینه چاک می دهد که دشمن به ناچار از چهار سوی بر وی می تازد تا چاره چکاچک وی کند.

دقایقی نمی گذرد که به خاک می افتد و دیده می گرداند تا شاید از پس پرده خون، جمال دلارای حسین را بار دیگر نظاره کند. امام به بالینش که می رسد پیرمرد دیگر جان در بدن ندارد.

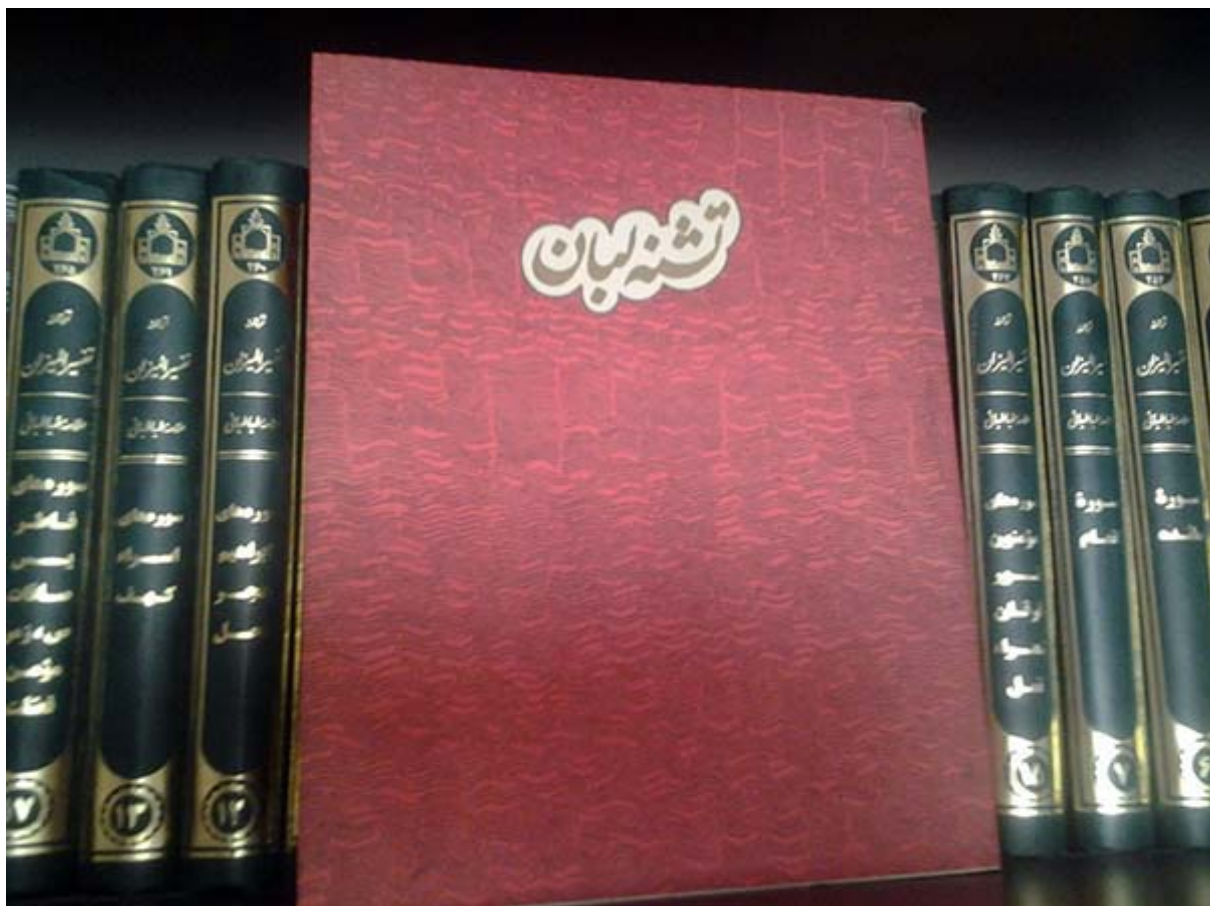
گفتنی است تشنه لبان برای گروه سنی «و» (مخاطبان عمومی) نگاشته شده است. این کتاب به قلم حمید گروگان نوشته شده و به سعی هاجر سلیمی نمین تصویرگری گشته است، چاپ اول این کتاب ۳۲۰ صفحه ای در سال ۸۸ و چاپ دوم آن در سال ۹۰ با تیراژ ۵۰۰۰ نسخه به کوشش انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. بخشی از کتاب:

«هوا گرم است و تبار. خورشید همچون گوی آتش در میانه آسمان می درخشید. در خیمه های حسین آبی نیست. مشک ها خشک آویخته به تیرکهای خیام، گه گاه به وزش باد گرم، تکان می خورد و هوس جرعه ای آب، لبان خشکیده کودکان حرم را چو ماهیان افتاده بر خاک، به آهی بی صدا، باز می کند و می بندد. ...

...به چرخشی نگاه بر گل روی حسین می دوزد و به زحمت لب می گشاید: یابن رسول الله! آیا...به عهدهم...وفا کردم؟

حریر صدای حسین که بر گوش جاننش دست نوازش می کشد دیگر دردی حس نمی کند.

-تو زودتر از من پا به بهشت می گذاری. سلام مرا به رسول خدا برسان و بگو به دنبال تو خواهیم آمد...»







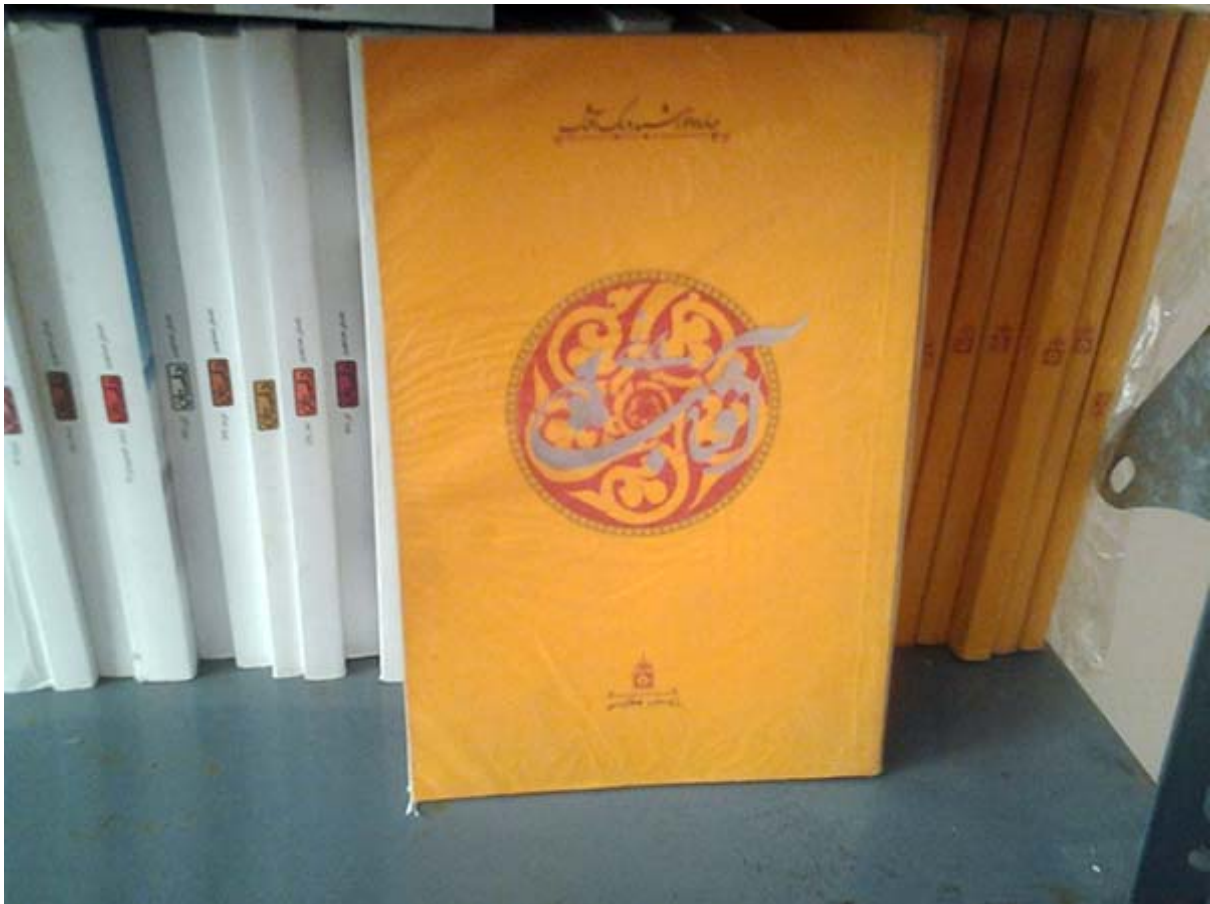
• آفتاب بر نی:::

معاونت فرهنگی شهرداری اصفهان و «مرکز آفرینشهای ادبی قلمستان» اقدام به تولید مجموعه ای چهارده جلدی با عنوان «چهارده خورشید و یک آفتاب» درباره چهارده معصوم نموده است. کتابهایی که بیشتر شاگردان دوره های داستان نویسی این مجموعه کار کرده اند و انصافاً هم کار خوبی از آب در آمده.

هر کتاب شامل ۱۰۰ داستان خیلی کوتاه است که به شکل زیبایی چاپ شده است.

البته بعدتر به غیر از این چهارده کتاب عناوین دیگری پیرامون حضرت امام (ره) و یارانشان نیز چاپ شده است.

کتاب پنجم این مجموعه با عنوان «آفتاب بر نی» مربوط به حضرت اباعبدالله (ع) می باشد.



مرکز پخش: ۰۹۱۳۲۱۵۱۷۸۶ و ۰۳۱۱۲۶۰۲۰۱۴

• عزاداری های نامشروع:::

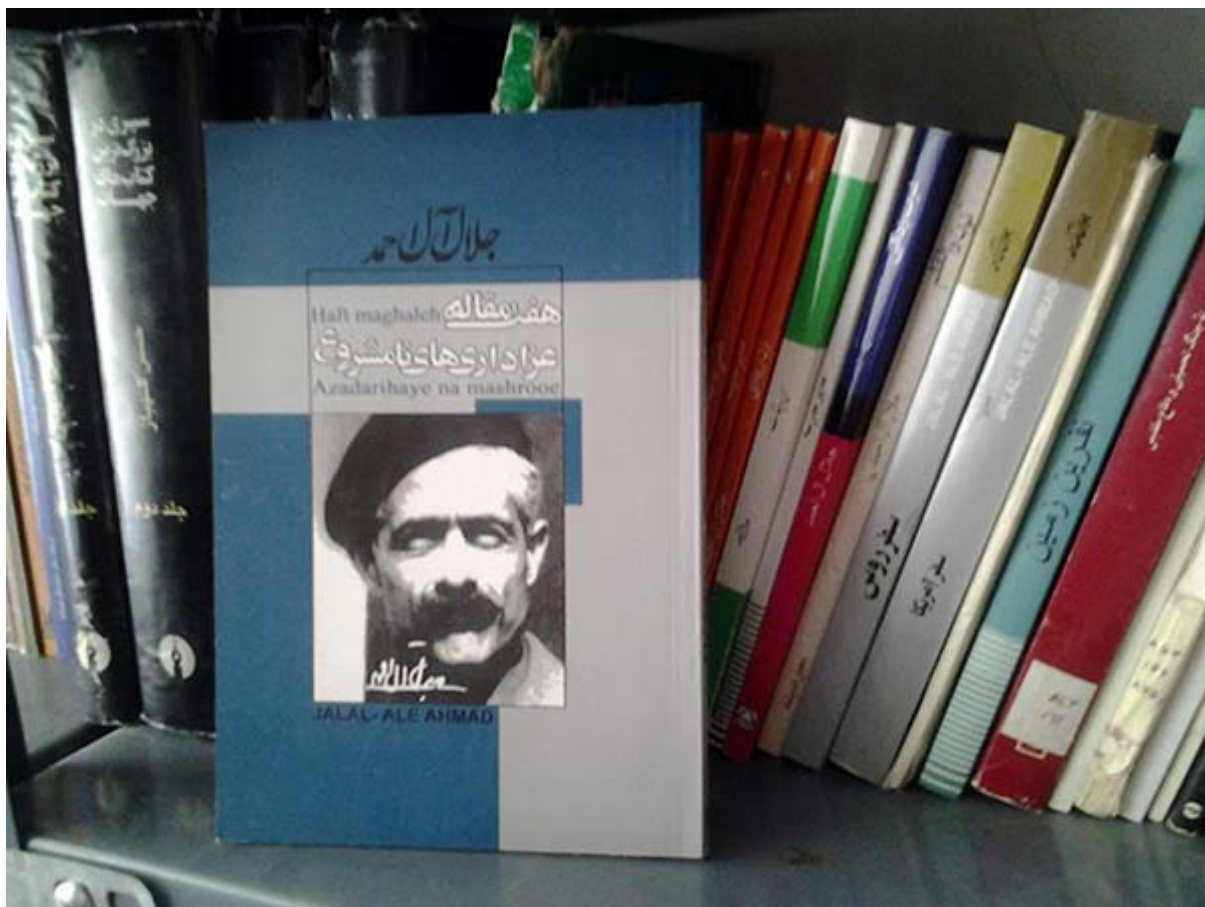
«جلال آل احمد» به عنوان یک روشنفکر که درد دین دارد اقدام به ترجمه مقاله «آیت الله سید حسن امین عاملی» از علمای بزرگ لبنان درباره انحرافات عزاداری حضرت اباعبدالله(ع) نموده است. هر چند این مقاله بر میگردد به دهه بیست یا سی اما آنچه که نه تنها هیئات ما با آن درگیرند بلکه برایش هزار جور توجیه شرعی نیز می آورند همین مسائل می باشد. سبک های عزاداری ، غنا ، قمه زنی و ... مسائلی نیستند که دست از سر این حرکت عظیم شیعه بردارد و البته قاعدتاً بهترین مسیر انحراف هم هستند.



خود علامه امین در اعیان الشیعه می نویسد:

این عمل [قمه زنی و ...] شیعه اهل بیت را در انظار مردم، مورد تمسخر قرار داده و آنها را وحشی قلمداد می کند و شکی نیست که این اعمال ناشی از وساوس شیاطین بوده و موجب رضایت خدا و پیامبر و اهل بیت اطهار نیست ... به همین دلیل هم رساله «التنزیه» را نوشتم که چاپ شد و به فارسی هم ترجمه گردید و به دنبال آن بود که گروهی از قشربون و کسانی که خود را به دین منسوب می دارند، قیام کردند و غوغا برپا ساختند و حتی در میان مردم عوام شایع

نمودند که فلانی عزاداری بر امام حسین را تحریم کرده است و بر این هم بسنده نکرده و مرا به خروج از دین (!) متهم ساختند... (۱۸۶)



ایشان در قسمتی از رساله التتزیه می نویسد:

اگر این امور [قمه زنی و ...] به راستی ثواب داشت و در دنیا و آخرت مضر نبود، سزاوار بود که علما و فقها نیز هم به آن مبادرت کنند و خود پیش قدم باشند! زیرا که علما و فقها بیش از همه شایسته برای این گونه کارها - ی ثواب! - هستند و اکنون که همه این کارها را نمی کنند، خوب بود اقلأً یکی دو نفر از علما برای نمونه این کارها را انجام می دادند!

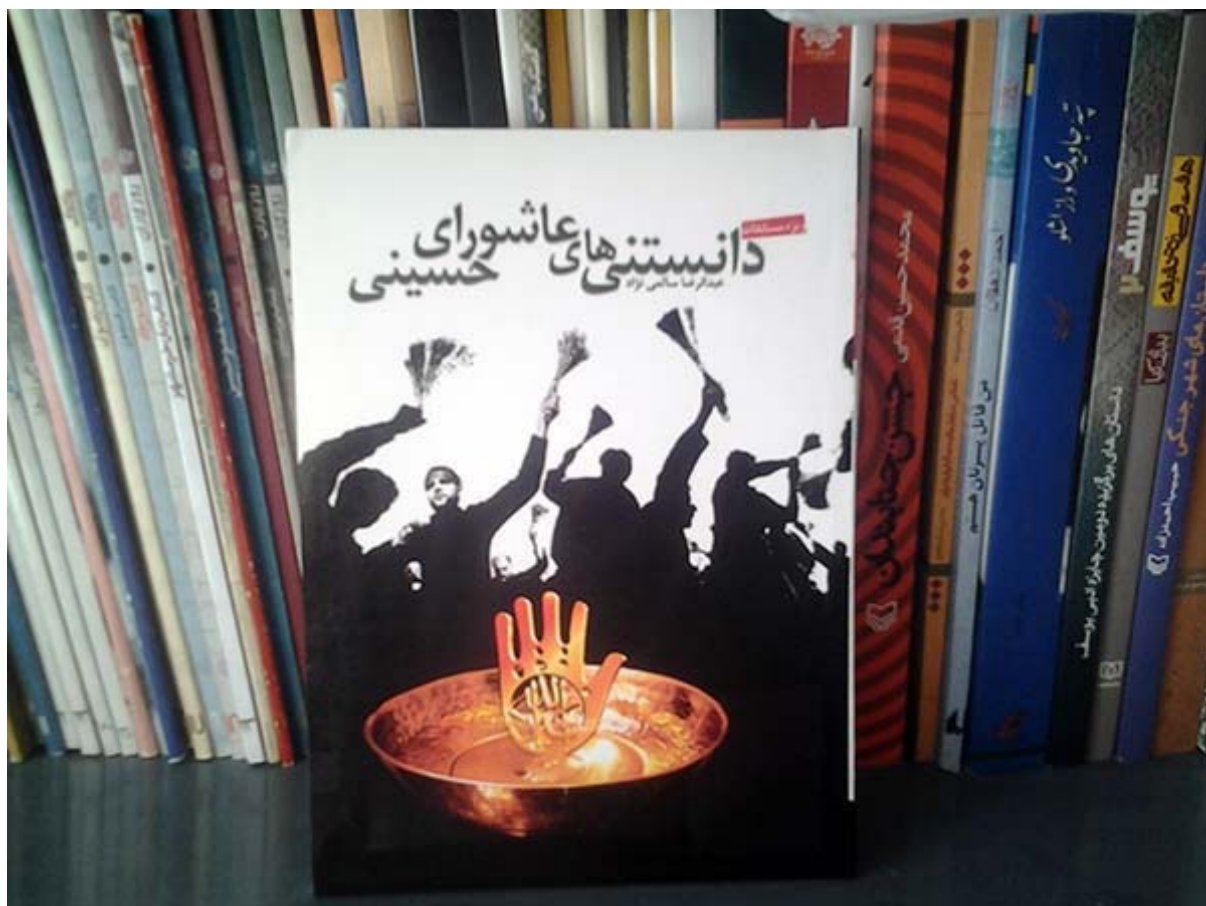
و در نهایت برخلاف برخی ادعاهای واهی و بدون سند که در سالهای اخیر توسط برخی معممین بدون دقت ایراد شد، این عالم بزرگ شیعه می نویسد:

مرحوم آیت الله میرزای شیرازی در گذشته و تمام علمای نجف در همین امروز، فتاوی صریح در تحریم تمام این اعمال صادر کرده و اعلامیه های مفصل بیرون داده اند و در گذشته نیز هیچ یک از علما و فقها و مجتهدین دستور و فتوایی بر جواز این امور نداده اند، بلکه آنها را رسماً حرام کرده اند.

• دانستنی های عاشورای حسینی :::::

انتشارات «نیلوفران» با همت «عبدالرضا سالمی نژاد» کتابی جمع و جور برای نو جوانان و جوانان منتشر کرده است که در آن بعضی از موارد کلی پیرامون مسئله عاشورا بصورت سوال و جواب مواردی مطرح شده است.

همانطور که روی جلد این کتاب هم درج شده ، کتابی است مفید برای مسابقات فرهنگی مدارس و کانون های فرهنگی



شماره تماس: ۰۲۱۴۴۴۳۱۶۲ و www.niloofaran.com

• باغ سیب :::

بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق(ع) نشریه ای منتشر می کند بنام «حیات» که اوایل اسمش هفت قفل بود. این نشریه پیوست هایی دارد که گاهی از یک نشریه فراتر می رود. مثل همین مجموعه ی شش جلدی «باغ سیب». کتابهای عاشورایی از مجموعه ی «زیر خیمه ی حسین(ع)»



کتاب اول با عنوان «تا خدمت حسین(ع)»: بایسته های خادم الشهداء از منظر خادم الحسین(ع)

کتاب دوم با عنوان «عباس شدن»: تأملی بر زیارت حضرت عباس(ع)

کتاب سوم با عنوان «وفا به رنگ کربلا»: کتاب سعید بن عبدالله حنفی

کتاب چهارم با عنوان «رفاقت به سبک حبیب»: خاطرات و آموزه هایی برای زندگی امروزی

کتاب پنجم با عنوان «رفاقت به سبک حبیب»: پای درس رقابت جناب حبیب (ع)

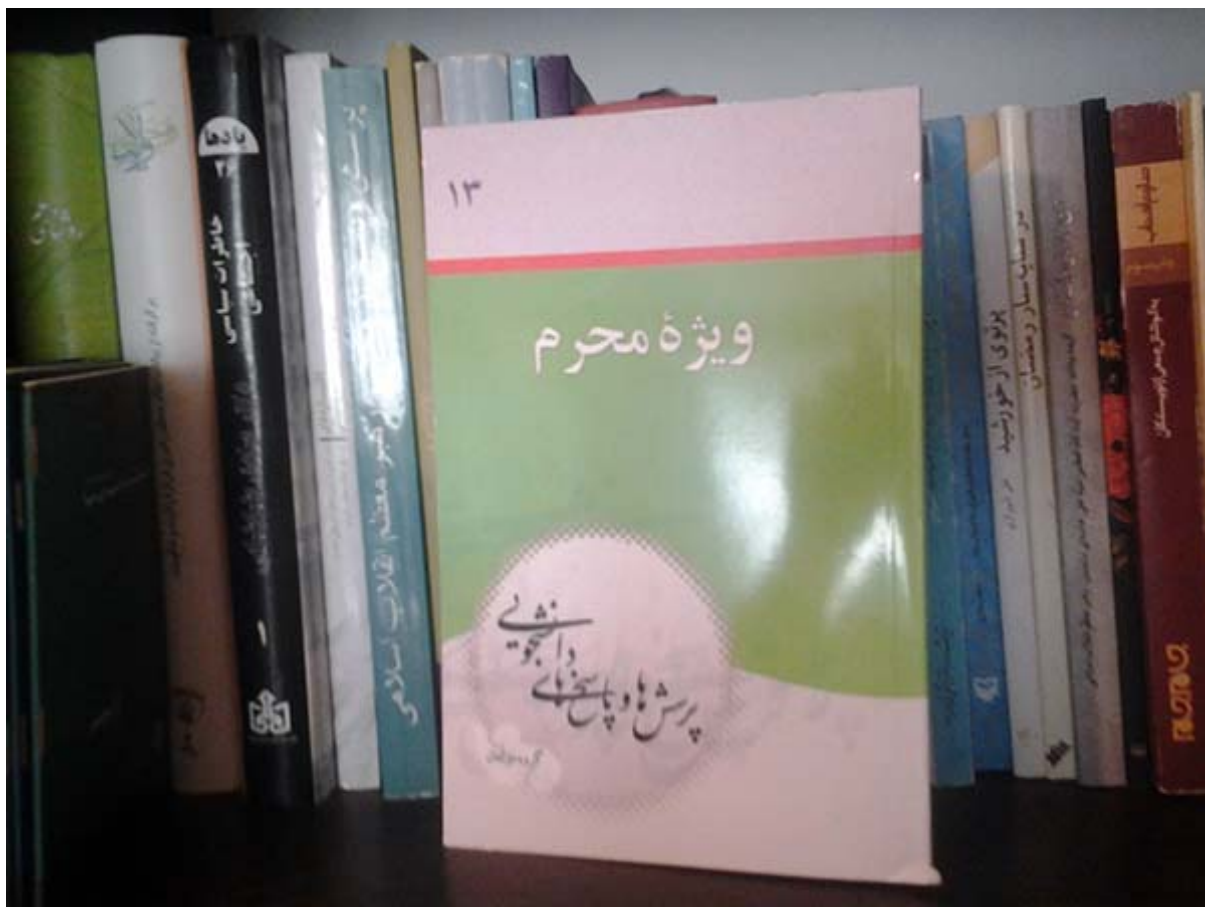
کتاب ششم با عنوان «و لعن الله شمرا»: اولین کلاس کارگاهی شمر شناسی

در این شش کتاب خیلی کوچک در پاراگراف های خیلی کوچک تر سعی شد فقط ضربه ی آخر زده شود. نه مقدمه چینی و نه طول و تفسیر زیادی....

www.basijisu.ir و www.hayatmag.ir و ۰۹۳۶۸۹۰۳۳۳۷

• پرسش ها و پاسخ های دانشجویی:::

دفتر «نشر معارف» یا همان نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها سلسله کتابهایی را با عنوان کلی «پریسش ها و پاسخ های دانشجویی» تدوین و منتشر کرده اند که اساس آن سوالات دانشجویان در موضوع های مختلف است. یعنی در موضوع های مختلف انبوهی از سوال ها و شبهات را جمع آوری و سپس با یک نظام موضوعی مشخص از منابع مختلف به آنها پاسخ داده اند. که فکر کنم تا کنون بیش از پنجاه جلد آن منتشر شده است.



«دفتر سیزدهم» از این مجموعه ویژه محرم است. اگر سوالات زیادی در ذهن دارید و حوصله خواندن کتاب های زیاد را ندارید این مجموعه بسیار کاربردی است.

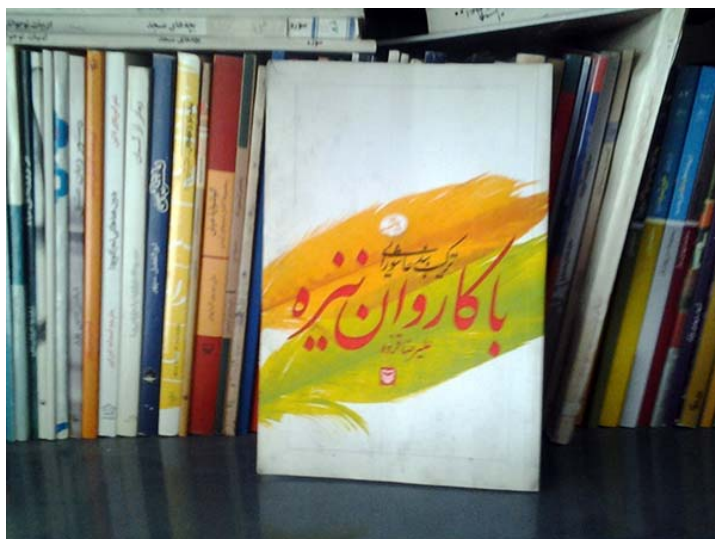
از فلسفه قیام امام تا احکام عزادری و

www.ketabroom.ir

• با کاروان نیزه:::

یک ترکیب بند عاشورای از دکتر «علیرضا قزوه» است که فقط دهه محرم دست به آن برده ام و هیچ وقت تمام آن را دل نکردم بخوانم جز همین سفر اخیر کربلا که در واقع اولین سفرم بود.... یک چشمم شعر بود و یک چشمم اشک و دلم در قتلگاه...

متن کامل شعر را میتوانید از دریافت کنید... هرچند اصلا توصیه نمیکنم به دیجیتال خوانی. خط کتاب به شدت زیباست و در زیبایی کتاب تاثیر زیادی دارد....



بند دوازدهم

گودال قتلگاه، پر از بوی سیب بود
تنها تر از مسیح، کسی بر صلیب بود
سرها رسید از پی هم، مثل سیب سرخ
اول سری که رفت به کوفه، حبیب بود!
مولا نوشته بود: بیا ای حبیب ما
تنها همین، چقدر پیامش غریب بود
مولا نوشته بود: بیا، دیر می شود
آخر حبیب را ز شهادت نصیب بود
مکتوب می رسید فراوان، ولی دریغ
خطش تمام، کوفی و مهرش فریب بود
اما حبیب، رنگ خدا داشت نامه اش

اما حبیب، جوهرش «امن یحیی» بود

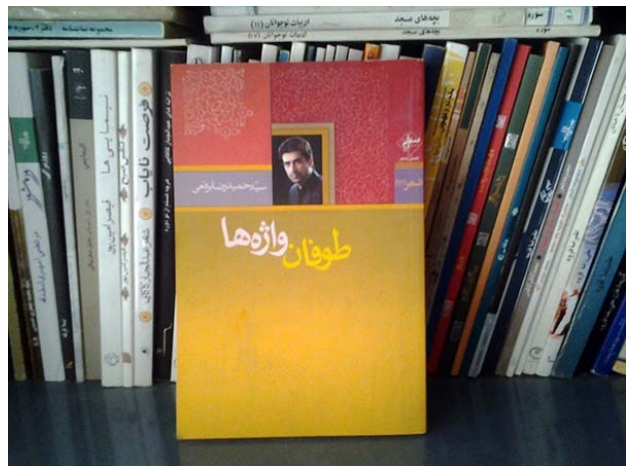
یک دشت، سیب سرخ، به چیدن رسیده بود

باغ شهادتش، به رسیدن رسیده بود

این کتاب را «سوره مهر» منتشر کرده است

• طوفان واژه ها:::

هرچند این کتاب اشعار متنوعی دارد اما شعر «طوفان واژه ها» را وقتی «سید حمیدرضا برقی» در دیدار با مقام معظم رهبری خواند هم سبب مشهور شدنش شد و هم ماندگاری کتاب.



سید حمیدرضا جوانی است به شدت مخلص و صاحب نفس.... باید پای شعر خوانی اش بنشینیم....هرچند دلخورم ازش که چرا هنوز در باره حضرت احمد بن موسی(ع) شاهچراغ شعری نگفته است....



این کتاب را «فصل پنجم» منتشر کرده است.

چند بند از یک مربع ترکیب عاشورایی -

با اشک هاش دفتر خود را نمود کرد
در خود تمام مرثیه ها را مرور کرد
ذهنش ز روضه های مجسم عبور کرد
شاعر بساط سینه زدن را که جور کرد
احساس کرد از همه عالم جدا شده است
در بیت هاش مجلس ماتم به پا شده است
در اوج روضه خوب دلش را که غم گرفت
وقتی که میز و دفتر و خودکار دم گرفت
وقتش رسیده بود به دستش قلم گرفت
مثل همیشه رخصتی از محتشم گرفت
باز این چه شورش است که در جان واژه ها ست
شاعر شکست خورده طوفان واژه هاست
بی اختیار شد قلمش را رها گذاشت
دستی زغیب قافیه را کربلا گذاشت
یک بیت بعد ، واژه ی لب تشنه را گذاشت
تن را جدا گذاشت و سر را جدا گذاشت
حس کرد پا به پاش جهان گریه می کند
دارد غروب فرشچیان گریه می کند
با این زبان چگونه بگویم چه ها کشید
بر روی خاک و خون بدنی را رها کشید
او را چنان فنای خدا بی ریا کشید
حتی برآش جای کفن بوریا کشید

در خون کشید قافیه ها را ، حروف را
از بس که گریه کرد تمام لهوف را
اما در اوج روضه کم آورد و رنگ باخت
بالا گرفت کار و سپس آسمان گداخت
این بند را جدای همه روی نیزه ساخت
"خورشید سر بریده غروبی نمی شناخت
بر اوج نیزه گرم طلوعی دوباره بود"
او که کشان روشن هفده ستاره بود

خون جای واژه بر لبش آورد و بعد از آن ...
پیشانی اش پر از عرق سرد و بعد از آن ...
خود را میان معرکه حس کرد و بعد از آن ...
شاعر برید و تاب نیاورد و بعد از آن ...
در خلسه ای عمیق خودش بود و هیچ کس
شاعر کنار دفترش افتاد از نفس...

یا علی مدد

• لوح فشرده صوتی مجموعه قیام و انقلاب امام حسین(ع)::::

این لوح فشرده صوتی که به همت موسسه پژوهشی فرهنگی مصابیح الهدی(دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی) و البته ستاد مرکزی راهیان نور در کمال زیبایی تهیه شده است شامل مجالس محرم و صفر حضرت آیت الله است با موضوع های :

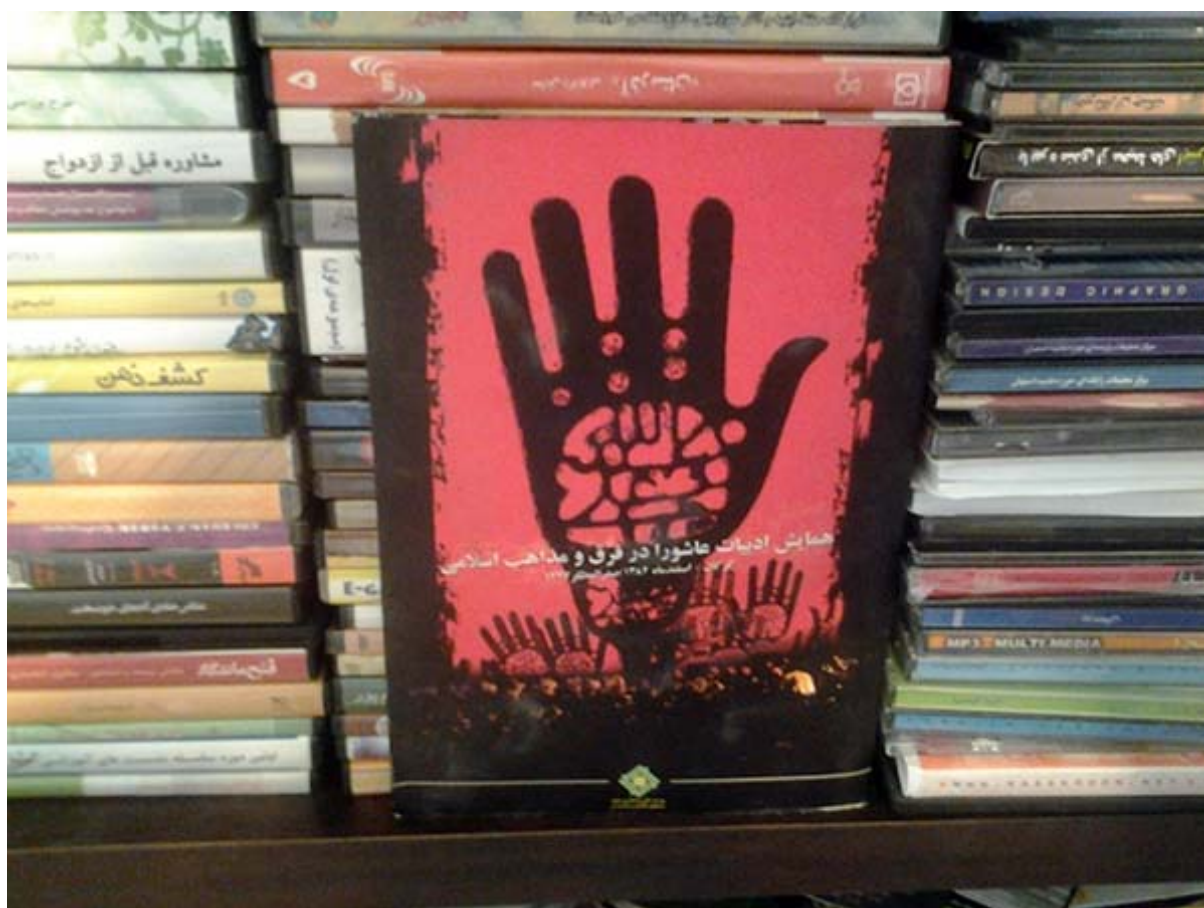
تعاون(۱۲ جلسه)/امر به معروف و نهی از منکر(۲۴ جلسه) / هجرت (۱۵ جلسه) / دین و دین داری (۱۳ جلسه) /
پایداری (۱۳ جلسه) / جق و باطل (۲۲ جلسه) / عزت و ذلت (۲۲ جلسه) / غیرت دینی (۲۲ جلسه)



• مجموعه لوح های تصویری همایش ادبیات عاشورا در فرق و مذاهب اسلامی :::

اسفند ماه ۸۴ بعد از یک سال عجیب در هجمه های دشمن به دین اسلام ، با درج سلسله کاریکاتور های موهن علیه پیامبر اعظم(ص) در نشریات اروپایی ، انفجار های اماکن مقدسه عراق به خصوص سامرا و ... در شهر گرگان همایشی وحدت آفرین برگزار شد با موضوع ادبیات عاشورا در فرق و مذاهب اسلامی.

این مجموعه لوح های تصویری شامل سخنرانی های ایراد شده در این همایش است که فارغ از غنای علمی همایش از نظر موارد یاد شده مهم هستند....



• نرم افزار آهنگ خورشید ۴:::

این نرم افزار دربردارنده ی ۳۶ جلسه سخنرانی علامه «محمد تقی جعفری» است با عنوان تحلیل و بررسی واقعه ی عاشورا.... و متن کتاب های «امام حسین(ع) شهید فرهنگ پیشرو انسانیت» و «در محضر حکیم».

من که هرکاری کردم زیاد نفهمیدم علامه چه می گوید....



• لوح فشرده صوتی سلوک عاشورایی:::

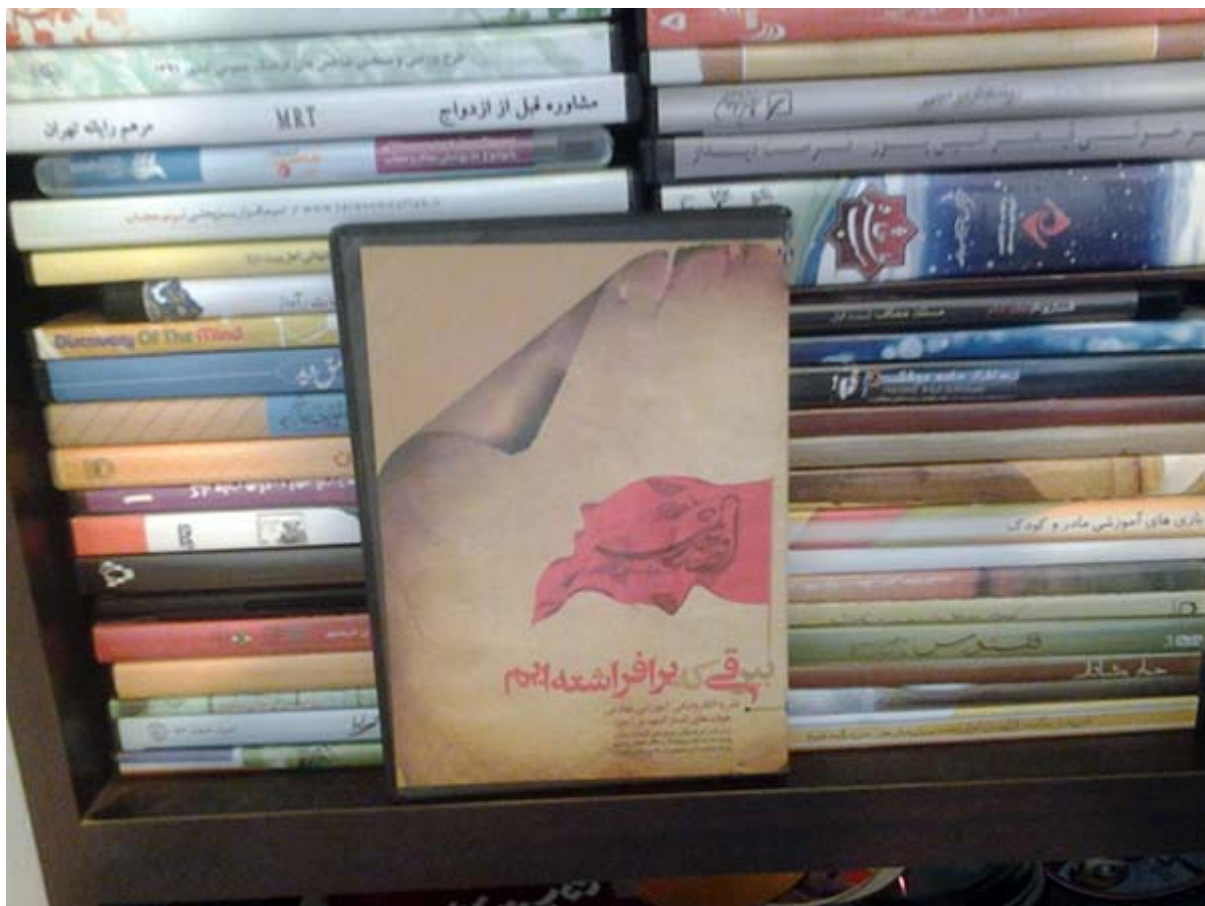
آنچه که در مورد کتاب های ده گانه سلوک عاشورایی گفته شد ، حال این هم صوت همان جلسات. صدای آیت الله ...
جان می دهد برای سفر برای درون ماشین گوش دادن.....



• نرم افزار بیرقی که برافراشته ایم:::

همیشه گفته ام و باز هم می گویم؛ اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان فرصتی است که هیچ کس قدر آن را نمی داند. نه خود تشکیلات نه نظام...

از زیبایی های این تشکیلات دانش آموزی راه اندازی سلسله هیئت های دانش آموزی با عنوان «انصار المهدی(عج)» است. هیئت هایی خالص و بی ریا با محوریت شهدای دانش آموز و زیارت آل یاسین... نقد و نظر پیرامون این تشکل و این هیئت ها بماند ...

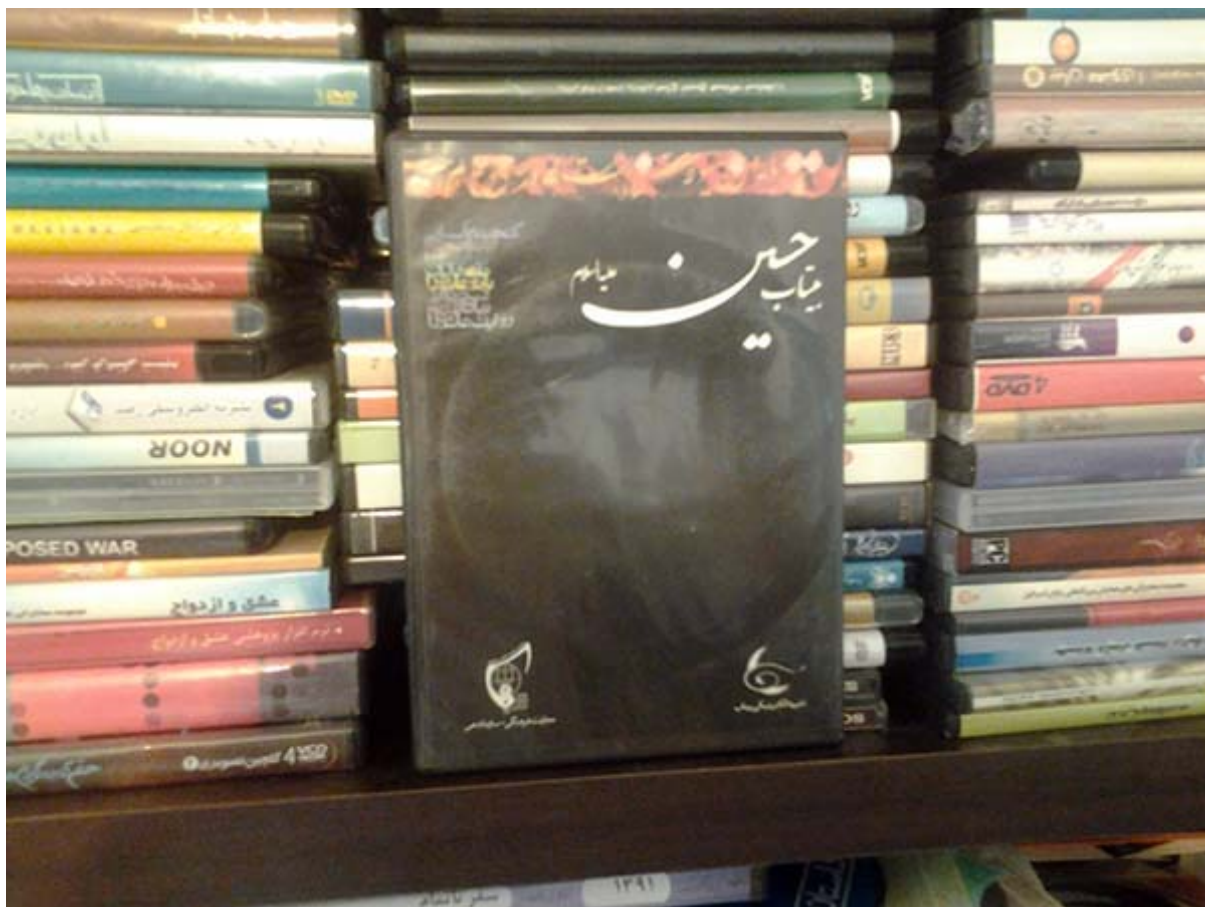


اما هر ساله نرم افزاری از سوی دفتر مرکزی این تشکیلات تهیه توزیع می شود با عنوان «بیرق». نرم افزاری آموزشی ، محتوایی و تبلیغی... آموزش هیئت داری به انجمنی ها ، مداحی ها و سخنرانی ها دانش آموزپسند ، صوت ها و محتوا هایی برای استفاده در مدارس و ...
یک محصول آموزشی انگیزشی ...

• بیتاب حسین(ع) (عج):

شاید بتوان اولین نشریات دیجیتال فرهنگی مذهبی را سلسله نشریات «بیتاب» دانست. «بیتاب حسین(ع) (عج)» ، «بیتاب فاطمه(س)» ، «بیتاب مهدی(عج)» ، «بیتاب شهداء» و ...

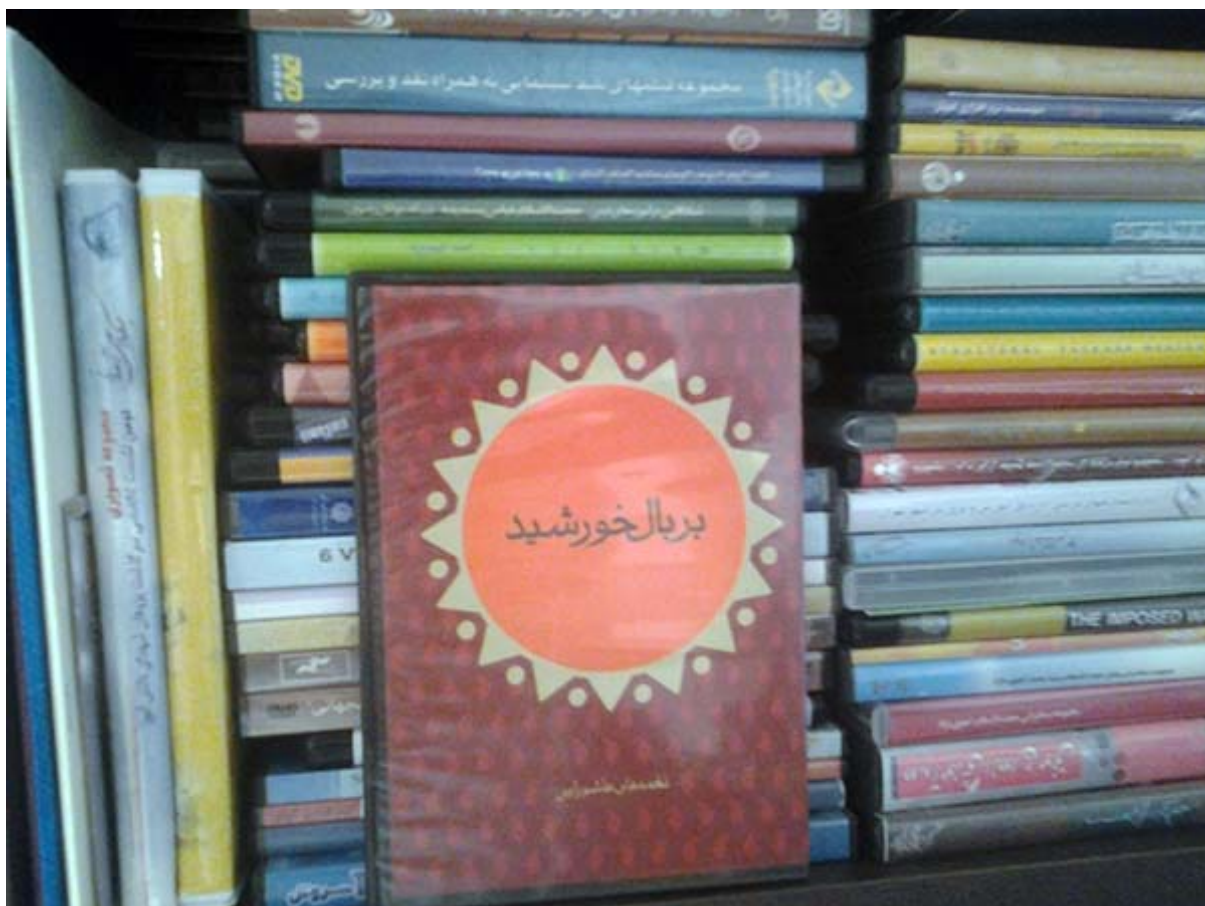
متن ، صوت ، فیلم ، عکس... همه چیز در این نشریات بود. اما ویژگی اصلیش شاید بتوان ظاهر زیبا و استفاده از نرم افزار فلش در متحرک سازی صفحات دانست ...



• بر بال خورشید:::

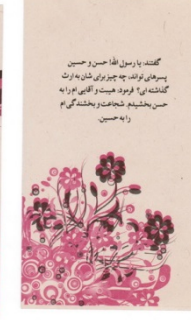
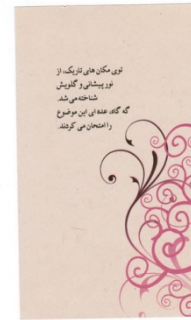
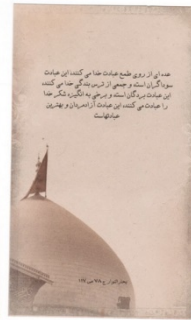
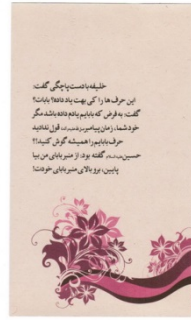
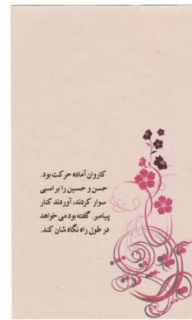
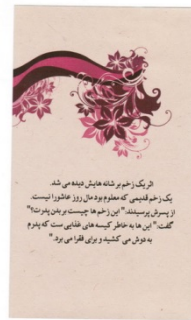
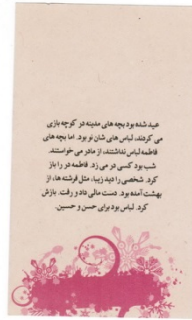
مجموعه نغمات عاشورایی از موسسه فرهنگی هنری «رسائل» .

و ۰۲۱۲۲۲۰۰۳۳۲ www.rasael.com



• **مجموعه فلش کارت بوی سیب می آید::**

حکایت هایی پیرامون امام حسین(ع) که موسسه فرهنگی «پلاک» آن را منتشر کرده است: ۰۲۵۳۷۷۳۹۰۱۴





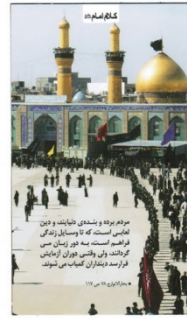


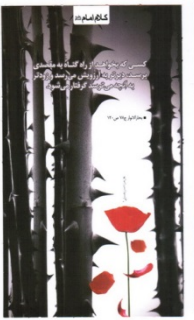
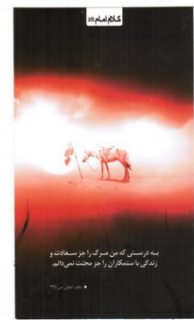




مجموعه فلش کارت پیام بر کر بلا:::

<p>کتابنامه</p> <p>اصنافی از روی طبیعت عبادت خدا می کنند، این عبادت سوره ها را است و جمعی از آنسوی، خدا می کنند این عبادت برادران است و طریقی به تکلیف و شکر خدا را عبادت می نمایند، این عبادت از اهل بیت و بهترین عبادت است.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>اکبر باشد که یکی از نعمت های الهی بر شما باشد و برادران محرم به شما قسمت می شود، این نعمت را بر شما عرضه می کند.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>خدا سرت کسان است که اینها آید و برگردد کفران طاقت است.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>از عبادت آفرین بگذرد که خدا آفریننده میوه های است.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>
<p>کتابنامه</p> <p>ما از فرزند آدم به نام آدم مرتضی و آنرا که اولاد او را از او می نامند، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>این فرزند آدم به نام آدم مرتضی و آنرا که اولاد او را از او می نامند، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>عذرتی که از برای خدا عذر است و عذر نیست مگر به عذر خدا.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>هر انسانی طبعی است که در او خرد و عاقلیت است و هر انسانی طبعی است که در او خرد و عاقلیت است.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>
<p>کتابنامه</p> <p>تبار الله</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>ما عبادت خود را می بینیم، ما عبادت خود را می بینیم، ما عبادت خود را می بینیم.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>کسانی که در جهت گناه و از درختان زاهد شده اند، اینها کسانی هستند که در جهت گناه و از درختان زاهد شده اند.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>خدا را چه می خرد؟ خدا را چه می خرد؟ خدا را چه می خرد؟</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>
<p>کتابنامه</p> <p>این فرزند آدم به نام آدم مرتضی و آنرا که اولاد او را از او می نامند، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>برای آنکه در دنیا و آخرت با او است، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است، این فرزند آدم را که در دنیا و آخرت با او است.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>اینها کسانی هستند که در جهت گناه و از درختان زاهد شده اند، اینها کسانی هستند که در جهت گناه و از درختان زاهد شده اند.</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>	<p>کتابنامه</p> <p>خدا را چه می خرد؟ خدا را چه می خرد؟ خدا را چه می خرد؟</p> <p>دوره انتشار: ۱۳۹۲</p>









مجموعه حکایات پیرامون نهضت عاشورا و اسارت اهل بیت(ع) که کار موسسه فرهنگی هنری معراج است: ۰۲۵۳۷۷۴۷۴۳۲